



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نجوای عشق: مناجاتی با الهام از ادعیه ائمه اطهار

نویسنده:

علی راجی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	نجوای عشق: مناجاتی با الهام از ادعیه ائمه اطهار
۷	مشخصات کتاب
۷	پیش‌گفتار
۱۸	نیایشی برگرفته از دعاهای مأثورہ
۶۷	نیایشی برگرفته از دعای کمیل
۹۲	نیایشی برگرفته از دعای عرفه امام حسین (ع)
۱۲۸	نیایشی برگرفته از دعای ابو حمزه
۱۷۴	مناجاتی برگرفته از مناجات خمس عشر
۱۷۴	۱. مناجات تائبین
۱۷۹	۲. مناجات شاکرین
۱۸۲	۳. مناجات خائفین
۱۸۵	۴. مناجات راجین
۱۸۹	۵. مناجات راغبین
۱۹۳	۶. مناجات شاکرین
۱۹۷	۷. مناجات مطیعین
۲۰۰	۸. مناجات مریدین
۲۰۵	۹. مناجات محبین
۲۱۱	۱۰. مناجات متوسلین
۲۱۴	۱۱. مناجات مفتقرین
۲۱۸	۱۲. مناجات عارفین
۲۲۲	۱۳. مناجات ذاکرین
۲۲۶	۱۴. مناجات معتصمین

۲۳۰ ..... ۱۵. مناجات زاهدین

۲۳۳ ..... درباره مرکز

## نجوای عشق: مناجاتی با الهام از ادعیه ائمه اطهار

### مشخصات کتاب

سرشناسه: راجی، علی، ۱۳۳۴ -

عنوان و نام پدیدآور: نجوای عشق: مناجاتی با الهام از ادعیه ائمه اطهار/علی راجی.

مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۲۳۹ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.

شابک: ۲۲۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۱۱-۰

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

عنوان دیگر: مناجاتی با الهام از ادعیه ائمه اطهار علیهم السلام.

موضوع: مناجات

موضوع: دعاها

رده بندی کنگره: BP۲۷۱/۸ ر ۳۲ن ۳۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۹۹۱۸۶

### پیش‌گفتار

ص: ۱















من غرق نیازم تو بحر نوازی

من دست درازم تو نقد سخایی

من عبد گدایم تو مشفق راهی

من کجا و یاد تو؟ من کجا و نام تو؟

من کجا و کوی تو؟ من کجا و روی تو؟

من کجا و مهر تو؟ من کجا و لطف تو؟

دلی که عشق خدا در آن نیست و غیر خدا در آن خانه گزیده، دل نیست، سنگ است. دل، ظرف محبت است و فلسفه خلقتش

اینست که گویی خداوند خانه‌ای برای خود برگزیده تا در آن ساکن شود.

از بدو خلقت هر انسانی خداوند متعال بالفطره با اوست، ولی وقتی دل را آفرید، ما را موظف کرد که در ظرف دل جز خدا را راه

مده. فقط خدا را سلطان کشور دل قرار ده.

عشق زبان دل است و پروردگار فرمانروای دل. در دل‌های موحدان جز خداوند متعال کعبه‌ای نیست. خانه کعبه قبله فقهی و عبادی

است و صاحب‌الکعبه قبله عشق و دوست داشتنی است.

معشوق به مرزی از هواداری محبوبش می‌رسد که توجه دائمی‌اش او می‌شود. گوشت و پوست و استخوانش ذکر و یاد محبوبش

می‌شود. وقتی سعید بن جبیر را سر بریدند، خورش نقش لا اله الا الله بست. قرآن مجید در وصف ائمه اطهار (ع) که سرآمد همه

عشاق عالمند، می‌فرماید:

ص: ۸

فِي يُبَوِّتِ أذْنَ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا ... رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ (نور: ۳۶ و ۳۷)

مردانی را معرفی می‌کند که یاد محبوب و معشوق را هرگز فدای تجارت و خرید و فروش و هوس‌های دنیا نمی‌کنند. یعنی جلوه‌ها و جاذبه‌های دنیا کوچک‌تر از آن است که به یاد معشوقشان تنه زند.

در پرتو انس با معشوق حقیقی دل‌ها یعنی خداوند است که یوسف تمام گرفتاری‌های خود را به واسطه آن فراموش کرد. در تفسیر برهان آمده آن‌گاه که یوسف به چاه افتاد و شکوه‌ای به جبرئیل کرد، جبرئیل دعایی را به او تعلیم داد که بعضی از مدلول آن چنین است: خدایا محبت خود را به گونه‌ای در قلبم جای ده،

«حتی لا یکون لی همّ و شُغل سِوَاک.»؛

(به هیچ چیز اهتمام نداشته باشم و مشغله‌ای جز یاد تو برایم نباشد)، و این همان است که امام کاظم (ع) در زندان سندی بن شاهک شکر می‌کند و عرض می‌کند: خدایا خود می‌دانستی که موسی از تو مکان خلوتی می‌خواست که به راز و نیاز با تو مشغول گردد، اینک ممنونتم که چنین مکانی را مرحمت کردی.

امیرالمؤمنین (ع) در نجوای عشق با محبوبش به جایی می‌رسد که گوشش نمی‌شنید و چشمش نمی‌دید و زمین و آسمان دنیا و مافیها از خاطرش فراموش می‌شد و با تمام وجود توجه خود را به مبدأ حقیقت معطوف می‌داشت؛ لذا در یکی از جنگ‌ها تیری به پایش فرو رفته بود و به

ص: ۹

قدری دردناک بود که نمی‌توانستند آن را بیرون آورند. وقتی که به نماز ایستاد، بیرون کشیدند و او متوجه نشد. وقتی وضو می‌گرفت، سراپای وجودش می‌لرزید و چون در محراب عبادت می‌ایستاد، رعشه بر اندامش می‌افتاد و از خوف عظمت الهی اشک چشمانش بر محاسنش جاری می‌شد و لذا نماز سرور عشق است. امام صادق (ع) در وصف عشق حقیقی آن دسته از عشاق بی‌ادعا فرمود:

«المُشْتاقُ لا يَشْتَهِي طَعَاماً وَ لا يَتَلَذَّذُ شَراباً وَ لا يَسْتَطِيبُ رُقاداً وَ لا يَأْنَسُ حَميماً وَ لا يَأْوِي داراً وَ لا يَسْكُنُ عُمراناً وَ لا يَلْبَسُ لَيناً وَ لا يَقَرُّ قِراراً وَ يَعْبُدُ اللهَ ليلاً وَ نهاراً راجياً بانْ يَصِلَ الی ما يَشْتاقُ اليه وَ يُنَجِّيه بِلِسانِ شَوْقه مُعَبِّراً عَمَّا فِي سَريَرَتِه.»

[سراج، ص ۴۹]

ابراهیم به حدی از عشق می‌رسد که وقتی فرشتگان در مقام امتحان او پشت تپه‌ای ندای سبوح قدوس را سر می‌دهند، آنچنان از خود بی‌خود می‌شود و لذت یاد محبوبش او را از خود بی‌خود می‌کند که به آنها می‌فرماید: اگر یک بار دیگر نام محبوبم را به زبان جاری کنید خود را غلام شما می‌کنم ....

یاد محبوب در فرهنگ خالصان و شیفتگان درگاه الهی غذای روح است آن‌گونه که ذکر خداوند غذای حیات وجودی فرشتگان است.

موحد بر اساس أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ چون عاشق است، دوست دارد با معشوقش نجوی کند. گاهی در بهشت زمینی محبوبش مشرف شده در کنار

ص: ۱۰

کعبه می‌خواهد با رب‌الکعبه راز و نیاز کند، گاهی در بهشت زمانی محبوبش یعنی ماه مبارک می‌خواهد زانو به زانوی محبوب ترنم عشق داشته باشد. شاید این نوشتار که با الهام از راز و نیاز بزرگ عشاق عالم یعنی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) تدوین یافته، بتواند سمت و سوی این نجوی عشق را رقم زند.

علی راجی

مشهد مقدس

زمستان ۸۷

ص: ۱۱



## نیایشی برگرفته از دعاهای مأثورہ

الهی ما عبدناک حق عبادتک یا الله. (۱)

ما شکرناک حق شکرک یا الله.

ما ذکرناک حق ذکرک یا الله.

ما اعلی شأنک یا الله.

معبودا

بندهات با شرمساری، قصور و تقصیرش را اعتراف می کند.

که حق عبادتت را هرگز بجا نیاورده‌ام.

حق شکر و سپاست را هیچ گاه ادا نکرده‌ام.

حق یاد و ذکرت را هرگز بجا نیاورده‌ام.

خدای عزیز چقدر شأن و مقام تو عالی است.

معبودا

سر سفره اکرامت نشسته‌ام.

بر خوان نعمت بی‌منت‌هایت مقیمم.

به بلندای وَاِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوها از وفور نعمت‌هایت بهره می‌برم.

به بلندای فضل و جود و کرم‌ت روزی خواریم.

تو در اوج عظمت خدائیت چه زیبایی، چه لطیفی، چه مهربان و

ص: ۱۲

رحیمی.

چقدر دستگیر و بنده نوازی.

چقدر دلسوز و رفیقی. (۱)

چه بسیار گناهانم را دیدی و بی‌التماس بخشیدی.

چه بسیار حوائج و نیازهایم را دیدی و من خود ندانسته برآورده کردی. (۲)

چه بسیار گرفتاری‌هایم را دیدی و با رحمت و اسعادت نجاتم دادی.

چه بسیار سوء تدبیرم را در زندگی دیدی و با لطف و شفقت جبران کردی.

چه بسیار اوقات فراموشی کردم که تو خدای منی و تو یادم کردی و از این که من بنده توام فراموشم نکردی.

چه بسیار کفران و ناسپاسیم انگیزه بر خوردهای بد و زشتکاریم بود ولی تو مرا به ناسپاسی نگرفتی و با کرم و جودت مرا پذیرفتی.

خدای عزیزی که همه عزت‌ها، قدرت‌ها، سلطنت مطلقه عالم، جلال و جبروت، بزرگی غیر قابل وصف از آن توست.

خدای ودودی که همه چیز در برابر تو خاضع و فروتن است. (۳)

همه قدرت‌ها در قبضه قدرت تو اند. (۴)

همه کس در برابر عزت تو ذلیل اند. (۵)

همه چیز در برابر عظمت تو رام و مطیعند. (۶)

همگان در برابر هیبت تو به خاکند. (۷)

تو پناه هر بی‌پناهی. (۸)

تو ذخیره روز رنج و سختی منی. (۹)

ص: ۱۳

۱- یا شَفِیقُ یا رَفِیقُ.

۲- یا مُبْتَدِئاً بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا.

۳- یا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَیْءٍ لِهَيْبَتِهِ.

۴- یا مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَیْءٍ مِنْ خَشِيئَتِهِ.

۵- یا مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَیْءٍ لِعِزَّتِهِ.

۶- یا مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَیْءٍ مِنْ خَشِيئَتِهِ.

۷- یا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَیْءٍ لِهَيْبَتِهِ.

۸- یا مَلْجَأَ كُلِّ مَطْرُودٍ.

۹- یا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي.

- تو امید روز مصیبت و گرفتاری منی. (۱)
- تو مونس روز وحشت و اضطراب منی. (۲)
- تو دوست صمیمی روز غربت و بی کسی منی. (۳)
- تو ولی نعمت منی. (۴)
- تو فریادرس لحظه زمین خوردن در زندگی منی. (۵)
- تو راهنمای روز سرگردانی منی. (۶)
- تو سرمایه روز فقر و بیچارگی منی. (۷)
- تو دیوار بلند پناه در روز پریشانی منی. (۸)
- خدایا
- تو همه چیز را می دانی، بر غیب‌ها و اسرار آگاهی. (۹)
- توئی که عیب‌ها را می دانی و می پوشانی. (۱۰)
- توئی که دل‌ها را متحول می کنی. (۱۱)
- تو طیب دل‌هایی که آن‌ها را از سختی، نرم و متواضع می کنی. (۱۲)
- تو همدم دل‌های فروتن و خاضعی. (۱۳)
- توئی که سنگینی غم را از دل‌ها می ببری و پروازش می دهی. (۱۴)
- تو راهنمای گم گشتگانی. (۱۵)
- تو پناه گناه کارانی. (۱۶)
- تو بر سر همه بندگانت دست مهر و رحمت گرفته‌ای. (۱۷)
- تو به همه گناهکاران حلم و صبر می ورزی. (۱۸)
- تو به همه امیدواران در گاهت با کرم و سخاوت عمل می کنی. (۱۹)
- مرا دریاب ای آن که نقطه امید زندگی منی.
- ای آن که چشم فقط به اغماض و گذشت توست. (۲۰)
- ص: ۱۴

- ۱- یا رَجَائِی عِنْدَ مُصِیْبَتِی.
- ۲- یا مُوْنِسِی عِنْدَ وَحْشَتِی.
- ۳- یا صَاحِبِی عِنْدَ غُرْبَتِی.
- ۴- یا وَلِیِّی عِنْدَ نِعْمَتِی.
- ۵- یا وَلِیِّی عِنْدَ نِعْمَتِی.
- ۶- یا وَلِیِّی عِنْدَ نِعْمَتِی.
- ۷- یا وَلِیِّی عِنْدَ نِعْمَتِی.
- ۸- یا مَلْجَای عِنْدَ اضْطِرَّارِی.

- ۹- یا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ.
- ۱۰- یا سَتَّارَ الْعُيُوبِ.
- ۱۱- یا مَنْ لَا يَقْلُبُ الْقُلُوبَ إِلَّا هُوَ.
- ۱۲- یا طَبِيبَ الْقُلُوبِ.
- ۱۳- یا اَنِيسَ الْقُلُوبِ.
- ۱۴- یا مُفَرِّجَ الْهُمُومِ، یا مُنْفِّسَ الْغُمُومِ.
- ۱۵- یا دَلِيلَ الْمُتَحِيرِينَ.
- ۱۶- یا مُلْجَأَ الْعَاصِينَ.
- ۱۷- یا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ.
- ۱۸- یا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ.
- ۱۹- یا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ.
- ۲۰- یا مَنْ لَا يَرْجَى إِلَّا فَضْلَهُ.

- ای آن که فقط نگاهم به نیکی توست. (۱)
- ای آن که فقط از عدل تو می‌هراسم. (۲)
- ای آن که رحمت و اسعوات همه جا را پر کرده. (۳)
- ای آن که کفّه رحمت از کفّه خشم و سخت سنگین تر است. (۴)
- ای آن که بی مثل و مثالی، فقط توئی و در عالم وجود همتا نداری. (۵)
- غم از دلم بگیر. (۶)
- گناهم ببخش. (۷)
- توبه‌ام قبول کن. (۸)
- به عهدهت وفا کن. (۹)
- زشتی‌هایم ببوشان. (۱۰)
- به جرم و گناهم بگیر. (۱۱)
- اسرارم افشا مکن. (۱۲)
- از من بگذر. (۱۳)
- دستان رحمت را مشفق‌تر از هر دلسوزی به سویم دراز کن. (۱۴)
- توئی که بر دل شکسته‌ام واقفی.
- توئی که اشک‌هایم را می‌بینی. (۱۵)
- توئی که لغزش‌هایم را می‌دانی. (۱۶)
- توئی که با لطف خوبی‌های کم را چند برابر می‌نویسی. (۱۷)
- توئی که با ستاریت بر زشتی‌هایم پرده پوشی می‌کنی. (۱۸) یا بِاسِطِ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ. (۱۹)
- توئی که مسخ شدگان را با شدت به زمین می‌زنی. (۲۰)
- توئی که رانده شدگان را مأوایی.
- توئی که نجوای دل من به بن بست رسیده را می‌شنوی. (۲۱)
- ص: ۱۵

۱- یا مَنْ لَا يَنْظُرُ إِلَّا بُرَّهُ.

۲- یا مَنْ لَا يَخَافُ إِلَّا عَدْلَهُ.

۳- یا مَنْ وَسَعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْءٍ.

۴- یا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ عَضْبَهُ.

۵- یا مَنْ لَيْسَ أَحَدٌ مِثْلَهُ.

۶- یا فَارِجَ الْهَمِّ.

۷- یا فَارِجَ الْهَمِّ.

۸- یا قَابِلَ التَّوْبِ.

- ۹- یا صَادِقَ الوَعْدِ.
- ۱۰- یا مَنْ سَتَرَ القَبِيحَ.
- ۱۱- یا مَنْ لَمْ يُوَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ.
- ۱۲- یا مَنْ لَمْ يُوَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ.
- ۱۳- یا حَسَنَ التَّجَاوُزِ.
- ۱۴- یا بَاسِطَ اليَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ.
- ۱۵- یا بَاسِطَ اليَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ.
- ۱۶- یا سَاتِرَ العُورَاتِ.
- ۱۷- یا مُضَعِّفَ الحَسَنَاتِ.
- ۱۸-
- ۱۹-
- ۲۰- یا شَدِيدَ النِّقَمَاتِ.
- ۲۱- یا مَنْ يَسْمَعُ النُّجُوى.

توئی که بیچارگیم را می بینی.  
 توئی که نوازش گران را درس نوازش و دستگیری می دهی.  
 ای تکیه گاه من.  
 ای پشتوانه من.  
 ای فریادرس من.  
 ای عزیز من.  
 ای یاور من.  
 ای همدم من.  
 ای امید من.  
 بیچاره‌ام اگر از در خانه‌ات مأیوس برگردم.  
 بیچاره‌ام اگر دست رد به سینه‌ام زنی.  
 بیچاره‌ام اگر حلقه در لطف‌ت را نکوبم.  
 بیچاره‌ام اگر التماس را اعتنا نکنی.  
 بیچاره‌ام اگر اعتراف به گناهم نکنم.  
 بیچاره‌ام اگر دستم را به سوی غیر تو دراز کنم.  
 بیچاره‌ام اگر شکسته دلیم را به غیر تو گویم.  
 بیچاره‌ام اگر شب تنهائیم را با تو نجوی نکنم.  
 بیچاره‌ام اگر به غیر تو دل بندم.  
 بیچاره‌ام اگر التماس و تضرعت نکنم.  
 بیچاره‌ام اگر در بسته‌ات را با اصرار و اشک نگشایم.  
 بیچاره‌ام اگر اولیاء در گاهت را شفیع خود نگیرم.  
 بیچاره‌ام اگر تو را به عظمت محمد و آلش نخوانم.

ص: ۱۶

بیچاره‌ام اگر رو سیاهیم را به رُخم بکشی. (۱)  
 بیچاره‌ام اگر به گناهم مؤاخذه کنی.  
 بیچاره‌ام اگر پرده پوشیم نکنی.  
 بیچاره‌ام اگر راز زشتیم را افشا کنی.  
 بیچاره‌ام اگر در مقابل اولین و آخرین رسوایم کنی.  
 بیچاره‌ام اگر از من رویت را بر گردانی. (۲)

عزیز من

تو در اوج قدرت مهربانی.  
 تو در دوری من، نزدیکی.  
 تو در پیمان شکنی من با وفایی.  
 تو در بی‌حیایی من صبوری.  
 تو در ناسپاسی من ودودی.  
 تو در حریم شکنی من، اهل اغماضی.  
 تو در قهر و بریدن من اهل وصلی.  
 تو به توبه من خوشحالی.  
 تو به انابه و برگشتم مشتاقی.  
 تو در عذرخواهی من سریع الرضائی.  
 تو در جبران گذشته‌ام مبدل السیئاتی.  
 تو به آدم شدنم منتظری.  
 تو به بخشیدنم بی‌تأملی.  
 می‌دانم همه آفریدگانت سپاست میکنند.  
 می‌دانم همه مخلوقات به تو عشق می‌ورزند.

ص: ۱۷

۱- وَلَا تَذْکُرْنِي بِخَطِيئَتِي.

۲- فَلَا تُعْرِضْ بَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ.



می دانم همه به دوستی تو افتخار می کنند.  
 می دانم همه عالم به پاس نعمت‌هایت ثنا می کنند.  
 می دانم پرندگان به سیراب شدنشان به تو نگاه ثنا می کنند.  
 می دانم عالمیان به اتصال با تو به خود می بالند.  
 خدایا

من بیچاره‌ام که نادانم.

من از همه عالم کمترم که ناسپاسم،

نافرمانم،

پیمان شکنم،

بریده‌ام،

گنه کارم،

بی مقدارم،

بی آبرویم،

گرفتارم،

غارت زده‌ام،

گرفتار نفسم،

زمین گیر دنیایم،

از بند تو رهایم،

از هوی تو محرومم،

در هوس خود اسیرم،

از لذت انس تو مطرودم.

یا من یفک الاسیر.

ص: ۱۸

یا جابر العظم الکسیر.  
یا رازق الطفل الصغیر.  
یا عصمه الخائف المستجیر.  
ای آگاه به همه.  
ای قادر بر همه.  
غارت زده‌ای که شیطان در پایگاه نفسش خیمه زده.  
ورشکسته‌ای که سرمایه عمرش را به فنا برده‌اند.  
نادانی که هنوز متوجه به یغما رفتن اندوخته‌هایش نیست.  
بیچاره‌ای که خسارت خشم و سخط مولایش را متوجه نشده.  
خسارت زده‌ای که بهشت جاویدان آخرتش را به چند نفس لذت، معاوضه کرده.  
شکسته بالی که گناه دلش را کشته است امروز از تو دل می‌خواهد.  
دلی نرم و عاشق. (۱)  
دلی واله و مشفق.  
دلی که به یاد تو طپد.  
دلی که به جز در تو نرود.  
شایسته‌ای که فقط از تو بترسم.  
شایسته‌ای که فقط از تو بخوام.  
فقط تو را یاد کنم.  
فقط به تو توکل کنم.  
فقط تو را شکر کنم.  
فقط تو را دوست بدارم. (۲)

ص: ۱۹

۱- الهی هَبْ لِي قَلْبًا يَدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ.

۲- اِنْعَمَ الْحَيِّبُ.

فقط تو را بخوانم.

فقط با تو انس بگیرم.

فقط در خانه تو را بگویم. (۱)

فقط به تو پناه برم.

فقط به تو افتخار کنم.

فقط به عفو تو طمع ورزم.

در نقطه مطلق عظمت‌ها تو عفوئی، تو غفوری، تو ودودی، تو کریمی، تو رؤوفی، تو رفیقی، تو شفیقی، تو نوری، تو بصیری، تو خبیری، تو حبیبی.

گاهی انسان‌ها جرعه‌ای ناچیز از دریای عظمت صفات را می‌گیرند و به نیکی شهرت می‌یابند.  
با همان جرعه سیمشان را به تو وصل می‌کنند.

خدای عزیزم

من هنوز جرعه‌ای از جام عشقت را به دست نگرفته بودم شیطان از من ربود، تلاش می‌کرد ذکر تو را از خانه قلبم به محاق فراموشی برد.

خدایا با این دشمن غدار چه کنم؟

او در تلاش است مرا زشت کند.

قسم خورده مرا از تو جدا کند. (۲)

مرا الجنی کند.

مرا متمرد کند.

مرا جهنمی کند.

مرا براباید.

ص: ۲۰

۱- یا نِعْمَ الْمُجِيبُ.

۲- فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِينَ.

افتخار عبد بودن را از من بگیرد.  
 مرا عاصی کند.  
 به هوس‌هایم میدان دهد.  
 گناه را در کامم شیرین کند. (۱)  
 نمازت را در تمایلاتم سخت جلوه دهد.  
 روزهات را در خواسته‌هایم با بی‌حوصلگی عرضه کند.  
 لذت ذکرت را از من بگیرد.  
 نفسم را نسبت به حضرتت یاغی کند.  
 در یاغی بودنم یاد توبه را به فراموشی برد.  
 تا لحظه مرگ بی‌توبه مرا بدرقه کند.  
 متدین بودن، عبد بودن، ذلیل بودن در برابر ذات اقدس را کهنه جلوه دهد.  
 جوانان را به جوانی کردن دعوت می‌کند و جوانی را رها بودن و فاصله گرفتن از خدایشان معنی می‌کند.  
 زن‌ها را به هوسرانی مردها و هر دو را به ابتدال و هوسرانی، به نام جوانی فرا می‌خواند.  
 پیران را به آرزوهای دراز دعوت می‌کند و هرگز مرزی برای پایان آن خسارت معین نمی‌نماید. (۲)  
 زهاد و عبّاد را به عجب و خودبینی می‌خواند، جز به مخلصین به هیچ کس رحم نمی‌کند. (۳)  
 خدایا عجب دشمن‌گذاری است. (۴)  
 عجب دشمن‌کهنه‌کاری است.  
 ص: ۲۱

۱- زُيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا.

۲- وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُّبِينًا.

۳- إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ.

۴- إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا.

عجب بی‌رحم است. (۱)

عجب شیاد است. (۲)

عجب رنگارنگ است.

عجب خبره کار است.

عجب زشتی‌ها را رنگ لذت می‌دهد. (۳)

عجب گناه تلخ را لعاب شیرین می‌دهد.

عجب نافرمانی تو را توجیه می‌کند. (۴)

عجب در آرزوها غرق می‌کند. (۵)

عجب در گناه و معصیت اغفال می‌کند.

عجیب است که از کم شروع می‌کند ولی هرگز به کم اکتفا نمی‌کند.

دامی که تار و پودش را لذت‌ها و آرزوها و اغفال‌ها تشکیل داده به دست گرفته و همه را به تور زده و عجیب‌ترین که مردم را در

حالی غرق می‌کند که لبخند غفلت بر لب دارند. (۶)

با مکر همه را از تو جدا کرده.

همه را از ارزش‌ها فاصله داده.

همه را به صحنه گناه آورده.

همه را وقیح کرده.

همه را بدمست کرده.

همه را به اولیای تو بدبین کرده.

همه را به راهی که منتهی به جهنم است روانه کرده.

همه را با بهشت اجنبی کرده.

ص: ۲۲

۱- فَلَا تُلْمُونِي وَّلَوْلُمُوا أَنفُسَكُمْ.

۲- مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ.

۳- زُيِّنَ لِلذِّينِ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا.

۴- وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي.

۵- وَيَلْهِيهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَلْمُونَ.

۶- فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِحْرِيَا حَتَّىٰ أَنْسَوَكُم ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ.

و خلاصه همه را بیچاره کرده.

خدای رؤوف

مرا به سوی خود خواندی من اعراض کردم.

اظهار محبت و موّدت کردی من با بی معرفتی تحویل نگرفتم.

عشق به بندگانت را اعلام کردی من برنخاستم.

من رو سیاه عذر تقصیر به درگاہت آورده‌ام.

عزیز و دود

دلم را برای محبت آفریدی.

دلم را خانه خودت بنا کردی.

دلم را تالار انعکاس انوار محبتت قرار دادی.

من خسارت زده خانه دل را به دیگران فروختم.

من بی وفا دل را به اغیار سپردم.

عشق غیر تو را به خانه دل راه دادم.

حریم پاکان را با بیگانگان آلوده کردم.

دل که جای نور بود، آلوده به دود شد.

دلی که جای محبوب بود، ظلمتکده و کور شد.

خدایا

کمکم کن، اجنبی را از دلم بیرون کن.

آلودگی اغیار را بزدای.

صفای خانه‌ام را از گرد محبت دنیا پاک کن.

خدایا به کبریائیت قسم

اگر مرا به جهنم ببری، حق با توست.

ص: ۲۳

اگر به بهشتت را هم ندهی، حق با توست.  
اگر از فیض شفاعت پیامبرت محروم کنی، حق با توست.  
اگر زیارت حسین در قیامت را نصیبم نکنی، حق با توست.  
اگر به جرم اطاعت از شیطان مجازاتم کنی، حق با توست.  
اگر مشمول فیض واسعوات قرارم ندهی، حق با توست.  
اگر به جرم حریم شکنی‌ام در قیامت نگاهم نکنی، حق با توست.  
اگر فریادهایم را بی‌پاسخ گذاری، حق با توست.  
اگر شیفعان را اذن شفاعتم ندهی، حق با توست.  
اگر مرا شیعه مهدی ندانی، حق با توست.  
اگر دعای مهدی در حقم اجابت نکنی، حق با توست.  
خدایا، پروردگارا، یا ربا، یا سیداه یا الهنا، یا مولینا  
واخجلتاه اگر نگاهم نکنی.  
وامصیبتاه اگر به خودم واگذاری. (۱)  
واغربتاه اگر از درت برانی.  
خدای رؤوف  
آیا من خدای دیگری دارم؟ (۲)  
پناه دیگری می‌شناسم؟  
خالق دیگری سراغ دارم؟  
عبد فراری جز در خانه مولایش کجا رود؟ (۳)  
گنه کار جز زبان عذر خواهی چه دارد؟  
خطا کار جز زبان اعتراف چه گشاید؟  
ص: ۲۴

۱- الهی لا تکلنی الی نفسی طرفه عین ابداء.

۲- ویقینی بمعرفتک منی ان لا رب لی غیرک.

۳- الی من یدهب العبد الا الی مولاه.

مخلوق جز در خانه مولایش کجا رود؟ (۱)

بیچاره جز در خانه کریم کجا رود؟

فقیر جز در خانه منبع جود و سخا کجا ره پوید؟

اگر فقط خوبان در گاهت را ببخشی، من چه کنم؟ (۲)

اگر فقط متقین را به بهشت بری، من چه کنم؟

اگر فقط رسولانت را از عذاب نجات دهی، من چه کنم؟

اگر فقط به شهدا نظر لطف کنی، من چه کنم؟ (۳)

اگر از هول قیامت فقط معصومین را برهانی، من چه کنم؟

اگر از صراط فقط صادقین را عبور دهی، من چه کنم؟

اگر از عقبات فقط متقین را بگذرانی، من چه کنم؟

اگر فریاد مذنبین را در قیامت گوش ندهی، من چه کنم؟

اگر زشت کاران را در لهیب دوزخ بی اعتنا رها کنی، من چه کنم؟

اگر روسیاهان را در بن بست عذاب آخرت از خود برانی، من چه کنم؟

اگر امیدم را آنروزی که به هیچ کس جز تو امیدی ندارم ناامید کنی، من چه کنم؟

اگر پرده‌داری و گناهم را در صحرای محشر به رخم بکشی، من چه کنم؟

اگر شایستگی شمول عفو و غفرانت را نداشته باشم، من چه کنم؟

اگر ناله‌های روز قیامت را بی‌ثمر بدانی، من چه کنم؟

اگر توبه‌های دیر هنگامم را نپذیری، من چه کنم؟

اگر به نجوایم در دل شب، به جرم روسیاهیم گوش نکنی، من چه

ص: ۲۴

۱- الی مَنْ یَلْتَجِئُ الْمَخْلُوقُ اِلَّا الی خَالِقِهِ.

۲- الہی وَ سیدی اِنْ کُنْتَ لَا تَغْفِرُ اِلَّا لِاَوْلِیَائِکَ وَ اهلِ طَاعَتِکَ فَالی مَنْ یَفْرَعُ الْمُذْنِبُونَ.

۳- وَ اِنْ کُنْتَ لَا تُکْرِمُ اِلَّا اهلَ الْوَفَاءِ بِکَ فَبِمَنْ یَسْتَعِثُّ الْمُسِئُونَ،



کنم؟

اگر خوبان را در روز قیامت جدا کنی و به من اعتنا نکنی، من چه کنم؟

اگر با لبخند و سرور، متقین را به بهشت ببری، من چه کنم؟

اگر اذن شفاعت از من عاصی را به شفیعان ندهی، من چه کنم؟

اگر خزانه دوزخ را با زنجیرهای گران به سراغم بفرستی، من چه کنم؟

اگر به شعله دوزخ کشان کشان بپرندم، من چه کنم؟ (۱)

اگر دوزخیان سرزنشم کنند که پس تو چرا؟ من چه کنم؟

خدای مهربانم

تو آن خدایی هستی که هر کس عبادت کرد، شکرگزاریش کردی. (۲)

هر کس معصیت کرد، او را بخشیدی. (۳)

هر کس یاد تو کرد، مونسش شدی. (۴)

هر کس به تو ایمان آورد، دوستش شدی. (۵)

هر کس از هیبت اشک ریخت، به او عشق ورزیدی. (۶)

هر کس دلسوخته تو شد، پناهش دادی. (۷)

هر کس با تو صادق و باصفا شد، نجاتش دادی. (۸)

مرا از وضع موجودم به وضع مطلوبم ارتقاء ده.

رب ودود

تو در قرآنت کرم و جود و سخا را این گونه به ما آموختی که وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَ، گدا را از در خانه تان مرانید.

ص: ۲۵

۱- وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا.

۲- يَا مَنْ عُبِدَ فَشَكَرَ.

۳- يَا مَنْ عُصِيَ فَعَفَرَ.

۴- يَا انيسَ الذَّاكِرِينَ.

۵- يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.

۶- يَا حَيِّبَ الْبَاكِينَ.

۷- يَا مَفْرَعَ الْمَلْهُوفِينَ.

۸- يَا مُنْجِيَ الصَّادِقِينَ.



امروز به گدایی در خانه تو آمدم.  
 از کرمت بعید است گدا را برانی.  
 از فضلت به دور است در مانده را نگیری.  
 با مهرت سازگار نیست اعتنائیم نکنی.

سائلم

گدایم

بی پناهم

در این دنیا غریبم

هر کس مشغول خویش است.

خدای من، مولای من، رب من، عزیز من، امید من، خالق من  
 در روز برانگیختن از قبر، روزی که عریان و ذلیل محشورم می کنی،

آن روز جز تو که را دارم؟ (۱)

آن روز اگر ناله‌ام نشنوی، از تو بعید است.

آن روز اگر جوابم ندهی، از تو بعید است.

آن روز اگر نگاهم نکنی، از تو بعید است.

آن روز اگر نجاتم ندهی، از تو بعید است.

آن روز اگر رسوایم کنی، از تو بعید است.

آن روز اگر به جهنمم ببری، از تو بعید است.

آن روز اگر تنهایم بگذاری، از تو بعید است.

آن روز اگر از حسین جدایم کنی، از تو بعید است.

آن روز اگر مشمول شفاعتم نکنی، از تو بعید است.

آن روز اگر با یهود و نصاری محشورم کنی، از تو بعید است.

ص: ۲۷

۱- عُرْيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثَقُلَى عَلَي ظَهْرِي.

آن روز اگر با کافران به دوزخم بری، از تو بعید است.

آن روز اگر امیدم ناامید کنی، از تو بعید است.

آن روز اگر اعمالم بینی و به دل عاشقم ننگری، از تو بعید است.

آن روز اگر صیغه فراق جاری کنی، از تو بعید است.

آن روز اگر ضجّه از دل برآمده‌ام را گوش نکنی، از تو بعید است.

آن روز اگر مرا به خودم واگذاری، از تو بعید است.

الهی انت نعم الرب و انا بئس العبد

با همه وجودم اعتراف می‌کنم که تو خوب خدائی هستی و من بنده بدم. (۱)

خدایا همه را می‌بینی، شاهدی، ناظری، بصیری، سمیعی.

شرمندگی تا کجاست که همه بندگانت در پیش چشم تو معصیت می‌کنند.

چون کبک سر زیر برف کرده‌اند گویا کسی نمی‌بیند.

حجاب غفلت چشمشان را کور کرده، تو را نمی‌بینند ولی تو می‌بینی. (۲)

نمی‌دانند اگر یک نگاه خشم به آنها کنی، هلاک می‌شوند.

نمی‌دانند اگر سایه رحمت را از آنها برداری، فنا می‌شوند.

نمی‌دانند اگر با عدلت با آنها رفتار کنی، جهنم می‌روند.

نمی‌دانند اگر فضلت شامل حالشان نشود، بوی بهشت به مشامشان نمی‌رسد.

نمی‌دانند اگر آنها را نبخشی، در روز محشر به اندازه سیراب شدن ۴۰ شتر عرق می‌کنند.

ص: ۲۸

۱- اِنْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ فَانْتَ نِعْمَ الرَّبُّ.

۲- كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.

نمی‌دانند اگر دستشان نگیری، تاب تحمل یک لحظه از عذاب آخرت را ندارند.

نمی‌دانند اگر به خودشان واگذارشان کنی، طعمه شیطان شده و سرانجام روانه دوزخشان می‌کند.

ای خدای خالق بهشت، ای خالق رحمت و مهر، ای منبع لطف و کرم، ای خالق خوبی‌ها، ای آمر به نیکی‌ها اگر مردم می‌دانستند در بهشت با کی محشور می‌شوند، گناه نمی‌کردند.

اگر می‌دانستند با حسین دیدار کردن چه لذتی دارد، گناه نمی‌کردند.

اگر می‌دانستند یک کلام با حضرت سخن گفتن چه طراوتی دارد، گناه نمی‌کردند.

اگر می‌دانستند سلام تو را شنیدن، بهشتی را چگونه مدهوش می‌کند، گناه نمی‌کردند. (۱)

اگر می‌دانستند سخنشان را در بهشت می‌شنوی و جوابشان می‌دهی، گناه نمی‌کردند.

اگر می‌دانستند هزار سال از شوق شنیدن کلام حضرت در بهشت مدهوش می‌شوند، گناه نمی‌کردند.

اگر می‌دانستند هرروز جمعه به زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب می‌روند، گناه نمی‌کردند.

اگر می‌دانستند طول حیات امروز در مقابل گستردگی فردای قیامت، مثل نم انگشت در برابر دریاست، گناه نمی‌کردند.

ص: ۲۹

۱- سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَجِيمٍ.

اگر می دانستند لبخند یک حورالعین به چہرہ همسر بهشتی اش چه لذتی دارد، به گناہ نمی افتادند.  
اگر می دانستند بهشتیان تا کی در بهشتند (در طول ابدیت خدا) خود را از بہشت محروم نمی کردند.  
اگر می دانستند از درون بہشت، نظارہ کردن جہنمیان، چہ احساس شور و شوقی از خوش انتخابی بہشتیان درست می کند، گناہ نمی کردند.

رب ودود

روز را آفریدی تا در صحنہ آفاق تو را بینم.

تا با نگاہ بہ دریا در امواج لطف مہوت شوم.

تا در خلقت گل و گیاه زیبائیت را نظارہ کنم.

تا با نگاہی بہ خود بہ تو پی برم.

تا با تفکر بہ خود بہ خودشناسی رسم و نردبانی برای خداشناسیم باشد.

تا با نگاہ بہ صنوف خلقت دست قدرتت را نازم.

شب را آفریدی تا مجالی برای ابراز عشق عاشقان فراهم کنی.

عاشق دنبال خلوت است تا با معشوقش ترنم عشق گوید.

خدایا ما را عاشق آفریدی ممنونتم. (۱)

ما را شیدا کردی ممنونتم.

ما را اسیر محبت کردی ممنونتم.

خدایا در شب چقدر زیبائی ها آفریدی.

در سکون شب چہ غلغلہ ای خلق کردی.

ص: ۳۰

۱- وَ خَلَا كُلُّ حَبِيبٍ بِحَبِيبِهِ.

در آرامش شب چه زیبا محفل عشق آراستی.  
 بعضی به (العفو) ناله می‌کشند.  
 بعضی به استغفار اشک می‌ریزند.  
 بعضی یَشْوِی الْوُجُوۃَ می‌خوانند و ناله سر می‌دهند.  
 بعضی جای خود را در جهنم می‌بینند با وَ اِنْ مِنْكُمْ اِلَّا وَاِرِدُهَا گریبان می‌درند.  
 بعضی ثُمَّ نُنَجِّی الَّذِیْنَ اتَّقَوْا می‌خوانند در نجاتشان از دوزخ تردید دارند و لذا اه سر می‌دهند.  
 بعضی به طول قیامت و دست خالی خود می‌نگرند و ضجه می‌کشند  
 «اه مِنْ قَلْبِهِ الزَّادِ وَ طَوْلِ الطَّرِیْقِ وَ بَعْدَ السَّفْرِ»  
 بعضی شاهین بلند پرواز مرگ را بالای سر خود می‌بینند و ناله  
 «وَ قَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَاسِی اَجْنِحَةُ الْمَوْتِ»  
 سر می‌دهند.

این همه غلغله‌ها و نغمه‌های شیدائی در شب است.

خدایا شب را از من بگیر.

غافلم مگذار.

از مناجاتم روی مگردان.

از صحبت‌م اعراض مکن.

اگر در عشقم ناخالصی هست،

به عیارم ننگر به جودت بنگر.

به زشتیم ننگر به حسنت بنگر.

به قصورم ننگر به کرمت بنگر.

به مجازاتم ننگر به حلمت بنگر.

ص: ۳۱

خودم را به رحم نکش به ستاریت بنگر.  
 خدای رفیق و شفیق، ای صاحب فضل عظیم  
 هیچ کس از تو بهشت را طلب ندارد.  
 همه بندگان به تکلیف بدهکارند.  
 احدی از مخلوقت مزد بندگی طلب ندارند.  
 به پاس این همه نعمت که آفریدی و به ما ارزانی دادی بدهکاریم.

نجوای عشق ؛ ؛ ص ۳۱

ایا از باب فضل بهشت را به ما وعده دادی. (۱)

نهرهای عسل، شیر، آب، شراب. (۲)

خوراکی و پوشاکی و حور و حریر.

ولی خدایا، قبل از این که بهشت از تو بخواهم،

از تو رضوان و رضایت حضرتت را طلب می‌کنم. (۳)

از من عاصی راضی شو.

از تو می‌خواهم با چشم اغماضت از من بگذری.

با مهر و محبت اعلامم کنی از تو راضی‌ام.

خدایا رضایت را با هیچ بهشتی عوض نمی‌کنم.

لذت رضامندیت را به دنیا و آخرت نمی‌دهم.

هیچ ثروتی بهتر از لبخند رضایت نیست.

بهشت پیش درآمد رضوان توست.

خدای عزیز

بشر با این روحیه استکباریش،

حریم شکنی‌اش،

غزه شدنش،

ص: ۳۲

۱- فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.

۲- أَنْهَارٌ مِّنْ مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّنْ لَّيْنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٌ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى.

۳- فَمِنَ الْأَنْفَارِ فَارْضَ عَنِّي.



تـمـرـدش،  
 ناسازگاریش،  
 لـجـبـازیش،  
 سـرکـشی اش،  
 تـو از درون او خـبر داری، تـو مـکـنـونـات قلبش را عالمی.  
 آن روزی که از عصیان خسته می‌شود،  
 هیچ دری برویش باز نمی‌شود،  
 هیچ کس صادقانه برویش لبخند نمی‌زند،  
 هیچ فریادرسی پاسخش نمی‌دهد،  
 عاجز و ناتوان از همه جا در مانده،  
 رو به سوی تو با شرم و حیا آمده،  
 عذرخواه و پریشان و پشیمان. (۱)  
 اشک ندامت گونه‌هایش را خیس کرده.  
 سنگینی بار گناه مضطربش کرده.  
 تو می‌بینی بکاء الخائفین را.  
 تو می‌شنوی انین الواهین را.  
 تو می‌دانی حوائج السائلین را.  
 تو می‌پذیری عذراتائین را.  
 تو اصلاح می‌کنی عمل المفسدین را.  
 تو ضایع نمی‌کنی اجر المحسنین را.  
 خدای من  
 غافر الذنبی جز تو نیست.  
 ص: ۳۳

۱- مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا، مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا، مُقِرًّا مُدْعِنًا.

- ستار العیوبی جز تو نیست.  
 توبه پذیری جز تو نیست.  
 بنده نوازی جز تو کجا سراغ گیرم.  
 دستگیری چون تو کجا توان دیدن.  
 مهربانی به لطف تو کجا شود یافت.  
 خدایا، بنده‌ای که هر چه دارد از توست.  
 خلقت و توازنش از توست. (۱)  
 رزق و پرورشش از توست. (۲)  
 اکل و شربش از توست. (۳)  
 حفظ و صیانتش با توست. (۴)  
 عزت و بی‌نیازیش از توست. (۵)  
 توفیق و هدایتش با تو است. (۶)  
 مأوا و انسش با تو است. (۷)  
 مرگ و حیاتش با تو است. (۸)  
 من به فدای اسماء حسنایت. (۹)  
 تو که زمین را برایم آرامش دادی. (۱۰)  
 تو که کوه‌ها را عامل استواری و ثبات قرار دادی. (۱۱)  
 تو که خورشید را برایم چراغ فروزان کردی. (۱۲)  
 تو که ماه را برایم نقره فام کردی. (۱۳)  
 تو که شب را عامل سکینه قرار دادی. (۱۴)  
 تو که روز را برایم وسیله معاش گرداندی. (۱۵)  
 تو که خواب را وسیله راحتیم قرار دادی. (۱۶)
- ص: ۳۴

- ۱- اَمِنْ خَلْقِنِی وَ سَوَّانِی.
- ۲- یَا مَنْ رَزَقَنِی وَ رَبَّانِی.
- ۳- یَا مَنْ اطْعَمَنِی وَ سَقَانِی.
- ۴- یَا مَنْ حَفِظَنِی وَ کَلَانِی.
- ۵- . یَا مَنْ اعَزَّنِی وَ اعْنَانِی.
- ۶- یَا مَنْ وَفَّقَنِی وَ هَدَانِی.
- ۷- یَا مَنْ اَنْسَنِی وَ اَوَانِی.
- ۸- اَمِنْ اَمَاتَنِی وَ اَحِیَانِی.

- ۹- اَمْ لَہُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی.
- ۱۰- یَا مَنْ جَعَلَ الْاَرْضَ مِهَادًا.
- ۱۱- یَا مَنْ جَعَلَ الْجِبَالَ اَوْتَادًا.
- ۱۲- یَا مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا.
- ۱۳- یَا مَنْ جَعَلَ الْقَمَرَ نُورًا.
- ۱۴- یَا مَنْ جَعَلَ اللَّیْلَ لِبَاسًا.
- ۱۵- یَا مَنْ جَعَلَ النَّهَارَ مَعَاشًا.
- ۱۶- یَا مَنْ جَعَلَ النَّوْمَ سُبَاتًا.

تو که باد را بشارت رحمت زندگیم کردی. (۱)

چگونه تو انم از الطاف بی‌نهایت در آخرت چشم پوشم.

چگونه تو انم از گذشت و اغماضت صرف نظر کنم.

چگونه تو انم از عفو و مهتر سراغ نگیرم.

چگونه تو انم با تضرع و زاری التماس نکنم.

ای عزیزی که ...

اهل ذکر به یاد تو شرف یافتند. (۲)

اهل شکر به شکر تو درجه گرفتند. (۳)

اهل حمد به حمد تو عزت یافتند. (۴)

اهل طاعت به طاعت تو نجات یافتند. (۵)

اهل بهشت به تنعمت لذت یافتند.

گناهکاران به آمرزش افتخار یافتند.

من به داشتن تو افتخار می‌کنم. (۶)

من به عبد بودنم به خود می‌بالم. (۷)

من به ابزار معرفتم حتی به فرشتگان هم فخر می‌فروشم.

من به بار امانت عقل و تکلیفم به عرشیان می‌نازم.

من اگر عمری به سپاست بگذرانم،

اگر شب تا صبح به سجده باشم،

اگر همه عمر صائم به روز و قائم به شب باشم،

اگر بند بند وجودم در معرکه جدا کننده،

اگر به طاعتت چشمانم از حدقه جدا شونده،

اگر به قول امام زین العابدین (ع) مرا امر کنی تمام زمین را با پلک

ص: ۳۵

۱- یا مَنْ يَرْسِلُ الرِّياحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ.

۲- یا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلدَّاكِرِينَ.

۳- یا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ.

۴- یا مَنْ حَمْدُهُ عِزٌّ لِلْحامِدِينَ.

۵- مَنْ طاعَتُهُ نِجاءٌ لِلْمُطِيعِينَ.

۶- یا مَنْ بِهِ يَفْتَخِرُ الْمُحِبُّونَ.

۷- یا مَنْ بِهِ يَفْتَخِرُ الْمُحِبُّونَ.

چشمم جارو کنم، شکر یک نعمت را بجا نیاورده‌ام.  
شکر یک لطف را عاجزم.  
قاصرَم.

من در خانه‌ات را می‌کوبم.  
من از این خانه کرم می‌جویم.  
من به صاحب خانه عشق می‌ورزم.  
من از این جا نمی‌روم.  
عزیزم اگر جوابم ندهی کجا روم؟  
کی در به رویم می‌گشاید؟  
کی روی گشاده نشانم می‌دهد؟  
کی عذرم را می‌پذیرد؟  
خدای رؤوف

دنیا را برای انسان آفریدی، ولی انسان را برای دنیا نیافریدی.

تو فرمودی: خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا.

دنیا را معبر آفریدی تا بگذریم.

دنیا را مزرعه آفریدی تا کشت آن را برداریم.

«الدُّنْيَا مَرْعَى الْآخِرَةِ»

دنیا را خانه اجاره‌ای آفریدی.

دنیا را ظرف و پوسته‌ای برای سرمایه‌گذاری آن سرای خلق کردی.

ما را مسافر ابدیت آفریدی.

در طول ابدیت خود ما را جاودانه آخرت قرار دادی.

تو فرمودی در دنیا باش ولی چشمت به آخرت.

تو فرمودی وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا.

ص: ۳۶

تو فرمودی لَا تَمُدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ.  
 تو فرمودی دنیا چشمت را نگیرد.  
 لذت‌ها فریبت ندهد.  
 عمر کوتاه دنیا آرزوهایت را طولانی نکند.  
 سرسبزی و خرمی دنیا فصل بهاری است که پاییز پیری و مرگ به دنبال دارد.  
 خدایا من بدم.  
 من حریم شکنم.  
 من زیر بار گناه خم شده‌ام.  
 من مستحق عقوبتم.  
 اگر مجازاتم کنی از عادل توست.  
 اگر از من بگذری.  
 اگر عفو من کنی از فضل توست.  
 آنروز شرمنده عفو توام.  
 آنروز مدیون جود توام.  
 آنروز بنده شرمسار، منم.  
 آنروز خجلت زده از مهرت منم.  
 ی ارب الکعبه  
 امشب از تو اشک می‌خواهم.  
 امشب از تو سوز می‌خواهم.  
 امشب ناله از جان می‌خواهم.  
 امشب کمکم کن با اشکم شب قدر عمرم را پیدا کنم.  
 ص: ۳۷

امشب می‌خواهم با اشک عقده دل واکنم.

امشب می‌خواهم با درد و سوز خود گمشده‌ام را پیدا کنم.

امشب می‌خواهم با ناله از دل، حسرت عمر از دست رفته‌ام را یاد کنم.

امشب می‌خواهم با ترنم اشکم این سرود را بسرایم که دریغ از گذشته، فریاد از آینده‌ام.

چگونه ننالم در حالی که چیزی به پایان خط عمر دنیا مییم باقی نمانده.

اگر امروز با اشک و عذر و توبه، جبران گذشته نکنم، آینده تاریک و سیاهم را چه کنم؟

اگر امروز به تدارک دیروزم نپردازم، وزر و وبال فردایم را چه کنم؟

خدایا امشب را شب قدر عمرم قرار ده.

آمده‌ام خود را از غفلت برهانم.

آمده‌ام به فردایم واقع بینانه بنگرم.

فردا چه دارم؟

چه در پیش است؟

تدارکش چگونه است؟

فردا جان‌کندن را، تاریکی قبر را، تنگی لحد را، سؤال نکیر و منکر را، خروج از قبر را، حضور در محضر عدلت را در پیش دارم.

قبر با تاریکی گناهم تاریک می‌شود.

قبض روح با دلبستگی به دنیای فانی سخت می‌شود.

سؤال نکیر و منکر با تمرد از اوامرت بی‌پاسخ می‌ماند.

ص: ۳۸

خروج از قبر با نبود ایمان، رسوایی به بار می‌آورد.  
 با بار معاصی به جای فضل تو فقط عدل تو حکومت می‌کند.  
 این‌ها پرونده محتوم آینده من است.  
 چگونه نگریم؟  
 خدایا، اشکم ده.  
 خدایا، سوزم ده.  
 خدایا، نرمی دل به من ده.  
 خدایا، آن‌گونه دلی ده که با یاد تو سوز اشک از او برخیزد.  
 خدایا، یادت را مونس قلبم کن.  
 خدایا، اشکم را به یاد نعمت‌هایت از باب شکرگزاری پذیرا باش.  
 خدایا، ضجه از دلم را در وقت یاد مرگ وسیله تطهیرم از گناه قرار ده.  
 خدایا، ناله جانسوزم را در وقت یاد عذاب و جهنم، وسیله خلاصیم از هول قیامت قرار ده.  
 خدایا، بیتابیم از قهر و سخطت را وسیله رهاییم از آتش سوزان جحیمت قرار ده.  
 خدایا، به بی‌کسی‌ام رحم کن که جز تو همه رفتند.  
 خدایا، به فقر و نداریم رحم کن که بعد از مرگ همه چیز را بردند.  
 خدایا، به حسرتم ترحم کن که عمر رفته و خسارت سنگین جز با لطف قابل تدارک نیست.  
 به خسران عمر گرفتارم، با ارفاق و مهر، گره از کارم بگشا.  
 آن‌ها که مرا دوست می‌داشتند برای منافع خودشان بود،  
 ص: ۳۹



آن‌ها در قیامت یک تازیانه دوزخم را قبول نمی‌کنند.

در قیامت یک گره از کارم باز نمی‌کنند.

در قیامت یک نگاه ترحم به من نمی‌کنند.

خدای کعبه، کمک کن دل سخت و سنگم امشب نرم شود.

سوز دلم حباب اشک شود و از دیده جاری گردد.

چرا نگریم؟

فرشته مرگ چگونه به سراغم می‌آید؟

آیا همچون پدری مهربان مرا به آغوش گرفته و امانت جان را تحویل می‌گیرد؟

یا با گرز گران بر سرم می‌کوبد و قبرم را پر آتش می‌کند؟

آن‌روز کی از من دفاع می‌کند؟

کی مرا نجات می‌دهد؟

کی بر من ترحم می‌کند؟

چرا اشک نریزم؟ چرا نگریم؟

هر نفسم قدمی به مرگ نزدیکم می‌کند.

با خنده غفلت گویی من نمی‌میرم.

گویی فقط دیگران سرازیر قبرند.

آن‌گونه غافلم، انگار مرا از سفر آخرت استثنا کرده‌اند.

خدایا امروز برای غفلت‌زدایی آمده‌ام.

برای آمادگی بر حضور در بارگاه تو آمده‌ام.

با نم اشکم غبار غفلت دلم را می‌شویم.

به این اشک نیاز دارم.

ص: ۴۰

خدای رؤوف

ممنون لطفتم، اگر کمکم کنی اشکم بیاید.

چرا نگریم؟

در حالی که برهنه از قبر خارج می‌شوم، با کوله باری سنگین از قصور و کوتاهی.

آن روز هر کس مشغول خویش است.

هر کس درگیر تجسم اعمال خود است.

هر کس از هول قیامت می‌سوزد.

هر کس از حساب می‌نالده؛

هر کس از حساب می‌گدازد؛

هر کس از مظالم و طلبکارها می‌گریزد.

هر کس به دیگری التماس می‌کند بارش را بردارد.

همه کس آن روز گرفتار و درمانده و شرمسارند.

آن روز که اعمالم را گویی در طبقی نهاده‌اند، عالمیان بر آن سرک می‌کشند و رسوا می‌شوم.

وافضیحتاه، واخجلتاه

آن روز یک دسته چهره‌ها خندان و بشاش و شادابند.

دسته دیگر، چهره‌هایی که از گرد غم، غبار ذلت، خسته و بی‌رمقند. غمناک و دل شکسته‌اند.

مولای من، عزیز من

اعتمادم به توست، تکیه‌ام به توست، تو کلم به توست، به رحمت تو می‌آویزم، به تو می‌نازم، سرمایه‌ام بخشش و جود توست. (۱)

ص: ۴۱

۱- سیدی عَلَیْكَ مُعَوَّلٍ وَمُعْتَمِدٍ وَرَجَائٍ.

اگر نگاهم کنی، چه غم دارم.  
اگر توجهم کنی، چه باک دارم؟  
اگر دستم بگیری، پرورنده غم تمام است.  
با کدامین زبان سپاست گویم؟  
چگونه زبان الکن تواند شکر گزارت باشد؟ (۱)  
چگونه اعمالم تواند نعمت‌هایت را پاسخگو باشد؟ (۲)  
ای یگانه هستی.  
رغبت قلبم به توست. (۳)  
امیدم به توست.  
آرزویم تویی.  
به ریسمان اطاعت و فضل وجودت دستم را دراز کرده‌ام. (۴)  
ذکر و یاد تو غذای روح من است.  
اشک و خوفم از گناه و عصیان سبکم می‌کند.  
پروازم می‌دهد.  
از زمین جدایم می‌کند.  
از گناه سوایم می‌کند.  
از عذاب رهایم می‌کند.  
به بهشت پناهم ده.  
از خشمتم امانم ده.  
به محمد و آلش نجاتم ده.  
تو بر خودت رأفت را واجب کردی. (۵)  
تو بر خودت رحمت را فرض کردی.  
ص: ۴۲

- ۱- اَفَلِلسَانِي هَذَا الْكَالُ اشْكُرُكَ.
- ۲- وَمَا قَدْرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ.
- ۳- وَمَا قَدْرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ.
- ۴- وَالْيَكُ الْقَيْتُ بِيَدِي.
- ۵- اَوْجِبْتُهُ عَلَي نَفْسِكَ مِنَ الرَّافَةِ وَالرَّحْمَةِ.

تو خود گفتی گر نبخشم چه کنم؟  
 تو رحمت بر غضبت سبقت جست.  
 تو مهرت شیوه بندگان مهرورزت شد.  
 مهر از تو زبید.  
 عفو از تو شاید.  
 گذشت تو را سزاست.  
 آشتی تو زیباست.  
 قطع امید من بریده فراری عین خطاست.  
 وصل تو بجاست.  
 چرا این همه به تو امید است؟  
 چرا طمع‌ها به رحمت توست؟  
 چرا نگاه‌ها به سوی توست؟  
 ما از تو ییم.  
 گویی اهل و عیال تو ییم. (۱)  
 سرگشته کوی تو ییم.  
 دیگران نزد ما غریبند.  
 همه چیز در قبضه قدرت توست.  
 همه چیز در خضوع توست. (۲)  
 همه چیز مفتخر به کرنش توست.  
 در خانه تو کبوتر دلم آشیانه دارد.  
 در خانه دلم عشق تو ریشه دارد.  
 در بیت تو دلم گم گشته دارد.  
 ص: ۴۳

۱- اَوْجِبْتُهُ عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ.

۲- وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ.

در هوای تو روحم امید پرواز دارد.  
 مهربان مهربانان  
 آن روز که مسافر ابدیتم، چشمم به توست.  
 آن روز که امیدم از همه جا قطع شود، چشمم به توست. (۱)  
 آن روز که بر بستر احتضار افتاده زبانم بند آید، چشمم به توست. (۲)  
 آن روز که اقربا کنار بسترم مأیوسانه مرا می‌نگرند، چشمم به توست. (۳)  
 آن روز که قلبم در سؤال قبر به تپش می‌افتد، چشمم به توست.  
 آن روز که دیگران در فراق من می‌گریند، چشمم به توست.  
 آن روز که هر کس به منافع خود می‌اندیشد، چشمم به توست.  
 آن روز که هیچ کس به فکر آخرتم نیست، چشمم به توست.  
 آن روز که نزدیکان و همسایگان برای بدرقه آخرتم حاضر شوند، چشمم به توست.  
 آن روز که جنازه‌ام بر دوش مردم تشییع می‌شود، چشمم به توست. (۴)  
 آن روز که زیر دست غسل این رو و آن رو می‌شوم، چشمم به توست. (۵)  
 آن روز که بیل و کلنگ اشنایان خانه گورم را می‌کنند، چشمم به توست.  
 آن روز که در سراسیبهی قبرم می‌گذارند، چشمم به توست.  
 آن روز که لحدم را می‌چینند و خاک می‌ریزند و قبرم را محکم

ص: ۴۴

۱- الهی اَرْحَمْنِي اِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي.

۲- وَكَلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي.

۳- وَارْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَي الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي اَيْدِي اجِبَتِي.

۴- وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولًا قَدْ تَنَاوَلَ الْاَقْرَبَاءُ اطْرَافَ جِنَازَتِي.

۵- وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُودًا عَلَي الْمُعْتَسِلِ يَقَلِّبُنِي صَالِحُ جِيْرَتِي.

می‌کوبند، چشمم به توست.

آن روز که تک و تنها، غریب و بی‌پناه، رهایم می‌کنند، چشمم به توست.

آن روز که همه بی‌خداحافظی مرا رها کرده و می‌روند مغازه‌ها باز کرده و کارها از سر می‌گیرند، چشمم به توست.

آن روز که عزاداران غمشان می‌کاهد و لبخند جای غمشان می‌نشیند، چشمم به توست.

آن روز که پیشت می‌آیم و غریب تازه واردم، چشمم به توست.

آن روز که به رحمت تو سخت محتاجم، چشمم به توست. (۱)

آن روز که فقیرم، ضعیفم، بی‌کسم، چشمم به توست.

آن روز که به آستان تو فرو آمده‌ام، چشمم به توست.

امید دارم فقر آخرتم را رفع کنی.

با بی‌نیازیت بی‌نیازم کنی.

در سایه عفو و کرمت ایمنم کنی.

کریم بی‌بدیل

در آتشت مرا مسوزان. (۲)

در دوزخت حبسم مکن.

خوش گمانیم را تکذیب مکن.

از پاداش آخرت محرومم مساز.

تو آرزوی منی.

تو نور چشم منی.

تو تکیه گاه منی.

ص: ۴۵

۱- قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحِيداً فِي حُفْرَتِي.

۲- قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحِيداً فِي حُفْرَتِي.

تو به دست خالی ام آگاهی.

اگر بناست به آتشم کشی، فقط به آتش عشقت مرا بسوزان.

اگر بناست جدایم کنی، از تعلقات آخرت سوز جدایم کن.

اگر بناست تنبیهم کنی، به معرفت تنبیهم کن.

اگر بناست مرا بکشی، هوای نفسم را بکش.

اگر بناست خوایم کنی، خواری تواضع و خشوع دل بمن ده.

اگر بناست اسیرم کنی، دلم اسیر محبت کن.

اگر بناست مرا بشکنی، دلم را بشکن تا نزدت عزیز شود.

اگر بناست رهایم کنی، از بند دنیا رهایم کن.

«اُخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي.»

عشق دنیا را از دلم خارج کن.

دلم از اغیار پاک کن.

بنای عشقت را در دلم بساز.

بر فرش دلم بنشین.

دلم را از تصرف عشق‌های کاذب تطهیر کن.

نگاهم را به غیر ابدیت وجودت کور کن.

دلم را حرم خود کن و از تعفن نامحرمان عشق نما شستشو ده.

که اگر دلم تطهیر نکنی، شستشو ندهی، از اشغال خارج نکنی، فردا طعمه آتشی است که نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ.

در آتشی سقوط می‌کنم که حتی دلم را هم می‌سوزاند.

موریانه اغیار حتی به دل هم رحم نمی‌کند وقتی پوسیده شده عاقبتی جز آتش ندارد.

ص: ۴۶

ی ا جواداً لا یبخل  
 اگر مرگ این روزها به سراغم آید،  
 و کوله‌ام از عمل خالی باشد،  
 در واپسین لحظات عمرم با حسرت و اشک فقط با تو یک نجوی دارم.  
 خدایا، زبان به اعتراف می‌گشایم که زشتم.  
 خدایا، اذعان می‌کنم که قاصر و مقصرم.  
 خدایا، تسلیم تقدیر پاداش توام.  
 تسلیم فرمان و حکم ربوبی توام.  
 قضای مجازاتیم اگر چه دوزخ باشد، حق با توست.  
 به التماس اعتنا نکنی، حق با توست.  
 ولی خدای عزیز من  
 کی از تو سزاوار عفو است. (۱)  
 کی از تو سزاوار چشم پوشی ز خلق است.  
 کی از تو به رحمت و مهر سبقت گرفته است.  
 بیچاره‌ای ناله از دل بر آورده که دست خالیش را می‌بینی.  
 قبر سرای تنهایی اوست.  
 حساب قیامت جلوه ورشکستگی اوست.  
 به چه کسی پناه برم اگر گناهم را نبخشی. (۲)  
 به کی پناه برم اگر عنایت را از من برگردانی؟ (۳)  
 ص: ۴۷

۱- فَمَنْ أَوْلَىٰ مِنْكَ بِالْعَفْوِ.

۲- فَمَنْ اسْتَعِيثُ أَنْ لَمْ تُقَلِّني عَثْرَتِي.

۳- فَالْي مَنْ أَرْعُ أَنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي ضَجْعَتِي.



نزد کی التماس کنم اگر از دوشم بار برداری؟ (۱)

کی به من رحم می کند اگر ترحم نکنی؟ (۲)

بخشش کی را امید ورزم اگر رویت از من برگردانی؟ (۳)

از گناهم به کجا فرار کنم اگر مرگ گریبانم بگیرد؟ (۴)

با همه گناهم امیدی جز بخشش ندارم.

چیزی را گدایی می کنم که استحقاقش را ندارم. (۵)

به عفو می نگرم که شایسته اش نیستم.

به اغماضی التماس می کنم که زمینه اش را ندارم.

ولی تو اهل اغماضی،

اهل عفو،

دست گیر سائلی،

مددکار بنده‌ای،

عاشق اشک نادمی،

کی بر رحمت از تو سبقت گرفت؟

کی بر گذشت و اغماض از تو سبقت گرفت؟

کی بر بنده‌نوازی از تو سبقت گرفت؟

کی بر پرده‌پوشی از تو سبقت گرفت؟

کی بر سریع الرضا بودن از تو سبقت گرفت؟

کی بر پاسخ مثبت گفتن از تو سبقت گرفت؟

عزیز دلم

تو به موسایت فرمودی فرعون در لحظات آخر عمرش که تو را

ص: ۴۸

۱- وَالِی مَنْ التَّجِیُّ اِنْ لَمْ تُنْفَسْ کُرْبَتِی.

۲- وَمَنْ یَرْحَمْنِی اِنْ لَمْ تَرْحَمْنِی.

۳- وَفَضَلَ مَنْ اَوْمَلُ اِنْ عَدِمْتُ فَضْلَکَ یَوْمَ فَاقَتِی.

۴- وَالِی مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الدُّنُوبِ اِذَا اُنْقَضِی اَجَلِی.

۵- وَالِی مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الدُّنُوبِ اِذَا اُنْقَضِی اَجَلِی.

می‌خواند و جوابش ندادی، اگر مرا می‌خواند جوابش می‌دادم.

ممکن است مرا از فرعون بدتر بدانی؟

به وحدانیت تو ایمان دارم.

به بی‌شریک بودن تو اذعان دارم.

به سلطنت مطلقه تو اعتراف دارم.

به عفو و گذشتت چشم دارم.

به کبریائیت تسلیمم.

به مهر و لطف محتاجم.

رب ودود

تو آن منبع مهر و سخایی که همه کافران از تو رزق می‌جویند.

همه منکران وجودت از تو روزی می‌خورند.

همه جباران خون‌آشام از ربوبیت تو بهره می‌گیرند.

آن‌ها که التماسی ندارند،

درک فقر نمی‌کنند،

خود را بندهات نمی‌دانند،

لاف استغنا می‌زنند،

ادعای کبریائی دارند.

خون بندگانت به شیشه می‌کنند.

مستکبرانه در برابرت ساز اَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى می‌زنند.

به مظلومان با قهر و جبروت می‌گویند لَئِنْ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لِأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ.

به تمام بندگان بی‌غیرت و حق‌شناس عطا می‌کنی.

ص: ۴۹

نخواستہ می‌دهی.  
 بی‌استحقاق انعام می‌کنی.  
 گویا آن‌ها وظیفه ندارند فقط تویی که باید انعام کنی.  
 خدایا، با من که به همه فضائلت، برکاتت، الطافت، اکرامت، انعامت، احسانت و سخایت معترفم چه می‌کنی؟  
 درِ خانه‌ات را می‌کویم.  
 از التماس دست بر نمی‌دارم.  
 با دست امید حلقه در احسانت را به صدا در آوردم.  
 از من روی بر مگردان. (۱)  
 بنده خسته دلت را بپذیر.  
 خشم را طاقت ندارم.  
 آتش دوزخت را تحمل ندارم.  
 پوست نازک من و آتش؟  
 استخوان باریک من و آتش؟  
 صورت لطیف من و آتش؟ (۲)  
 چشمان حساس من و آتش؟  
 قهرت را به اور ندارم.  
 روی گردانیت را تحمل ندارم.  
 جز عفت انتظاری ندارم.  
 جز پرده پوشی بر گناهم امید ندارم.  
 جز بخشش خطایم پناهی ندارم.  
 خدایا، تو فراتر از کلامت عمل می‌کنی.  
 ص: ۵۰

۱- فَلَا تُعْرِضْ بَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي.

۲- وَرِقَّةً جِلْدِي وَدِقَّةً عَظْمِي.

تجسم لطفت فراتر از سفارش توست.  
 خدایا، قدرتت همه عالم وجود را پر کرده.  
 آن کس که ظلم می‌کند و بر بندگانت جفا می‌کند، از قدرت تو خارج نیست.  
 از دید تو بیرون نیست.  
 حلم توست که ظالم احساس امنیت می‌کند.  
 صبر توست که کافر یگانه تازی می‌کند.  
 جهل اوست که احساس میدان‌داری می‌کند.  
 بیچارگی اوست که احساس مجازات نمی‌کند.  
 همه چیز به یدِ توست.  
 و ما همه خلع سلاحیم.  
 آن‌روز که ید قدرت تو مصلحت کند.  
 و ظالم را بر مؤاخذه ظلمش اراده کند.  
 طرفه عینی مهلت بر جفا کار نیست.  
 عزیز مقتدر

تو به سائل نوازی امر کردی از تو چه انتظار است؟  
 تو به دست‌گیری درماندگان امر کردی از تو چه انتظار است؟  
 تو به اغماض جفاکاران چشم‌داری از تو چه انتظار است؟  
 تو به وصل هر قطع‌کننده امر کردی از تو چه انتظار است؟  
 تو به افشا نکردن زشتی‌ها نظرداری از تو چه انتظار است؟  
 تو به مهر ورزیدن به زیر‌دستان امر کردی از تو چه انتظار است؟  
 تو به رحم و شفقت سفارش کردی از تو چه انتظار است؟

ص: ۵۱

تو ستاری، تو غفاری، تو ودودی، تو کریمی، تو رؤوفی و جوادی.

خدای عزیز

آنچه خوبان از تو می‌خواهند از تو می‌خواهم.

آنچه مهدی زهرا در دعای نیمه شبش از تو می‌خواهد، از تو می‌خواهم.

آنچه صالحان امت با اشک و تضرع از تو می‌خواهند از تو می‌خواهم.

آنچه پیران آبرومند با محاسن سفید التماس می‌کنند، از تو می‌خواهم.

آنچه بی‌گناهان معصوم از تو می‌خواهند، از تو می‌خواهم.

آنچه در دعای ائمه معصومین یعنی محمد و آلش از خیر و برکت از تو می‌خواهند، از تو می‌خواهم.

آنچه که شهیدان در خلوت قبل از عملیات از تو خواسته‌اند، از تو می‌خواهم.

آنچه که خیر و دنیا و آخرت است، از تو می‌خواهم.

آنچه رمز رضایت توست، از تو می‌خواهم.

آنچه نقطه وصل به توست، از تو می‌خواهم.

آنچه مرا به جوار قربت نزدیک‌ترم می‌کند، از تو می‌خواهم.

آنچه از جهنم و قهر و غضبت دورت می‌کند، از تو می‌خواهم.

خیر و برکاتت را برای خود و اهل و عیال و فرزند و اقوام و همسایه و برادران دینی‌ام از تو می‌خواهم.

مهربان‌تر از هر مهربانی

اگر عمر طولانی از تو می‌خواهم که صرف طاعت و بندگی‌ات

ص: ۵۲

شود؛ (۱)

اگر مال و فرزند از تو می‌خواهم که صرف رضایت شود؛

اگر جاه و مقام از تو می‌خواهم که دستگیر بندگانت شود؛

اگر زندگی دنیا از تو می‌خواهم که تبدیل به حیات طیبه شود؛ (۲)

ولی

اگر مالم وزر و وبال آخرتم گردد، از من بگیر.

اگر دنیايم گرفتاری حساب و عقاب در برزخ و آخرت برانگیزد، از من بگیر.

اگر داشته‌هایم به سوء الحساب در عقبات قیامت منجر شود، از من بگیر.

اگر مقام و جایگاهم عامل نارضایتی تو در قیامت باشد، از من بگیر.

اگر رزقم عامل خودخواهی و فقیر راندن باشد، از من بگیر.

اگر نیازم مرا به خانه غیر خودت بکشاند، از من بگیر.

خدایا، کسالتی را که در وجودم باعث سستی مناجات شود، از من دور کن.

خدایا، بخلی را که باعث دوریم از رحمت گردد، از من دور کن.

خدایا، قساوتی را که باعث قطع اشکم از خوف تو گردد، از من دور کن.

خدایا، غفلتی را که مرا به خودم واگذارد، از من دور کن.

خدایا، سستی که مرا از شکرگزاری نعمت‌هایت فاصله دهد، از من دور کن.

خدایا، لذاتی که مرا سرمست کرده و از یادت غافل کند، از من دور

ص: ۵۳

۱- وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اَطَلَّتْ عُمْرُهُ.

۲- وَاحْيِيَّتُهُ حَيَّوهُ طَيِّبَةً فِي اَدْوَمِ السُّرُورِ.

کن.

خدایا، زشتی‌هایی که مرا در قیامت از حوض کوثر رسالت محروم کند، از من دور کن. صحت بدنی از تو می‌خواهم که عبادتت کنم. قوتی از تو می‌خواهم که شکر گزارت باشم. سلامتی از تو می‌خواهم تا تحصیل رضایت کنم. توجّهی از تو می‌خواهم تا مکر شیطان را غفلت نکنم. عمری از تو می‌خواهم تا در ظرف آن آخرتم را بسازم. رزقی از تو می‌خواهم که آنی از شکر و سپاست غافل نمانم. قلبی از تو می‌خواهم که همیشه در خضوع و خشوع تو و مالا مال از عشق تو باشد. نمازی از تو می‌خواهم که بالا رود و مقبول تو گردد.

نجوای عشق ؛؛ ص ۵۳

سی از تو می‌خواهم که در هر حال مؤدبانه از تو راضی باشد.

ایمانی از تو می‌خواهم که همیشه در قلبم ریشه داشته باشد. (۱)

یقینی از تو می‌خواهم که همیشه تسلیم تقدیرهایت باشد. (۲)

ورعی از تو می‌خواهم که تسلیم نفس و ذلت گناه نگردم. (۳)

خدای غفور

تو بهشت را برای پاکان آفریدی.

تو جز پاک سیرتان و پاک‌اندیشان را در بهشت راه نمی‌دهی.

تو محمد و آلش را چون پاکند سرور بهشت قرار داده‌ای.

خدایا، اگر مرا به جرم ناپاکی از بهشتت برانی، عین عدل است.

اگر مرا از گناهم ببخشی و تطهیرم کنی و بهشتم بری، عین فضل

ص: ۵۴

۱- وَ اٰخِیْتُهُ حَیْوَه طَیْبَه فِی اَدْوَمِ السُّرُوْرِ.

۲- وَ یَقِیْنًا صَادِقًا حَتّٰی اَعْلَمَ اَنْهُ لَنْ یَصِیْبَنِیْ اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِی.

۳- وَوَرَعًا یُحْجِزُنِیْ عَنِ مَعَاصِیْكَ.

است.

خدایا، به خودت قسم چون یقین دارم رسولت محمد مصطفی را دوست داری،

اگر مرا ببخشی، رسولت را خوشحال کرده‌ای. (۱)

اگر مرا ببخشی، علی را خوشحال کرده‌ای.

اگر مرا ببخشی، فاطمه را خوشحال کرده‌ای.

اگر مرا ببخشی، ائمه دین را خوشحال کرده‌ای.

اگر مرا ببخشی، مهدی عزیز را خوشحال کرده‌ای.

اگر مرا ببخشی و به دوزخم بری، دشمنانت را دلشاد کرده‌ای و رضای رسولت را بر شادی دشمنانت ترجیح داده‌ای. (۲)

خدایا، به عفو می‌نگرم، به گناهم ننگر.

به بهشت می‌اندیشم، به عقوبتم ننگر.

به همجواری محمد و آلش امید دارم، به بدیم ننگر.

رفیق مهربانم، دلسوز همه حالم

شب هنگام همه درها را می‌بندند فقط بیت توست که عاشق می‌پذیرد.

فقط خانه توست که به روی همه باز است.

فقط درگاه توست که غلغله شیفتگان است.

فقط در خانه تو مأمن و مأوای بی‌پناهان است.

فقط تو اشکم را می‌بینی. گریه‌ام را می‌شنوی.

خدا خدایم را گوش می‌کنی.

در جمود چشمم به دل نهیب می‌زنم.

ص: ۵۵

۱- وَأَنْ أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِي ذَلِكَ سُورٌ نَبِيكَ.

۲- أَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُورَ نَبِيكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُورِ عَدُوِّكَ.



به قطره قطره اشک تو خدا نظاره می کند.  
چرا میان گریه ها خدا خدا نمی کنی.

....

ص: ۵۶

## نیایشی برگرفته از دعای کمیل

خدای عزیز  
رحمت همه عالم را فرا گرفته.  
قدرت بر همه چیز برتر آمده.  
جبروت بر همه غالب شده.  
عزت فوق همه چیز است.  
عظمت همه عالم را پر کرده.  
سلطنت همه را دربر گرفته.  
علمت همه عالم را احاطه کرده.  
نورت همه آفرینش را روشن کرده.  
ترنم عشقت زبانم را گویا کرده.  
جلوه نورت دلم را به یادت نور باران کرده.  
شعاع فضلت قلبم را به مهرت اسیر کرده.  
هوای کویت امانم را بریده.  
هرچه دارم جلوه مهر توست.  
هرچه می بینم آینه کرم توست.  
خورشید و ماه سرباز درگه توست.  
عالم به ثناگوئیت مفتخر است.  
کیست در این عالم که تورا نشناسد؟

ص: ۵۷

کیست که مطیع محض تو نباشد؟  
 کیست که در دل دریا ثنایت نگوید؟  
 کیست که مدیون مهر و لطفت نباشد؟  
 فقط ناسپاس کلاس عالم منم.  
 تنبل و زمین گیر از امر تو منم.  
 درگیر هوای نفس اماره منم.  
 آن که شرط بندگی فراموشش شده منم.  
 آن که گیر فخر و منیت شده منم.  
 آن که راه را به بیراهه می رود منم.  
 آن که دستش را از دست تو جدا کرده منم.  
 آن که عقلش در تهدید هوس کور شده منم.  
 آن که بی پروا نمکدان می شکند منم.  
 آن که ابزار معرفتش را عاطل گذاشته منم.  
 خدای رؤوف  
 آن که سزاست دستش بگیری منم.  
 آن که جن و ملک غبطه اش می خورند منم.  
 آن که خلیفه تو در زمین بوده و هست منم.  
 آن که اکنون به التماس درگاہت آمده منم.  
 آن که رأفت و رحمت می جوید منم.  
 آن که خسارت منیت را دیده منم.  
 به خودت وصلم کن.  
 ز غیر تو قطع کن.

به لحظه لحظه عمرم با مهر نگاهم کن.  
 به دنیا و آخرتم با دیده اغماض نگاهم کن.  
 خدای ودود  
 بنده آلوده به گناهت سرخورده از ترمرد برگشته.  
 حلقه در آقائیت با دست لرزان می کوبد.  
 گناهایی که عذاب آورند بر من ببخش. (۱)  
 گناهایی که تغییر نعمت می دهند بر من ببخش. (۲)  
 گناهایی که حبس دعا می کنند بر من ببخش. (۳)  
 گناهایی که بلا نازل می کنند بر من ببخش. (۴)  
 من عاصی در گاه توام بر من مگیر.  
 من مهر خسارت به پیشانیم، بر من مگیر.  
 من از هر مخلوقی کمتر و نالایق ترم بر من مگیر.  
 من به پاس عصیان از چشم تو ساقط شده‌ام بر من مگیر.  
 من عذر خواه و نادمم بر من مگیر.  
 خدای توبه پذیر  
 مرا به بازگشت و توبه دستگیر.  
 مرا به بریدن از گناه و وصل دستگیر.  
 مرا ز چنگ دشمن داخل و خارج دستگیر.  
 مرا به خیل خوبانت دستگیر.  
 مرا به آمرزش هرچه زشتی است دستگیر. (۵)  
 مرا به محو هرچه ناپاکی و خطاست دستگیر. (۶)  
 خدای رؤوف  
 ص: ۵۹

- ۱- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النَّقْمَ.
- ۲- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ.
- ۳- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ.
- ۴- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ.
- ۵- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اذْنَبْتُهُ.
- ۶- وَكُلِّ خَطِيئَةٍ اَخْطَأْتُهَا.

- به جود و سخایت مرا به خود نزدیک کن. (۱)
- به خیل وسیع نعمت‌هایت مرا شاکر کن. (۲)
- نقطه سکینه و ثبات دلم یعنی ذکر و یادت را به من الهام کن. (۳)
- خاضعانه التماس می‌کنم ز من بگذر. (۴)
- خاشعانه اشک‌ریزان تمنایت می‌کنم بگذر. (۵)
- کی در خانه‌ات را می‌کوبد.  
من که از هر گدایی فقیرترم.  
من که به انواع بلا گرفتارم.  
من که سخت عاجز و دل خسته‌ام.  
من که به تو دل‌بسته و دل شیفته‌ام.  
من که به لحظه لحظه مهرت وابسته‌ام.  
من که هوای غیر تو را سخت بیگانه‌ام.  
دستم بگیر که بی تو سخت پریشانم.  
خدای عزیز
- جز تو کیست که گناهم ببخشد؟ (۶)
- جز تو کیست که عیوبم بپوشد؟ (۷)
- جز تو کیست که زشتی‌های بنده‌اش را به زیبایی بدل کند؟ (۸)
- جز تو کیست که بنده نوازی کند؟  
جز تو کیست که حلمی به حجم رحمت و اسع‌اش با بنده داشته باشد؟  
به وحدانیتت قسم فقط حمد و ثنا از آن توست.  
که با من این همه خوبی.
- ص: ۶۰

- ۱- وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ.
- ۲- وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ.
- ۳- وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ.
- ۴- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ.
- ۵- خَاشِعٍ أَنْ تُسَامِحَنِي.
- ۶- اللَّهُمَّ لَا اجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا.
- ۷- وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا.
- ۸- وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ.

- که با من این همه مهربانی.
- که با من این همه اهل اغماضی.
- که با من این همه اهل عطایی.
- که با من این همه آشتی و در صلحی.
- چه بسیار زشتی‌هایم پوشاندی. (۱)
- چه بسیار بلاها که از من دور کردی. (۲)
- چه بسیار لغزش‌ها که مرا حفظ کردی. (۳)
- چه بسیار بدی‌ها که از من دفع کردی. (۴)
- چه بسیار ستایش‌ها که اهلش نبودم بر زبان دیگران جاری کردی. (۵)
- این منم که به خود ظلم کردم. (۶)
- این منم که با نادانی جسور شدم. (۷)
- این منم که بدحالی‌ام از حد گذشته. (۸)
- این منم که اطاعتم کم و کوتاه شده. (۹)
- این منم که هوس‌ها زمین گیرم کرده. (۱۰)
- این منم که در حصار آرزوهای دور دنیا زندانی شده‌ام. (۱۱)
- این منم که دنیا فریبم داده فکر کرده‌ام این عجزه عروس نما هر لحظه حجله‌نشین مال من است. (۱۲)
- این منم که نفس اماره به خیانتم کشانده. (۱۳)
- این منم که مسامحه‌کاریم سرعت بندگی و اطاعتم را از من گرفته. (۱۴)
- ص: ۶۱

- ۱- مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ.
- ۲- وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلْتَهُ.
- ۳- وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ.
- ۴- وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ.
- ۵- وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ.
- ۶- ظَلَمْتُ نَفْسِي.
- ۷- وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي.
- ۸- أَفْرَطَ بِي سُوءٌ حَالِي.
- ۹- وَقَصُرْتُ بِي أَعْمَالِي.
- ۱۰- وَقَعَدْتُ بِي أَعْلَالِي.
- ۱۱- وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدُ أَمَلِي.
- ۱۲- وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا.

۱۳- وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُوبِهَا.

۱۴- وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي.

این منم که سهل انگاری ام افتخار بندگی ام را سلب کرده.

خدای عزیز

به عزت قسم به پاس زشتی هایم دعاها و خدا خدایم را محبوس نکنی. (۱)

به عزت قسم به پاس گناهان دور از چشم مخلوق، رسوایم نسازی. (۲)

به عزت قسم به پاس گناهان خلوتم در مجازاتم تعجیل نکنی. (۳)

به عزت قسم به پاس تداوم شهوتها و غفلتها و ندانم کاری هایم مرا به عقوبت زودرس نگیری.

به عزت قسم در همه حال بر من رؤوف و مهربان باشد. (۴)

به عزت قسم در همه کارها بر من عطوف و نرم باشد. (۵)

خدای عزیز، رب ودود

جز تو کسی را ندارم.

جز به رحمت به دیگری چشمی ندارم. (۶)

جز در مهرت حلقه در دیگری نمی شناسم.

جز نگاه سر تا پا مهربانی تو نگاهی را نمی بینم.

خدای من

تو آزادی و اختیار را برایم رقم زدی.

تو جبر اعمال را از من برداشتی.

تو بهشت را به پاس خوش انتخابی، به من وعده دادی.

تو دوزخ را به قیمت پی گرفتن هوی و هوسها وعیدم دادی.

ص: ۶۲

۱- فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي.

۲- وَلَا تَفْضُخْنِي بِخَفِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي.

۳- وَلَا تَفْضُخْنِي بِخَفِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي.

۴- وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَؤُوفًا.

۵- وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَؤُوفًا.

۶- اَللّٰهُمَّ وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ.



تو همه انبیا و اوصیاءشان را برای بیان این وعده و وعیدها ارسال داشتی.  
 تو قرآن ناطق و صامت را برای تذکر و یاد این حسن انتخاب‌ها و پرهیز از سوء انتخابم نازل کردی.  
 ولی بیچارگی به من روی آورد.  
 هوای نفسم را تبعیت کردم. (۱)  
 از دشمن قسم خورده‌ای که گناه را برایم آراسته بود نه‌راسیدم. (۲)  
 به فریب کاری و اغوای دشمنان تو اعتماد کردم.  
 این بی‌توجهی‌ها مرا به تجاوز از حدود تو واداشت. (۳)  
 مرا به مخالفت از اوامرت کشاند. (۴)  
 الان خسته دل آمده‌ام.  
 عذر خواهم، پشیمانم، شکسته دلم، عفت را می‌طلبم،  
 آمرزش را می‌خواهم.  
 اقرار به زشتی دارم، اذعان و اعتراف به گناهم دارم. (۵)  
 از تعفن گناهم به کجا فرار کنم؟ (۶)  
 پناهی ندارم. (۷)  
 کجا رو کنم؟  
 اگر امروز به خود آمده‌ام، مرهون توام.  
 اگر امروز به گذشته‌ام تأسف می‌خورم، مدیون توام.  
 اگر دستم را گرفته‌ای از غرق شدن نجاتم داده‌ای، بدهکار لطف توام.  
 اگر در بین راه توبه کردم و از میان شعله‌های گناه خارجم کردی،  
 ص: ۶۳

۱- أَتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي.

۲- وَلَمْ اخْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِي.

۳- فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ.

۴- وَخَالَفْتُ بَعْضَ اوَامِرِكَ.

۵- وَقَدْ آتَيْتُكَ يَا الهی بَعْدَ تَقْصِيرِي وَاسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي مُعْتَدِرًا نَادِمًا.

۶- وَقَدْ آتَيْتُكَ يَا الهی بَعْدَ تَقْصِيرِي وَاسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي مُعْتَدِرًا نَادِمًا.

۷- وَلَا مَفْزَعًا اتَّوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي امْرِي.

سپاس گذار توام.

اگر اجازه ندادی به کفر عملی بیافتم تا کافر محشور شوم، ممنون توام.

تویی که التماس می‌کنم عذرم بپذیری. (۱)

تویی که التماس می‌کنم در سایه درخت سبز رحمت واردم کنی. (۲)

تویی که التماس می‌کنم به بدحالیم رحم کنی. (۳)

تویی که التماس می‌کنم از بند عقوبت و رنج گناه رهایم کنی. (۴)

خدای رحیم

تو ضعف بدنم را در برابر آتش می‌دانی. (۵)

تو نازکی پوستم را آگاهی. (۶)

تو بر ظرافت استخوان‌هایم آگاهی. (۷)

تو ناتوانیم را در برابر هر سختی می‌دانی.

تو بی‌تاییم را وقتی انگشتم به آتش نزدیک شود، می‌دانی.

تو سختی‌های کمرشکن دنیا را بر من ضعیف می‌دانی. (۸)

سختی‌هایی که با همه رنج و بلایش، کم عمرند و می‌گذرند. (۹)

در عذاب آتش دوزخ با همه شدتش چگونه محکوم شوم؟ (۱۰)

عذابی که طولانی و بادوام است. (۱۱)

عذابی که بی‌تخفیف و انتقام توست. (۱۲)

عذابی که تجسم غضب و سخط توست. (۱۳)

چگونه در عذاب دوزخ بسوزم با این همه ضعف و ناتوانی؟

ص: ۶۴

۱- وَلَا مَفْرَعًا اتَّوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي.

۲- وَادْخَالِكَ أَيَايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ.

۳- اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُدْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي.

۴- اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُدْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي.

۵- اَرْبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي.

۶- وَرِقَّةَ جِلْدِي.

۷- وَدِقَّةَ عَظْمِي.

۸- وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا.

۹- وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا.

۱۰- فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا.

۱۱- وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيُدْوِمُ مَقَامُهُ.

۱۲- وَلَا يَخْفَفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ.

۱۳- وَلَا يَخْفَفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ.

چگونه در عذاب دوزخت بسوزم در حالی که تحمل گرمی آفتاب ندارم؟  
 چگونه در عذاب دوزخت بسوزم در حالی که یک لحظه آتش دنیا برایم قابل تحمل نیست؟  
 چگونه در عذاب دوزخت بسوزم در حالی که آتش آخرت قابل مقایسه با آتش دنیا نیست؟  
 خدایا

شیطان جهنم را برای من عذاب و شکنجه‌ای نسیه‌ای جلوه داد.

سوزندگی و دردناکی‌اش را پشت لذت گناه پنهان کرد.

فکر و اندیشه تجسم گناه به صورت عذاب را از ذهنم خارج کرد.

دل‌م را برد و در خانه لذت‌های آنی به زانو در آورد.

قلبم را با هوس گره زد.

به لذت نقد گناه ذهنم را متمرکز کرد.

آینده قطعی و نزدیک تبلور گناه را به صورت آتش دوزخ از یادم برد.

هیئات که بنده موحدت را در شعله دوزخش بینی، نجاتش ندهی. (۱)

هیئات دلی را که به معرفت تو زنده بود در شعله دوزخش بینی، نجاتش ندهی. (۲)

هیئات زبانی را که به ذکر و یاد تو گویا بوده در دوزخش بینی، نجاتش ندهی. (۳)

هیئات دست و پای را که عبادت کرده‌اند در دوزخش بینی،

ص: ۶۵

۱- اُتْرَاكَ مُعَذَّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ.

۲- وَبَعْدَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ.

۳- وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ.

نجاتش ندهی.

تو کریم‌تر از آنی که بنده‌ات را رها کنی. (۱)

تو رؤوف‌تر از آنی که با همه جاذبه‌ات بنده‌ات را آن‌روز دفع کنی. (۲)

تو رحیم‌تر از آنی که بنده‌ای را که خودت مأوایش داده بودی آواره کنی. (۳)

تو مهربان‌تر از آنی، عبدی که تمام زندگی دنیایش را کفایت کردی تسلیم بلای آخرت کنی. (۴)

عزیز دل‌ها

نمی‌دانم چهره‌ای که برای عظمت تو به خاک افتاده و سجده کرده به آتش خواهی سوزاند؟ (۵)

نمی‌دانم زبانی که با صداقت به وحدانیت تو اعتراف کرده به آتش خواهی سوزاند؟ (۶)

نمی‌دانم زبانی که فقط مدح و ثنای تو کرده و نعمت‌هایت را شمرده به آتش خواهی سوزاند؟ (۷)

نمی‌دانم قلبی که ظرف عشق تو بوده و به عبودیت تو اعتراف داشته به آتش خواهی سوزاند؟ (۸)

نمی‌دانم دلی که از معرفت تو سرشار بوده به آتش خواهی سوزاند؟ (۹)

نمی‌دانم بدنی که برای عبادت تلاش کرده به آتش خواهی سوزاند؟

(۱۰)

نمی‌دانم دست و پای که به استغفار و آمرزش سخت کوشیده به

ص: ۶۶

۱- هِيَهَاتَ اَنْتَ اَكْرَمُ مِنْ اَنْ تُصَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ.

۲- وَ تُبْعَدَ مَنْ اَذْنَبْتَهُ.

۳- اَوْ تُشَرِّدَ مَنْ اَوَيْتَهُ.

۴- اَوْ تُسَلِّمَ اِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ.

۵- اَتَسْلُطُ النَّارَ عَلَيَّ وَجُوهَ خَزَنَةِ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً.

۶- وَ عَلَيَّ السُّنَّ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً.

۷- وَ بِشُكْرِكَ مَادِحَةً.

۸- وَ عَلَيَّ قُلُوبٌ اعْتَرَفَتْ بِالْهَيْبَتِكَ مُحَقَّقَةً.

۹- وَ عَلَيَّ ضَمَائِرٌ حَوَّتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً.

۱۰- وَ عَلَيَّ جَوَارِحٌ سَعَتْ اِلَى اَوْطَانِ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً.

آتش خواهی سوزاند؟ و اشارت با مولای و دود از کدامین سختی به تو شکایت کنم؟ § مَوْلای لای الأُمور إِلَیکَ اشکُورٌ.  
 از کدامین رنج آخرتی در محضر تو ناله کنم؟ § وَلَیْمًا مِنْهَا اضِحُّجٌ وَابْکِی.  
 از کدامین دوری از رحمت که مفارقتش مرا می کشد ضجه زنم؟  
 آیا از شدت عذاب آخرت خون گریه کنم؟ § لِالِیْمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ. غَفَارِکَ مُذَعِّنَةٌ.  
 یا از مدت طولانی بلای آخرت چون علی (ع) صیحه زنم؟ § ام لَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ.  
 یا از همنشینی من با دشمنان در جهنم ذوب شوم؟ § فَلَئِنْ صَبَرْتَنی لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ اَعْدَائِکَ.  
 یا چون همنشین زشت کاران و مطرودین در گاهت باشم از شرم بمیرم؟ § وَجَمَعْتَ بَیْنِی وَبَیْنَ اَهْلِ بَلَائِکَ.  
 یا جدایی بین من و دوستان محبوبت را بینم؟ § وَفَرَّقْتَ بَیْنِی وَبَیْنَ اَحِبَّائِکَ وَاَوْلِیَائِکَ.  
 خدای من

این گمان به تو نمی رود.

از فضل تو بعید است.

از عفو تو به دور است.

با کرمت بیگانه است.

با رحمت نامأنوس است.

با لطفت اجنبی است.

خدای رؤوف

مگر من کیم؟ § اَسِیدِی فَکَیْفَ لِی.

چه دارم؟

من بنده ضعیف و ذلیل توام. § وَاَنَا عَبْدُکَ الضَّعِیْفُ الذَّلِیْلُ.

ص: ۶۷

من بنده حقیر و ناچیز توام. (۱)

ورشکسته‌ای هستم که تنها سرمایه‌ام لطف تو است.  
تنها سرمایه‌ام عفو تو است.  
تنها سرمایه‌ام نگاه مهربان تو است.  
تنها سرمایه‌ام دست نوازش تو است.  
تنها سرمایه‌ام لبخند رضای توست.  
تنها سرمایه‌ام چشم اغماض تو است.

گر مرا به جهنم بری گیرم که عذابت را تحمل کنم، فراق را چه کنم؟ (۲)

گیرم که آتش دوزخ را بپذیرم، از کرم‌ت چگونه بگذرم؟ (۳)

گیرم که بلا را به جان بخرم، دوری حسین را چه کنم؟  
گیرم که رنج سوختن را تحمل کنم، محرومیت از شفاعت در گاهت را چه کنم؟  
گیرم تازیانه خازنان دوزخ را تحمل کنم، هجران روی یاران را چه کنم؟  
خدای رؤوف

صادقانه قسم می‌خورم اگر در دوزخ اذن سخن گفتنم دهی، (۴)

با ضجه و ناله (۵)

با فریاد و گریه (۶)

ندایت می‌کنم عزیز من کهجایی؟ (۷)

هجرات مرا کشت.  
دوری و فراق مرا سوزاند.

ص: ۶۸

۱- الْحَقِيرُ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ.

۲- فَهَبْنِي يَا هَيِّ وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ اصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ.

۳- وَهَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ اصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ.

۴- فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ اَقْسِمُ صَادِقًا لَنْ تَرَ كُنْتِي نَاطِقًا.

۵- لَا ضَجَّكَ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمَلِينَ.

۶- وَلَا ضَرَّخَنَ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمَسْتَضْرِّحِينَ.

۷- وَلَا بُدَّكَ عَلَيْنَا بِكَاءِ الْفَاقِدِينَ، وَلَا نَادِيَنَّكَ إِيْنَا كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.

ای اوج آرزوهای من. (۱)

ای فریادرس من. (۲)

ای محبوب دل من. (۳)

ای خدای من. (۴)

خدای خوبم

چگونه تصور کنم بنده نافرمانت را که اقرار به زشتی‌اش دارد به جرم مخالفتش به زندان جهنم اندازی؟ (۵)

به جرم گنااهش طعم عذابت را به او بچشانی؟ (۶)

در طبقات دوزخ حبسش کنی؟ (۷)

به درگاهت ضجه می‌زند. (۸)

ضجه کسی که رحمت را آرزو می‌کند. (۹)

و در لهیب دوزخ به زبان موحدین ندایت می‌کند. (۱۰)

معتقد به ربوبیت به تو توسل می‌جوید. (۱۱)

دستش را به سویت دراز کرده.

چون غریقی دامن مهرت را گرفته.

خدای عزیز

چگونه در جهنم لحظه لحظه بسوزم در حالی که چشم امیدم به حلم توست؟ (۱۲)

چگونه در جهنمی که مرگی نیست و عذاب دائمی است من بسوزم در حالی که چشم التماسم به فضل و رحمت توست؟ (۱۳)

چگونه در میان شعله‌ها بال بال زخم در حالی که تو با مهر و رأفت صدای ناله‌ام را بشنوی و جایم را ببینی؟ (۱۴)

ص: ۶۹

۱- اِغَايَةُ اَمَالِ الْعَارِفِينَ.

۲- اِغْيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ.

۳- اِحْيَابَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ.

۴- يَا اِلَهَ الْعَالَمِينَ.

۵- تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ.

۶- وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ.

۷- وَحُبِسَ بَيْنَ اطْبَاقِهَا بِجُزْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ.

۸- وَهُوَ يَضِجُ الْيَكَّ.

۹- ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ.

۱۰- وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ اَهْلِ تَوْحِيدِكَ.

۱۱- وَيَتَوَسَّلُ الْيَكَّ بِرُبُوبِيَّتِكَ.

۱۲- اِمْوَلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ.



۱۳- اَمْوَلای فَکَیْفَ یَبْتَقِی فِی الْعَذَابِ وَهُوَ یَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِکَ.

۱۴- اَمْ کَیْفَ یَحْرِقُهُ لَهیبِهَا وَاَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَکَانَهُ.

- چگونه شراره‌های کوه پیکر آتش مرا برآید و حال آن که ضعیف و ناتوانیم را تو می‌دانی؟ (۱)
- چگونه بین طبقات آتش جهنم دست و پا زنم و حال آن که صداقتم را در این که دوستت دارم می‌دانی؟ (۲)
- چگونه خازنان جهنم را مأمور شکنجه‌ام کنی در حالی که ندای یارب یا رب گفتنم را می‌شنوی؟ (۳)
- چگونه کسی را که امید به فضل تو در آزادیش از حبس جهنم دارد بی‌اعتنا رهاش کنی؟ (۴)

هیئات، (۵)

حاشا به کرمت.

حاشا به فضلت.

حاشا به انعامت.

حاشا به اکرامت.

حاشا به بنده نوازیت.

حاشا به ذره پروریت.

خدای من تو این گونه نیستی،

از تو این موارد را سراغ ندارم،

از فضل و عفو انتظار دیگری دارم.

تو با موحدان به نیکی عمل می‌کنی. (۶)

تو با ملت‌مسان به احسان می‌نگری.

تو زشتکاران معترف را به آغوش می‌پذیری.

تو یا رب گویان را پاسخ می‌دهی.

ص: ۷۰

۱- ام کَیْفَ یَسْتَمِلُ عَلَیْهِ زَفِیْرُهَا وَ اَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ.

۲- ام کَیْفَ یَتَقَلَّلُ بَیْنَ اَطْبَاقِهَا وَ اَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ.

۳- ام کَیْفَ تَرْجُرُهُ زَبَانِیْتُهَا وَ هُوَ یُنَادِیْکَ یَا رَبُّهُ.

۴- ام کَیْفَ یُرْجُو فَضْلَکَ فِی عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَسْرُکُهُ فِیْهَا.

۵- هِیْءَاتَ مَا ذَلِکَ الظَّنُّ بِکَ وَ لَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِکَ.

۶- وَ لَا مُشْبِهَ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِیْنَ مِنْ بَرِّکَ وَ اِحْسَانِکَ.

تو ناله کنان عاشق را به آتش نمی‌بری.

تو بنده‌نوازی را به ما یاد داده‌ای.

تو حمایت از ضعفا را سفارش کرده‌ای.

تو عفو و اغماض به بن بست رسیدگان را یاد کرده‌ای.

تو دستگیری از سرخوردگان را تأکید داشته‌ای.

خدای غفور

جهنم حکمت و مصلحت توست.

جهنم در چرخه خلقت ضرورتی محتوم و تقدیری حکیمانه است. (۱)

جهنم جزای حریم شکنان بی‌پروائی است که با تو اعلام جنگ کرده‌اند.

جهنم جای معاندان و کفار و زشت‌سیرتان از بندگان توست.

اگر این حکمت و مصلحت نبود، رأفت و مهرت جهنم را سرد و سلامت می‌کرد. (۲)

اگر این ضرورت حکیمانه در خلقت دوزخ نمی‌بود هیچ کس را در آتش نمی‌بردی. (۳)

این ضرورت است که قسم خورده‌ای کافران را به جهنم بری. (۴)

ظالمان را بسوزانی.

یزیدیان را به قهر و سخط و خشمت بگیری.

ولی ای صاحب انعام و عطاء و جوایز نیکو.

مؤمن مثل فاسق است؟ (۵)

ص: ۷۱

۱- فَيَالَيْقِينَ اقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَغْذِيبِ جَاحِدِيكَ.

۲- لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا.

۳- وَمَا كَانَتْ لِاحِدٍ فِيهَا مَقْرًا وَلَا مُقَامًا.

۴- لِكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ اَفَسَمْتِ اَنْ تَمْلَاهَا مِنْ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِينَ.

۵- اَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ.

پلید مثل نادم است؟

جاهل مثل عامد است؟

هرگز!!!

خدای رؤوف

امشب آمده‌ام.

نادم آمده‌ام.

با شکسته دلی زبان به عذر تقصیر گشوده‌ام.

با پشیمانی اعتراف به زشتی‌هایم می‌کنم.

با خجالت از گذشته سیاه شرمنده‌ام.

به قدرتت، به حکمتت، به فرمان نافذت.

امشب همه گناهانم ببخش. (۱)

از جرم و گناهانم اغماض کن. (۲)

همه زشتی‌هایم ببوشان. (۳)

همه بدی‌هایی را که ریشه در جهالت‌م داشته بر من بگذر. (۴)

همه فجایع اعمال‌م را که فرشتگان نوشته‌اند بر من عفو کن. (۵)

هر چه دارم تو گواهی. (۶)

هر چه کرده‌ام تو ناظری. (۷)

هر چه در خفا سر زده تو شاهدی. (۸)

هر چه همه نمی‌دانند تو عالمی.

خدای مهربانم

به اعظم اسماء و صفات، به ذات پاکت قسم از تو می‌خواهم شب و روزم را به ذکرت پر کن. (۹)

ص: ۷۲

۱- اِنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ.

۲- وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلِّ جُزْمٍ اجْرُمْتُهُ.

۳- وَكُلِّ قَبِيحٍ اسْرَرْتُهُ.

۴- وَكُلِّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ، كَتَمْتُهُ اَوْ اَعْلَنْتُهُ اخْفَيْتُهُ.

۵- وَكُلِّ سَيِّئَةٍ اَمَرْتُ بِاَثَابِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ.

۶- وَجَعَلْتُهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي.

۷- وَكُنْتَ اَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وِرَائِهِمْ.

۸- وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ.

۹- اِنْ تَجْعَلَ اَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ.



- عمرم به یادت آباد کن. (۱)
- مرا به خدمت همیسه‌ها به کار گیر. (۲)
- اعمالم در ظرف عمرم قبول کن. (۳)
- زبان و دلم را، قول و فعلم را یکی کن.
- روزگارم را فقط به خدمت خودت مستدام دار. (۴)
- همه اندامم را به طاعت نیرو بخش. (۵)
- اراده‌ام را بر تصمیمات الهی شدنم محکم کن. (۶)
- تلاش پیوسته و مداوم بر ترس و خشیت به من عنایت کن. (۷)
- سیمم را علی‌الدوام به خودت وصل کن. (۸)
- کمکم کن در میدان بندگی بر همگان سبقت گیرم، (۹)
- در خیل خوبان در اشتیاق به وصال قربت سرعت گیرم. (۱۰)
- مثل مخلصین بی‌غش، به تو نزدیک شوم.
- مثل اهل یقین از تو بترسم. (۱۱)
- همراه مؤمنین در جوارت گرد آیم. (۱۲)
- خدای محبوبم
- هر کس مرا به زشتی بخواهد، به خودش برگردان. (۱۳)
- هر کس نقشه و مکرری سر راه بندگیم بیارد، با مکرر بگیرش. (۱۴)
- از بهترین بندگانت قرارم ده. (۱۵)
- مرا در منزلت و شأن، به خودت تقرب ده. (۱۶)
- به نزدیکی و وصال به سویت، مرا خصوصی کن. (۱۷)
- به مجد و کرم لطف خاصت را شامل حالم کن. (۱۸)
- زبانم را به یاد خودت گویا کن. (۱۹)
- قلبم از محبت مالا مال کن. (۲۰)
- دعایم به حسن اجابت قرین کن. (۲۱)
- لغزش‌ها و خطاهایم بگذر و بیامرزم. (۲۲)
- رب ودود

۱- بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةٌ.

۲- وَيَخِذْ مَتِكَ مَوْصُولَةٌ.

۳- وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةٌ.

۴- وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا.

۵- قَوْ عَلِي خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي.

- ۶- وَاشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جِوَانِحِي.
- ۷- وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي حَشِيَّتِكَ.
- ۸- وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي حَشِيَّتِكَ.
- ۹- وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي حَشِيَّتِكَ.
- ۱۰- وَاسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ.
- ۱۱- وَاخْفَكْ مَخَافَةَ الْمُؤْمِنِينَ.
- ۱۲- وَاجْتَمِعْ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ.
- ۱۳- وَاجْتَمِعْ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ.
- ۱۴- وَاجْتَمِعْ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ.
- ۱۵- وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ.
- ۱۶- وَاقْرِبِهِمْ مَنْزِلَهُ مِنْكَ.
- ۱۷- وَاخْصِهِمْ زُلْفَةَ لَدَيْكَ.
- ۱۸- وَاعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ.
- ۱۹- وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجاً.
- ۲۰- وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِيماً.
- ۲۱- وَمُنَّ عَلَيَّ بِحُسْنِ اجَابَتِكَ.
- ۲۲- وَاقْلِنِي عَثْرَتِي وَاعْفِرْ زَلَّتِي.

ص ۷۳

به سوی تو کرده‌ام §. فَالَيْكَ يَا رَبَّ نَضَبْتُ وَجْهِي §  
 دست به سویت دراز کرده‌ام §. وَالْيَاكَ يَا رَبَّ مَدَدْتُ يَدِي §.  
 دعایم بی‌پاسخ مگذار §. فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي §.  
 امیدم از فضل و کرمات ناامید مکن §. وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي §.  
 مرا به آرزوهایم برسان §. وَبَلِّغْنِي مُنَاي §.  
 از شر دشمنان مرا کفایت کن §. وَاکْفِنِي شَرَّ الْجِنَّ

خدای رحمن

ذره‌پروری کن.

بنده نوازی کن.

بنده‌ای که سرمایه‌اش اعمالش نیست، فقط سرمایه‌اش امید به توست §. اَرْحَمَ مَنْ رَأَسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ §.

ساز و برگش گریه اوست §. وَسِلاَحُهُ الْبُكَاءُ §.

در حضور تو التماسش افتخار اوست.

عزیزی که باران نعمت‌هایت بر من بارانندی §، اَسَابِغِ النَّعْمِ §.

موج عقوبت از من دور کردی §، اِدْفَعْ النَّقْمِ §.

با من آن‌گونه باش که تو اهل آنی §. وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ §.

نه آن‌گونه که من سزاوار آنم.

درودت را به محمد و آل بفرست.

ص: ۷۴







## نیایشی بر گرفته از دعای عرفه امام حسین (ع)

خدای من

به شهود جمال و جلالت مشتاقم.

به ربوبیت تو معترفم.

به بازگشتم به سوی تو محتاجم.

به معرفتی به بلندای انعام و اکرامت نیازمندم.

به رنگ رنگِ نعمت‌هایت که فراتر از عدد و رقم است شکر گزارم.

به آنچه که برایم آفریدی، از آن‌ها که می‌دانم و نمی‌دانم سپاسگزارم.

سفره نعمت‌هایت را قبل از آن که لباس وجود به تنم کنی پهن کردی. (۱)

احسانت شامل حال شد در نشئه طبیعت بساط زندگیم را گشودی.

چشم به دنیا گشودم چراغ هدایت را در صدر نعمت‌هایت قرار دادی. (۲)

مرا به صنعت زیبای خلقتم و وفور نعمت‌ها، مورد محبت قرار دادی. (۳)

آن‌گونه که مصلحتم بود در دوران جنین مرا صورت و سیرت

ص: ۷۷

۱- اِبْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ اَنْ اَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا.

۲- لَكِنَّكَ اَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسْرَتَنِي، وَفِيهِ اَنْشَأْتَنِي.

۳- وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رُوِّفَتْ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ.

- دادی. (۱)
- خلقتم را کامل و زیبا آفریدی. (۲)
- رفع نیاز قبل از درک نیازم کردی.
- در آغاز خلقتم غذای کاملی از شیر مادر عنایتم کردی. (۳)
- قلب مادرم را برای پرستاریم پر از مهر و عاطفه کردی. (۴)
- مرا از موج آزار جن و شیطان در امان گرفتی. (۵)
- کودک بودم، زبانم گشودی. (۶)
- قوای جسم و جانم را قوت دادی، به کمال رساندی. (۷)
- امواج معرفت فطری را به قلبم الهام کردی. (۸)
- بذر ارزش‌های فطری را در سرزمین جانم کشت کردی.
- با عجایب خلقت چشمم را به تعجب و شگفتی گشودی. (۹)
- با وسعت حکمت‌هایت در پهنه هستی مدهوشم فرمودی.
- پهنه گسترده خلقت آسمان و زمین و موجودات عالم را نشانم دادی.
- با قدرت و توانایی عقلم، ذکر و شکر نعمت‌هایت را متوجهم کردی.
- و با بصیرت به مقام عالیت، طاعت و عبادت را بر من واجب کردی.
- قدرت فهم دعوت رسولانت را به من عنایت کردی. (۱۰)
- راه تحصیل رضایت را برایم ساده و هموار کردی.
- در نزول این همه نعمت و لطف، بر من منت گذاشتی. (۱۱)
- جهالت‌هایم مانع از نزول بی‌کران تا بی‌کران از نعمت‌هایت نشد. (۱۲)
- با وجود جسارت گناهم راه تقرب را به رویم نبستی. (۱۳)
- هر بار تو را خواندم، اجابتم کردی. (۱۴)

ص: ۷۹

- ۱- ثُمَّ اخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى.
- ۲- اِلَى الدُّنْيَا تَامًا سَوِيًّا.
- ۳- وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغَدَاءِ لَبْنًا مَرِيًّا.
- ۴- وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِ.
- ۵- وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِ.
- ۶- اِذَا اسْتَهَلَلْتُ نَاطِقًا بِالْكَلَامِ.
- ۷- حَتَّى اِذَا اكْتَمَلْتُ فِطْرَتِي.
- ۸- اَوْجِبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِانِّ الْهَمَّتَنِي مَعْرِفَتَكَ.
- ۹- وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ.

- ۱۰- وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ.
- ۱۱- وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ.
- ۱۲- وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النَّقْمِ لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي.
- ۱۳- وَجُرَأَتِي عَلَيْكَ، أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يَقْرُبُنِي إِلَيْكَ.
- ۱۴- فَإِنْ دَعَوْتُكَ اجْبَنِي.

- هر گاه که مطیع تو شدم، پاداشی کامل به من دادی. (۱)
- هر بار که شکر نعمت‌هایت کردم، بر نعمتم افزودی. (۲)
- احسان و انعامت را بر من تمام کردی. (۳)
- چگونه نعمت‌هایت را بتوان بشماره آورد؟ (۴)
- این همه نعمت‌های گسترده و بیکرانت را چگونه توانم به عدد آورم؟
- کدامین عطا و بخششت را بتوانم شکرگزاری کنم. (۵)
- همگان از شمارش نعمت‌هایت عاجزند. (۶)
- ضررها و زیان‌هایی را که از من بر گرداندی بیشتر از نعمت‌هایی است که به من دادی. (۷)
- ضررهایی را که از من دفع کرده‌ای جاهلم و الا خود را بیشتر بدهکار می‌دانستم.
- از کثرت تیر بلاها که از من بر گرداندی جاهلم و الا خود را بیشتر مدیون می‌دانستم.
- جلوه‌های لطفت را در حفظ و حراستم چگونه بوده جاهلم و الا به خاک بوسیت می‌افتادم.
- غرق دریای بیکران نعمت‌هایت احساس حیران و سرگردانی می‌کنم.
- در بستر گسترده زمانه هر چه تلاش و جد و جهد کنم تا شکر یک نعمت را بجا آورم عاجزم. (۸)
- اگر امر کنی کره زمین را با پلک چشمم جارو کنم، از شکر یک نعمت ناتوانم.
- ص: ۷۹

۱- فَاِنْ دَعَوْتُكَ اجْبَتْنِي.

۲- كُلُّ ذَلِكْ اَكْمَالٌ لَانْعَمِكَ عَلَيَّ.

۳- وَاِحْسَانِكَ اِلَيَّ.

۴- فَاَيُّ نِعْمِكَ يَا اِلَهِي اَحْصِي عَدَدًا وَذِكْرًا.

۵- اَمْ اَيُّ عَطَايَاكَ اَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا.

۶- وَهِيَ يَا رَبِّ اَكْثَرُ مِنْ اَنْ يَحْصِيَهَا الْعَادُّونَ.

۷- اَللّٰهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ، اَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ.

۸- اِنْ اُوْدِيَ شُكْرَ وَاِحْدَهٗ مِنْ اَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ.

اگر به سجده بیفتم و تا آخر عمر به همان سجده اکتفا کنم، از شکر یک نعمت قاصر م.

من کجا و شکر نعمت عقلم کجا؟

من کجا و شکر نعمت چشمم کجا؟

من کجا و شکر نعمت نطقم کجا؟

من کجا و شکر نعمت فکرم کجا؟

من کجا و شکر نعمت قلبم کجا؟

من کجا و شکر نعمت هوشم کجا؟

من کجا و شکر نعمت شعورم کجا؟

من کجا و شکر نعمت هدایتم کجا؟

من کجا و شکر نعمت ولایتم کجا؟

من کجا و شکر نعمت مخاطب ربم کجا؟

من کجا و شکر نعمت بصیرتم کجا؟

من کجا و شکر نعمت جزای بهشتم کجا؟

من کجا و شکر نعمت اشرف مخلوقاتم کجا؟

من کجا و شکر نعمت سلول‌های حسی و حرکتیم کجا؟

من کجا و شکر نعمت دستگاه پمپاژ قلبم کجا؟

من کجا و شکر نعمت سوخت و ساز بدنم کجا؟

من کجا و شکر نعمت دستگاه توالد و تناسلم کجا؟

من کجا و شکر نعمت گردش خونم کجا؟

من کجا و شکر نعمت تصفیه خونم کجا؟

من کجا و شکر نعمت دفع بدنم کجا؟

ص: ۸۰

کوچک‌تر از آنم که بتوانم نعمت‌هایت را شماره کنم.  
کوچک‌تر از آنم که بتوانم عطا و بخشش‌هایت را شکر کنم.  
کوچک‌تر از آنم که بتوانم دریابم به من چه داده‌ای.  
کوچک‌تر از آنم که دریابم چه نعمت‌هایی در اختیارم نهاده‌ای.  
چقدر مهربانی، چقدر رؤوفی، چقدر متعالی و عزیزی.  
چقدر پاکی، چقدر منزهی، چقدر لایق حمد و ثنایی، چقدر در کبریایی فوق تصویری.  
مرا به بندگی قبول کردی، ممنونتم.  
مرا مخاطب تکلیف و طاعتت قرار دادی، ممنونتم.  
مرا نعمت عقل و فهم و ادراک دادی، ممنونتم.  
مرا از صف همه مخلوق ممتاز کردی، ممنونتم.  
مرا مخاطب تکلیف و مزین به عقلم کردی، ممنونتم.  
مرا به پاداش خیر و جزای بهشت وعده دادی، ممنونتم.  
مرا از سوار بر موج هوس پرهیز دادی، ممنونتم.  
مرا به جوار قربت توان مأوا دادی، ممنونتم.  
مرا به مصاحبت با فرشتگان قدرت دادی، ممنونتم.  
خدای عزیز

همین که بتوانم نعمت‌هایت را بشمارم و شکر کنم، شکر دیگری را می‌طلبم.

همین که پرده غفلت را برایم کنار زدی تا نعمت را ببینم و سپاست گویم، شکر جدیدی می‌طلبم. (۱)

ص: ۸۱



خدای عزیز

چراغ خشیت را آن‌گونه در دلم بیفروز که گویا می‌بینمت. (۱)  
 ترست را در دلم آن‌چنان وارد کن که گویا چشمم هیبتت را خاضعانه می‌نگرد.  
 دلی که از تو خشیت پیدا کند، بیمار نیست.  
 دلی که از تو بترسد، از وساوس شیطانی رهیده است.  
 دلی که از تو بترسد، شیطان در او راه ندارد.  
 دلی که از تو شرم کند، همه اعضا و جوارح بدنش از تو حیا می‌کنند.  
 دلی که از تو حیا نکند، چشمش از دیدنت عاجز است.  
 کسی که از تو نترسد، حجاب غفلت چشم دلش را کور کرده است.

عزیز دلم

دلی می‌خواهم که ظرف خوف تو باشد.  
 یقینی می‌خواهم که ببیند که تو می‌بینی.  
 شهودی می‌خواهم که ببیند تو مراقبی.  
 دلی که از تو ترسید، از غیر تو نمی‌ترسد.  
 اگر از تو ترسید، همه کس از او حساب می‌برند و می‌ترسند.  
 به تقوی و خدا محوری کمکم کن.  
 به فاصله گرفتن از گناه و زشتی کمکم کن. (۲)  
 به پیاده شدنم از موج هوس کمکم کن.  
 به حفظ حریم حضرتت که خوبان پاس داشته‌اند کمکم کن.

ص: ۸۲

۱- اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي اخْشَاكَ كَأَنِّي اِرَاكَ.

۲- وَاسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ.

به بریدن از لجام گسیختگی که شیطان امرم می‌کند کمکم کن.  
 با گناه و نافرمانیت مُهر شقاوت به پیشانیم مزن. (۱)  
 با زشتی‌ام مرا از در خانه‌ات مران.  
 در قضای محتومت خیر برایم رقم زن. (۲)  
 از قضای شر که مرا به چالش‌های سخت می‌کشند، پناهم ده.  
 از قضای تلخی که آخرتم را تهدید کند، نجاتم ده.  
 تقدیرهایت را بر من مبارک کن. (۳)  
 از تقدیرهای مجازاتی و استدراجی و انتقامی به تو پناه می‌برم.  
 دستم را از ارتکاب گناهایی که تقدیر شر درست می‌کنند، کوتاه کن.  
 با فضل و کرمت بین من و زشتی‌هایی که تقدیر سوء برایم می‌سازند، حایل و مانع بیافرین.  
 با نعمت‌هایت مرا بیازمای.  
 از نعمت‌هایت دورم کن.  
 از هر عملی که تقدیر نعمت به دنبال روانه می‌کند، حفظم کن.  
 آن‌گونه مرا تسلیم تقدیرهایت کن که با عجله آینده را نخواهم و از پذیرش تقدیر امروز تأخیرش را طلب نکنم. (۴)  
 خدای رؤوف  
 روح بی‌نیازی از غیر خودت را به من عطا کن. (۵)  
 مرا به گدایی در خانه غیر خودت مبتلا مکن.  
 ص: ۸۳

۱- وَلَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ.

۲- وَخَزَلِي فِي قَضَائِكَ.

۳- وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ.

۴- حَتَّى لَا أُجِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ.

۵- اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي.

عزت نفس و قناعت به تقدیرهای معیشتی‌ات به من کرم کن.  
دستم را از دراز شدن به در یوزگی نزد غیر کوتاه کن.  
قلبم را به درجه عالی یقین نائل کن. (۱)  
رخسار اعمالم را با صفای اخلاص رنگ آمیزی کن. (۲)  
آن گونه‌ام کن که ارزش اعمالم را فقط از تو بخواهم.  
تشویق کارهایم را از غیر تو نجویم.  
نگاه بندگانت را در اعمال صالحم تمنا نکنم.  
به تشویق دیگران در کارهای خیر چشم طمع ندوزم.  
خدای من  
چشم دلم را برای دریافت و مشاهده حقیقت نورانی کن. (۳)  
بصیرت و تیزبینی در دینم به من عطا کن. (۴)  
اندوه دلم را برطرف کن.  
عیوبم را پرده پوشی کن.  
شیطان را باخفت از من دور کن. (۵)  
شیطان چون شغالی که در فکر شکار مرغ و خروس خانه‌هاست،  
چون گرگی که در فکر ربودن بره‌هاست،  
چون شاهینی که در فکر دریدن کبوتران است.  
غداری است که در کمین من بینواست.  
بی‌رحمی است که در فکر جدا کردن من از شماست.  
مطرودی است که به دنبال تقویت حزب ضد خداست.  
اغفالگری است که به هیچ کس نمی‌گوید من دشمنم با شما.  
کاش فرشم را می‌ربود،  
ص: ۸۴

- ۱- وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي.
- ۲- وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي.
- ۳- وَالنُّورَ فِي بَصَرِي.
- ۴- وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي.
- ۵- وَأَخْسَأُ شَيْطَانِي.

کاش پولم را می‌برد،  
کاش به دنیایم طمع می‌برد.  
کاش خانه‌ام را به آتش می‌کشید.  
کاش بر ویرانه دنیایم به شادی می‌نشست.  
به دینم چشم دوخته!  
به ابتدال و لذت جویی و بد مستی‌ام کمر بسته!  
به جدا کردنم از معبود دستورم داده.  
به قطع ارتباط عاشقانه‌ام با خدایم نقشه کشیده.  
به فنای دین و دنیا و آخرتم فکر کرده.  
عظیم‌ترین پروژه اغفال و انحراف و سقوط را در دستور کارش قرار داده.  
به کمتر از جهنمی شدن و سقوط در عذاب دوزخ رضایت نداده.  
مرا طعمه خود قرار داده.  
خدای من  
تو مهربان‌تر از مادر، رؤوف‌تر از هر دلسوزی، مرا چون گرگ چنگ می‌زند تا برآید.  
به گناه دعوت می‌کند، به عصیان امرم می‌کند.  
اگر موفق شود چون جوجه‌ای سرکنده‌ام.  
اگر موفق شود از حیات ساقطم.  
اگر موفق شود تفاله و متعفنم.  
خدای من  
درجات عالی آخرت را از تو می‌خواهم. (۱)

ص: ۸۵

۱- وَأَجْعَلْ لِي يَا اللَّهُ، الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى.

رفعت مقام در بهشت را فراتر از حور و غلمان از تو می‌طلبم.

همجواری خوبان و مقربین را از تو مسئلت دارم.

خدایا از این که سمیع و بصیر خلقم کردی، سپاست می‌گویم. (۱)

از این که در اعتدال جسم و روح و فکر و اندیشه‌ام آفریدی، سپاست می‌گویم. (۲)

از این که با همه بی‌نیازیت از من، مرا تحفه خلقت قرار دادی، سپاست می‌گویم.

از این که در بهترین صورت انسانی در بین مخلوقات خلقم کردی سپاست می‌گویم.

از این که خیلی خوب با من عمل کردی و عافیتم دادی سپاست می‌گویم. (۳)

از این که باران نعمت‌هایت را بر من باراندی و لباس هدایت به تنم کردی سپاست می‌گویم. (۴)

از این که همه چیز به من دادی، از همه عطایایت بر خوردارم کردی، سپاست می‌گویم. (۵)

از این که انواع خوراکی و نوشیدنی به من اکرام کردی، سپاست می‌گویم. (۶)

از این که بی‌نیازم کردی و به عزت رساندی، سپاست می‌گویم. (۷)

از این که در فراز و نشیب سخت روزگار کمکم کردی، سپاست می‌گویم. (۸)

خدای رؤوف

از خطرات دنیا و گرفتاری‌های آخرت نجاتم ده. (۹)

ص: ۸۶

۱- بَصِيرًا لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا.

۲- وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا.

۳- رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافَيْتَنِي.

۴- رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي.

۵- رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي.

۶- رَبِّ بِمَا اطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي.

۷- رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي.

۸- رَبِّ بِمَا أَعَزَّنِي وَأَعَزَّزْتَنِي.

۹- وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ.

- از شرّ ستمگران روی زمین که مانع کمال آخرتم می‌باشند کفایت کند. (۱)
- از آنچه می‌ترسم پناهم ده. (۲)
- از آنچه که احتمال لغزشم هست نگهم دار. (۳)
- دینم و نفسم را از دستبرد غارتگران حفظ کن. (۴)
- نفسم را در برابر کبریائیت خوار و ذلیل کن.
- و در چشم مردم مرا کوچک مکن. (۵)
- از شرارت جن و انس سلامتم دار. (۶)
- خدای مهربانم
- به گناهان و جرائم اعمالم رسوایم مکن. (۷)
- پرونده سیاه خطاهایم را نزد دیگران باز مکن.
- بدی‌های پوشیده‌ام را به بندگان مگو. (۸)
- باز تاب اعمالم را به جانم میانداز. (۹)
- نعمت‌هایت را به جرم کفران و ناسپاسی از من سلب مکن. (۱۰)
- به غیر خودت واگذارم مکن. (۱۱)
- به کسی که به من رحم نمی‌کند پاسم مده.
- خدایا اگر مرا نپذیری، اگر از رحمت محروم کنی، اگر در به رویم نگاهی به کی واگذارم می‌کنی؟
- به نزدیکانم مرا وا می‌گذاری که زود از من می‌برند؟ (۱۲)
- به بیگانه مرا وا می‌گذاری که با خشونت برخورد کنند؟ (۱۳)
- تو رب منی، تو مالک منی. (۱۴)
- از غربتم در دنیا به تو شکایت می‌کنم. (۱۵)
- ص: ۸۷

- ۱- وَ اَكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الارضِ.
- ۲- اللّهُمَّ ما اخافُ فَاكْفِنِي.
- ۳- وَ ما اخذُرُ فِقْنِي.
- ۴- وَ فِي نَفْسِي وَ دِينِي فَاخْرُسْنِي.
- ۵- وَ فِي اعْيِنِ النَّاسِ فَعِظُّمْنِي.
- ۶- وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ فَسَلِّمْنِي.
- ۷- وَ بَدُنُوْبِي فَلَا تَفْضَحْنِي.
- ۸- وَ بِسْرِيْرَتِي فَلَا تُخْزِنِي.
- ۹- وَ بَعْمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي.
- ۱۰- وَ نَعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي.

- ۱۱- وَاللّٰی غَیْرِکَ فَلَآ تَکْلِیْ.
- ۱۲- اَللّٰهَی اِلٰی مَنْ تَکْلِیْ، اِلٰی قَرِیْبٍ فِیْقَطْعُنٰی.
- ۱۳- اِم اِلٰی بَعِیْدٍ فِیْتَجْهَمُنٰی.
- ۱۴- وَاَنْتَ رَبِّیْ، وَمَلِیْکُ اَمْرِیْ.
- ۱۵- اَشْکُو اِلَیْکَ غُزْبَتِیْ.

از دوری راهم به منزل و مأوای آخرتم به تو شکایت می‌کنم. (۱)

خدای رؤوف

مرا آماج قهر و خشم و غضبت قرار مده. (۲)

اگر از قهر و غضب تو ایمن شوم از هیچ کس باکی ندارم. (۳)

الهی، قسمت می‌دهم به تجلی نور جمالت که آسمان‌ها و زمین را روشن کرده‌اند، مرا بر غضبت نمیران. (۴)

آتش خشم را بر من نازل نکن. (۵)

مرا تحمل قهرت نیست.

مرا طاقت سخط و عذابت نیست.

سرمايه من لطف توست.

چشمم به نوازش توست.

امیدم مهر توست.

انتظارم عفو توست.

دست محبت را در زوایای عمرم دیده‌ام.

سایه کرمت را در فراز و نشیب زندگیم دیده‌ام.

کی به قهرت فکر کنم؟

کی به خشمت بیاندیشم؟

کی به دوریت گمان برم؟

کی ورود به عذابت را اندیشه کنم؟

کی به فراق و هجرانت بیاندیشم؟

خدای رؤوف

یقین دارم مرا می‌بخشی.

ص: ۸۸

۱- وَبُعَدَ دَارِي

۲- اَلِهِي فَلَا تُحِلِّلْ عَلَيَّ غَضَبِكَ.

۳- فَاِنْ لَمْ تُكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا اِبَالِي سِوَاكَ.

۴- اِنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَيَّ غَضَبِكَ.

۵- وَلَا تُنَزِّلْ بِي سَخَطَكَ.



با حسن ظنم علم دارم از من می‌گذری.  
 تو یگانه بی‌شریکی، ای خدای مسجد الحرام. (۱)  
 تو یگانه بی‌شریکی ای خدای مشعر الحرام. (۲)  
 تو یگانه بی‌شریکی ای صاحب کعبه با برکت.  
 ای که با حلمت از گناهانِ بزرگِ بندگان می‌گذری. (۳)  
 ای که با فضلت نعمت‌های بیکران بر بندگان نازل می‌کنی. (۴)  
 ای که دستگیری و یاریت ذخیره روز سختی من است. (۵)  
 ای همدمی که همراهیت ذخیره روز تنهایی من است. (۶)  
 ای فریاد رسی که فریاد رسیت ذخیره روز محنت و گرفتاری من است. (۷)  
 ای ولی نعمتم که آقائیت ذخیره روز تنگدستی من است. (۸)  
 ای رب و دود  
 تو پناه منی در آن وقت که راه‌های زندگی مرا ناتوان می‌سازد. (۹)  
 تو پناه منی آن هنگام که زمین با همه وسعتش بر من تنگ می‌آید. (۱۰)  
 تو پناه منی آن گاه که سکینه و آرامش زندگیم به تشویش و اضطراب بدل گردد.  
 تو پناه منی آن گاه که شیرینی‌های حیات برایم تلخ و ناگوار شود.  
 تو دستم را بگیر.  
 به فریادم برس.  
 به غیر خودت مرا وانگذار.  
 ص: ۸۹

۱- لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ.

۲- وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ.

۳- وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَخْلَلْتَهُ الْبَرَكَهَ يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ.

۴- يَا مَنْ اسْتَبَعِ النَّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ.

۵- يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي.

۶- يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي.

۷- يَا غِيَاثِي فِي كَرْبَتِي.

۸- يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي.

۹- أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا.

۱۰- وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضِ بِرُحْبِهَا.

- لطفت را شامل حالم کن.
- اگر رحمت نباشد، هلاکم. (۱)
- تویی که خطایم را از گردونه کیفر دور می کنی. (۲)
- اگر پرده پوشیت نباشد رسوای رسوایم. (۳)
- تویی که در پیروزی بر دشمنانم کمک می کنی. (۴)
- اگر کمک‌های لحظه لحظه‌ات نباشد، مغلوب و شکست خورده‌ام. (۵)
- ای عزیزی که خود را به عظمت و علو مقام اختصاص داده‌ای. (۶)
- دوستانت چون به تو وصلند به عزت نایل آیند. (۷)
- ای عزیزی که سلاطین طوق ذلت در مقابلت به گردن انداخته‌اند و از سطوت تو در هراسند. (۸)
- ای احسان‌گری که نیکی و خوبیت هرگز قطع نمی شود. (۹)
- ای عزیزی که یوسف را در بیابان بی آب و علف حفظ کردی و از چاه خارجش کردی و به سلطنت رساندی. (۱۰)
- ای رؤوفی که یوسف را به یعقوب رساندی بعد از آن که چشمانش از غم سفید شده بود. (۱۱)
- ای عزیزی که بلا و مصیبت را از پیامبرت ایوب بر طرف کردی. (۱۲)
- ای مهربانی که ذبح اسماعیل را توسط خلیلت ابراهیم تدبیر کردی. (۱۳)
- ای دستگیری که دعای زکریا را بر بخشش یحیی به او اجابت کردی. (۱۴)
- ص: ۹۰

۱- وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ.

۲- وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي.

۳- وَلَوْلَا سِتْرُكَ أَيَايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ.

۴- وَأَنْتَ مُوَيْدِي بِالنَّصْرِ عَلَىٰ اِغْدَاتِي.

۵- وَلَوْلَا نَصْرُكَ أَيَايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ.

۶- يَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرَّفْعَةِ.

۷- يَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرَّفْعَةِ.

۸- يَا مَنْ جَعَلْتَ لَهُ الْمَلُوكَ نَيْرَ الْمَذَلَّةِ.

۹- يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ اِبْدَاءً.

۱۰- يَا مُقَيِّضَ الرِّكَبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ.

۱۱- يَا رَادَّةَ عَلَىٰ يَعْقُوبَ بَعْدَ اِنْ اِثْيَصَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ.

۱۲- اِ كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْبُلُوبِ عَنِ اِيُوبَ.

۱۳- وَمُؤَسِّكَ يَدِي اِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبْحِ اِبْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ.

۱۴- يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَىٰ.

- ای کریمی که یونس پیامبر را از شکم ماهی نجات دادی. (۱)
- ای ودودی که دریا را برای نجات بنی اسرائیل شکافتی. (۲)
- ای قهاری که فرعون و سپاهیانش را به جرم لجاجت و استکبار غرق کردی. (۳)
- ای عزیزی که ساحران فرعون را پس از سال‌ها لجاجت، هدایت و نجاتشان دادی. (۴)
- ای رحیمی که باها را با نسیم رحمت، بشارت خیر فرستادی. (۵)
- ای رحمانی که در عقوبت و انتقام از بندگان زشت عجله نمی‌کنی. (۶)
- ای مهربانی که با شکر ناچیزی که می‌کنم مرا از نعمت‌های محروم نمی‌سازی. (۷)
- ای خدایی که با گناهان بزرگی که مرتکب می‌شوم، رسوایم نمی‌سازی. (۸)
- ای مولایی که مرا در حال معصیت و نافرمانی مشاهده می‌کنی و افشایم نمی‌کنی. (۹)
- ای معبودی که در کودکی از هزاران بلا حفظم کردی. (۱۰)
- ای عزیزی که در بزرگی مرا و اهل و عیالم را رزق دادی. (۱۱)
- ای منعمی که نعمت‌هایت از شماره و محاسبه خارج است. (۱۲)
- ای ودودی که خیر و احسان بر من سرازیر کردی و من با گناه و عصیان پاسخ گفتم. (۱۳)
- ای خدای مهربانم
- ص: ۹۰

- ۱- یا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْخُوتِ.
- ۲- یا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ.
- ۳- وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ.
- ۴- أَمْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ.
- ۵- أَمْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ.
- ۶- يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ.
- ۷- يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْني.
- ۸- وَعَظَّمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْني.
- ۹- وَرَانِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْني.
- ۱۰- أَمْ حَفِظْني فِي صِغَرِي.
- ۱۱- يَا مَنْ رَزَقْني فِي كِبَرِي.
- ۱۲- يَا مَنْ آيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصِي.
- ۱۳- أَمْ عَارَضْني بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ، وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ.

- در مرض و بیماری، تو شفایم دادی. (۱)
- در برهنگی ام تو پوشانندی. (۲)
- در گرسنگی ام تو سیرم کردی. (۳)
- در عطشم تو سیرابم نمودی. (۴)
- در ذلتم تو عزتم دادی. (۵)
- در نادانیم تو معرفتم دادی. (۶)
- در تنهاییم تو زیادم کردی. (۷)
- در بی‌نواییم تو بی‌نیازم کردی. (۸)
- در یاری خواستم تو بدادم رسیدی. (۹)
- هر گاه که دعا نکردم بی‌دعا و خواستن، افاضه کردی. (۱۰)
- با این همه لطف ممنونتم.
- شکرت می‌گویم.
- ثنایت می‌گویم.
- حمدت می‌کنم.
- تو قلم عفو بر لغزشم کشیدی. (۱۱)
- تو رنج و سختی از من دور کردی. (۱۲)
- تو دعایم اجابت کردی. (۱۳)
- تو پرده‌پوشی کردی. (۱۴)
- تو گناهم بخشیدی. (۱۵)
- تو به خواسته‌هایم رساندی. (۱۶)
- تو بر دشمنانم پیروز کردی. (۱۷)
- ص: ۹۲

- ۱- اَمِنْ دَعْوَتِهِ مَرِيضًا فَشَفَانِي.
- ۲- وَعَزِيَانًا فَكَسَانِي.
- ۳- وَجَائِعًا فَاشْبَعْنِي.
- ۴- وَعَطْشَانًا فَارْوَانِي.
- ۵- وَذَلِيلًا فَاعْزَنِي.
- ۶- وَجَاهِلًا فَعَرَّفْنِي.
- ۷- وَوَحِيدًا فَكَثَّرْنِي.
- ۸- وَغَائِبًا فَارَدَّنِي.
- ۹- وَمُتَّصِرًا فَانصَرَّنِي.

- ۱۰- وَامْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَاِبْتَدَانِي.
- ۱۱- فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ اَقَالَ عَثْرَتِي.
- ۱۲- وَنَفَسَ كُرْبَتِي.
- ۱۳- وَاجَابَ دَعْوَتِي.
- ۱۴- وَسَتَرَ عَوْرَتِي.
- ۱۵- وَغَفَرَ ذُنُوبِي.
- ۱۶- وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي.
- ۱۷- وَنَصَرَنِي عَلَيَّ عَدُوِّي.

- ناتوانم از شمارش نعمت‌ها و منتها و بخشش‌هایت. (۱)
- ناتوانم از حمد و ثنایت.
- ناتوانم از شمارش داده‌هایت.
- ناتوانم از درک انعام و فضلت.
- ای مولای من
- تو با نعمت‌های فراوانت بر من منت نهادی. (۲)
- تو انعام کردی. (۳)
- تو به من نیکی کردی. (۴)
- تو زیبا با من عمل کردی. (۵)
- تو کرامت نصیب کردی. (۶)
- تو نعمت‌هایت را به اکمال رساندی. (۷)
- تو رزقم دادی. (۸)
- تو توفیقم دادی. (۹)
- تو عطایم کردی. (۱۰)
- تو بی‌نیازی بخشیدی. (۱۱)
- تو پناهم دادی. (۱۲)
- تو کفایتم کردی. (۱۳)
- تو هدایتم کردی. (۱۴)
- تو از لغزش‌ها حفظم نمودی. (۱۵)
- تو گناهام پوشانیدی. (۱۶)
- تو زشتی‌هایم بخشیدی. (۱۷)
- تو معاصییم محو کردی. (۱۸)
- ص: ۹۳

۱- وَأَنْ أَعِدَّ نِعَمَكَ وَمِنَّكَ.

۲- وَكَرَائِمٍ مِّنْ حَيْثُ لَا أَحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَّتَ.

۳- أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ.

۴- أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ.

۵- أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ.

۶- أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ.

۷- أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ.

۸- أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ.

- ۹- أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ.
- ۱۰- أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ.
- ۱۱- أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ.
- ۱۲- أَنْتَ الَّذِي أَوْيْتِ.
- ۱۳- أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ.
- ۱۴- أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ.
- ۱۵- أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ.
- ۱۶- أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ.
- ۱۷- أَنْتَ الَّذِي عَفَرْتَ.
- ۱۸- أَنْتَ الَّذِي أَقَلَّتْ.

تو در زندگیم تمکن دادی. (۱)

تو عزتم بخشیدی. (۲)

تو یاریم کردی. (۳)

تو دستم گرفتی. (۴)

تو تأییدم کردی. (۵)

تو زیر بالم زدی. (۶)

تو شفایم دادی. (۷)

تو عافیتم بخشیدی. (۸)

تو اکرامم نمودی. (۹)

حمد و سپاس مال توست. (۱۰)

شکر و ثنا خاص توست. (۱۱)

خدای عزیز

منم که به اعتراف نشسته‌ام. (۱۲)

منم که با اقرار به خوبی‌هایت به زشتی‌ام لب باز می‌کنم. (۱۳)

منم که اعتراف به قصور و کوتاهیم دارم. (۱۴)

منم که فقط پیش تو لب به کاستی‌هایم باز می‌کنم.

منم که بد کردم.

منم که خطا کردم.

منم که تصمیم به گناه گرفتم. (۱۵) اَنَا الَّذِي هَمَمْتُ. (۱۶)

نجوای عشق؛؛ ص ۹۳

م که نادانی ورزیدم. (۱۷)

منم که غفلت نمودم. (۱۸)

منم که به سهو افتادم. (۱۹)

۱- أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتِ.

۲- أَنْتَ الَّذِي اعَزَّرْتِ.

۳- أَنْتَ الَّذِي اعَنْتِ.

۴- أَنْتَ الَّذِي عَضَّدْتِ.

۵- أَنْتَ الَّذِي اِيَدْتِ.

۶- أَنْتَ الَّذِي نَصَّرْتِ.

۷- أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتِ.

۸- أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتِ.



- ۹- أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتِ.
- ۱۰- فَالْحَمْدُ دَائِمًا.
- ۱۱- وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا.
- ۱۲- ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي، الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي.
- ۱۳- أَنَا الَّذِي اسَأْتُ.
- ۱۴- أَنَا الَّذِي اخْطَأْتُ.
- ۱۵-
- ۱۶-
- ۱۷- أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ.
- ۱۸- أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ.
- ۱۹- أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ.

ص: ۹۴

- منم که به خود تکیه کردم. (۱)
- منم که عمداً به گناه افتادم. (۲)
- منم که وعده بازگشت دادم و تخلف نمودم. (۳)
- منم که پیمان شکنی کردم. (۴)
- منم که امروز به خطایم اقرار می‌کنم. (۵)
- منم که امروز اعتراف به نعمت‌های بی‌انتهایت بر خود دارم. (۶)
- خدایا مرا ببخش.
- رو سیاهم.
- دل شکسته‌ام.
- به بن رسیده‌ام.
- خجالت زده از نافرمانیم.
- سرشکسته از حریم شکنی‌ام.
- سر به زیر از این همه لطف تو و پاسخ زشت خویشم.
- از همه جا رانده و مانده‌ام.
- درخانه‌ای دیگر نمی‌شناسم.
- کسی در به رویم نمی‌گشاید.
- خدای مهربانم
- ای که گناه بندگانت ضرری به تو نمی‌زند.
- ای که از طاعت بندگانت بی‌نیازی. (۷)
- ای که عمل صالح بندگانت را تو توفیق می‌دهی. (۸)
- هوای بندگیت را تو کرم می‌کنی.
- نسیم عشق را به دل‌ها وزیدی.

۱- اَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ.

۲- اَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ.

۳- اَنَا الَّذِي وَعَدْتُ وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ.

۴- اَنَا الَّذِي نَكَثْتُ.

۵- اَنَا الَّذِي أَقْرَزْتُ.

۶- اَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي.

۷- وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ.

۸- وَالْمَوْفُوقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ.



ص: ۹۵

عطر ایمان را تو به جان‌ها پاشیدی.

معبودم

به خوبی امرم کردی، از من عصیان دیدی. (۱)

از گناه نهیم کردی، بی‌اعتنایی دیدی. (۲)

امروز شایسته تبرئه تو نیستم. (۳)

از قدرت و یاور، دستم تهی است. (۴)

با چه رویی به پیشگاهت بیایم. (۵)

با شرمندگی و خجالت می‌آیم.

با سرافکنندگی و زرم می‌آیم.

با عرق شرم به پیشانی می‌آیم.

از این که خودم را به تو نسبت می‌دهم که (بنده توام) شرمنده‌ام.

من پیش خود متهم نیستم، مجرمم.

من طریق بندگی بجا نیآورده‌ام.

من شرط عبد بودنم را قاصریم.

با چه جرأتی نزد تو گام بردارم.

با چشمی که تو به من داده‌ای.

با گوش‌هایی که تو به من داده‌ای.

با زبانی که تو به من داده‌ای.

با دستی و پایی که تو به من داده‌ای. (۶)

این‌ها همه نعمت‌های تو اند و با همه این‌ها تو را نافرمانی کرده‌ام. (۷)

مؤاخذه من حق توست. (۸)

۱- الهی امرتني فَعَصَيْتُكَ.

۲- وَنَهَيْتَنِي فَأَزْتَكَبْتُ نَهْيَكَ.

۳- فَأَضْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةَ لِي فَأَعْتَدِر.

۴- وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِر.

۵- فَبِأَيِّ شَيْءٍ اسْتَقْبَلُكَ.

۶- اَمْ بَبْصَرِي اَمْ بِلِسَانِي اَمْ بِيَدِي اَمْ بِرِجْلِي.

۷- وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ.

۸- يَا مَوْلَايَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ.

ص: ۹۶

مجازات من مال توست.

نگاهم نکنی، عتابم کنی، اعتنایم نکنی، عذابم کنی حق توست.

مولای من

زشتی‌هایم به هیچ کس نگفتی. (۱)

بدی‌هایم افشا نکردی.

به خودت قسم اگر دیگران بدی‌هایم را می‌دانستند، نگاهم نمی‌کردند. (۲)

اگر خلاف‌هایم را می‌دانستند، طردم می‌کردند. (۳)

ولی تو، ای رؤوف طردم نکردی، از چشمت نیانداختی.

الان با همه بار گناهم ذلیل و عاجز و حقیر و سرافکنده آمده‌ام. (۴)

نه شایسته تبرئه‌ام که عذرم بپذیری. (۵)

نه جز تو کسی را دارم نه کمکی. (۶)

نه دلیل منطقی برای جرمم دارم که به آن استدلال کنم.

نه می‌توانم گناهم را منکر شوم که همه چیز را می‌دانی. (۷)

اعضایم خود شاهدند و در محکمه خود به نطق رسا می‌گویند، من بدم. (۸)

خدایا مطمئنم در قیامت از اعمالم می‌پرسی. (۹)

چرا با نعمت‌هایم این‌گونه عمل کردی؟

چرا بندگیم را پاس نداشتی؟

چرا دعوت انبیا را نشنیده انگاشتی؟

چرا از رسولانم متابعت نمودی؟

۱- یا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي.

۲- وَلَوْ أَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي.

۳- وَلَرَفْضُونِي وَقَطَّعُونِي.

۴- بَيْنَ يَدَيْكَ، يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ.

۵- ذُو بَرَاءَةٍ فَاعْتَدِرْ.

۶- وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ.

۷- وَلَا حُجَّةً فَاخْتَجْ بِهَا وَلَا قَائِلٌ لَمْ اجْتَرِحْ، وَلَمْ اَعْمَلْ سُوءًا.

۸- وَأَنِّي ذَلِيكَ وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ.

۹- أَنْتَكَ سَأَلْتَنِي مِنَ عَظَائِمِ الْأُمُورِ.

ص: ۹۷

چرا خون شهدا را در عمل پاس نداشتی؟  
 چرا حجت را بر تو تمام کردم، راه نیافتادی؟  
 چرا زمین گیر دنیا و هوس و شهوت و لذت باقی ماندی؟  
 چرا اراده برخاستن دادم، برنخاستی؟  
 چرا مدل‌ها و الگوهای بندگی نشانت دادم نگاه نکردی؟  
 خدای رؤوف

آن روز همه وجودم اگر اشک حسرت شود، کم است.  
 اگر از شرم چون روغن به زمین ریخته شوم، کم است.  
 ندامتم سودی دارد؟

خجالت‌م نفعی دارد؟

سر به زیر شدنم نجاتم می‌دهد؟  
 تو عادل هستی که ظلم نمی‌کنی.  
 اگر من باشم و عدل تو، سخت گرفتارم.  
 چرا عذابم نکنی؟

اگر من باشم بی‌فضل تو، سخت درمانده‌ام.  
 حلم و جود و کرم‌ت اقتضای عفو دارد.

منزهی تو خدای من، من ستم کرده‌ام. (۱)

منزهی تو خدای من، من توبه می‌کنم. (۲)

منزهی تو خدای من، من موحدم. (۳)

منزهی تو خدای من، من خائفم. (۴)

منزهی تو خدای من، من از گناه‌م واهمه دارم. (۵)

۱- لا اله الا انت، سبحانك انى كنت من الظالمين.

۲- لا اله الا انت، سبحانك انى كنت من المستغفرين.

۳- لا اله الا انت، سبحانك انى كنت من الموحدين.

۴- لا اله الا انت، سبحانك انى كنت من الخائفين.

۵- لا اله الا انت، سبحانك انى كنت من الوجيلين.

ص: ۹۸

منزهی تو خدای من، من امید وار به لطف توام. (۱)

منزهی تو خدای من، من به یگانگی ات معترفم. (۲)

منزهی تو خدای من، من گدای در خانه توام. (۳)

منزهی تو خدای من، من به تسبیح تو مفتخرم. (۴)

منزهی تو خدای من، من به کبریائیت معترفم. (۵)

منزهی تو خدای من، من به ربوبیت تو گواهم. (۶)

خدای رؤوف

تو دعای درمانده و پریشان را اجابت می کنی (۷).

تو رنج غمدیدگان را بر طرف می کنی. (۸)

تو درد بیماران را شفا می دهی. (۹)

تو فقر فقیران را غنا می دهی. (۱۰)

تو شکسته بالان را جبران می کنی. (۱۱)

تو اسیران به زنجیر کشیده را رها می کنی. (۱۲)

تو طفل صغیر در رحم مادر را رزق می دهی. (۱۳)

امشب از بهترین هدایایی که به بندگان خوبت می دهی به من هم ارزانی دار. (۱۴)

اکرامی که امشب به مهدی عزیز می کنی جرعهای هم به من عطا کن.

خدای من

تو نزدیک ترین عزیزی هستی که می توان تو را خواند. (۱۵)

تو سریع ترین اجابت کننده خواسته های. (۱۶)

۱- لا اله الا انت، سبحانک انی کنت من الراجین.

۲- لا اله الا انت، سبحانک انی کنت من المهلین.

۳- لا اله الا انت، سبحانک انی کنت من السائلین.

۴- لا اله الا انت، سبحانک انی کنت من المسببین.

۵- لا اله الا انت، سبحانک انی کنت من المکبرین.

۶- لا اله الا انت، سبحانک ربی ورب ابائی الاولین.

۷- اللهم انک تجیب المضطر.

۸- وتغیث المکروب.

۹- السقیم وتشفى.

۱۰- وتغنی الفقیر.

۱۱- وتجبر الکسیر.

- ۱۲- یا مُطَلِّقِ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ.
- ۱۳- یا رازِقِ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ.
- ۱۴- وَاعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَةِ أَفْضَلَ مَا اعْطَيْتَ.
- ۱۵- اللَّهُمَّ أَنْتَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ.
- ۱۶- وَاسْرِعْ مَنْ اجابَ.



ص: ۹۹

- تو کریم‌ترین عفو کننده به خطاکارانی. (۱)
- تو وسیع‌ترین بخشنده به گدایانی. (۲)
- تو شنواترین به خواسته سائلانی. (۳)
- فریادت زدم، قبولم کردی. (۴)
- درخواستت کردم، عطایم کردی. (۵)
- به تو رغبت پیدا کردم، به من رحم کردی. (۶)
- تمایل قلبی‌ام را دیدی به آغوشم گرفتی.
- به تو نزدیک شدم، نوازشم کردی.
- در بحران‌های زندگیم به تو اعتماد کردم، نجاتم دادی. (۷)
- نال و زاریم را دیدی دستم را گرفتی. (۸)
- خدای رؤوف
- شاکرم کن.
- عاقلم کن.
- خادمم کن.
- قدر دانم کن.
- نعمت‌هایت بر من کامل کن. (۹)
- بخشش‌هایت را به من گوارا کن. (۱۰)
- به نعمت‌هایت ذاکرم کن. (۱۱)
- عالم مال توست و سلطنت مطلقه هستی از آن توست.
- قدرت عالم هستی در ید مبارک توست. (۱۲)
- با این حال، هر چه بنده‌ای نافرمانیت می‌کند می‌پوشانی. (۱۳)
- عذر خواهی می‌کند، در اوج قدرت، مهربانانه می‌بخشی. (۱۴)

۱- وَ اَكْرَمُ مَنْ عَفَى.

۲- وَ اَوْسَعُ مَنْ اَعْطَى.

۳- وَ اَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ.

۴- دَعَوْتُكَ فَاجَبْتَنِي.

۵- وَ سَأَلْتُكَ فَاعْطَيْتَنِي.

۶- وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي.

۷- وَ وُثِقْتُ بِكَ فَنجَيْتَنِي.

۸- وَ فَرَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي.

- ۹- وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ.
- ۱۰- وَهِنُّنَا عَطَائِكَ.
- ۱۱- وَلَا لِأَنْتِكَ ذَاكِرِينَ.
- ۱۲- اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ.
- ۱۳- وَعَصِيَ فَسْتَرَ.
- ۱۴- وَاسْتُغْفِرَ فَعَفَرَ.

ص: ۱۰۰

- ما را در سایه عفو ت قرار ده. (۱)
- لباس فلاح و نجات به تمنان کن و غنایم دنیا و آخرت به دستمان ده. (۲)
- ما را از رحمت و اسعوات محروم مکن و از فیوضات نومید مفرما. (۳)
- از آنچه به فضل و کرم ت آرزو و امید بسته‌ام، محروم مکن. (۴)
- دستانم را ذلیلانه به سویت دراز کرده‌ام. (۵)
- این دستان کشیده، به زشتی و گناه اعتراف می‌کنند. (۶)
- دستان گدایی‌ام را خالی بر مگردان. (۷)
- دنیا و آخرت را کفایت کن. (۸)
- غیر تو پناهی ندارم غیر تو خدایی ندارم. (۹)
- غیر تو چاره‌سازی نیست.
- خیر برایم مقدر کن. (۱۰)
- مرا اهل خیر مقرر کن. (۱۱)
- اجر اخروی برایم ذخیره کن. (۱۲)
- برق سبز رأفت و رحمت را از من دریغ مکن. (۱۳)
- عزیز دل‌ها، تقدیرت را این‌گونه برایم رقم زن که:
- گدای دست پر برگشته خانه تو باشم. (۱۴)
- شکرگزاری باشم که شکر نعمت را فراوان کرده. (۱۵)
- تائبی باشم که توبه‌ام گناهم را بخشیده. (۱۶)
- آمرزیده‌ای باشم که گناهم تمام و کمال قلم عفو خورده. (۱۷)
- تضرع و زاریم را می‌بینی، قبولم کن. (۱۸)
- دل عاشقم را می‌بینی، قبولم کن.

۱- وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا.

۲- اللَّهُمَّ اقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ.

۳- وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ.

۴- وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ.

۵- فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ اِيْدِيْنَا.

۶- فَهِيَ بِذِلَّةِ الْاِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ.

۷- اللَّهُمَّ فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ.

۸- وَاعْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ.

۹- وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ.

- ۱۰- اقْضِ لَنَا الْخَيْرَ.
- ۱۱- وَاجْعَلْنَا مِنْ اَهْلِ الْخَيْرِ.
- ۱۲- اللَّهُمَّ اَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْاَجْرِ.
- ۱۳- وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ.
- ۱۴- اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ.
- ۱۵- وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ.
- ۱۶- وَتَابَ اِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ.
- ۱۷- وَتَنَصَّلَ اِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَعَفَرْتَهَا لَهُ.
- ۱۸- وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنَا.

ص: ۱۰۱

غم حسرت بر عمرم را می‌بینی، قبولم کن.  
 تأسفم بر خسارت و فزای روزگارم را می‌بینی، قبولم کن.  
 التماس پذیرشم را می‌بینی، قبولم کن.  
 آنچه در دل‌ها مکنون و پوشیده است بر تو آشکار است. (۱)  
 بر هم زدن پلک‌ها و گوشه زدن چشم‌ها بر تو آشکار است. (۲)  
 چیزی از عمر و حیاتم، اعمال و افعالم بر تو پوشیده نیست. (۳)  
 در قیامت رسوایم مکن.  
 در دنیا افشایم مکن.  
 با مکر استدراجم مکن. (۴)  
 با مهرت پرده پوشیم کن.  
 از جهنم ایمنم کن. (۵)  
 در دین و دنیا و آخرتم عافیت عنایتم کن.  
 از شر دیگران کفایتم کن. (۶)  
 آنی به خودم وا مگذار. (۷)

ی

ا ارحم الراحمین

۸۷ / ۸ / ۲۳

۱- وَلَا مَا أَنْطَوْتُ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ.

۲- يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ اغْمَاضُ الْجُفُونِ.

۳- وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ.

۴- اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي.

۵- وَاعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

۶- وَلَا تَخْدَعْنِي.

۷- وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ.



ص: ۱۰۳

## نیایشی بر گرفته از دعای ابو حمزه

خدای رؤوف

با عذابت ادبم مکن. (۱)

با سختت تدبیر بی حیایم مکن.

با قهرت حساب رسیم نکن.

با مکرر لغزش‌هایم را پاسخ مگو؛ (۲)

با مکرری که مکاران و شیادان و حقه‌بازان را به زمین می‌زنی.

و از اوج اقتدار به خاک می‌افکنی.

و عزت و لذت را به کامشان تلخ می‌کنی.

و دنیاشان را تباه و پایان کارشان را سیاه می‌کنی.

خدایا مرا این‌گونه مگیر.

من کیم؟ چه جایگاهی دارم؟ چه اهمیتی دارم؟ (۳)

خدای من، به عزتت قسم آن‌روز که نافرمانیت می‌کردم، قصدم نافرمانی و لجبازی و جبهه‌گیری در برابر عظمت و جلالت نبود. (۴)

بنا نداشتم فرمانت را سبک بشمارم. (۵)

بنا نداشتم تمرد امرت کرده باشم.

بنا نداشتم به جنگ تو بیایم.

۱- الهی لا تُؤدِّبْنی بِعُقُوبَتِکَ.

۲- وَلَا تَمْکُرْ بِي فِي حِيلَتِكَ.

۳- وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطْرِي.

۴- الهی لَمْ اَعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ.

۵- وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ.

ص: ۱۰۴

بنا نداشتم تهدیدات قیامت را سبک بشمارم. (۱)

بنا نداشتم خاک ذلت معصیت را بر سر و رویم بریزم.

بنا نداشتم چون فرعون‌ها و نمرودها لاف اَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى بزنم.

بنا نداشتم در مقام انکار عذاب و دوزخت بر موج گناه سوار شوم.

من بیچاره‌ام،

من درمانده‌ام،

من اغفال شده‌ام،

من در جبهه نفس اماره شکست خوردم،

غفلت‌ها بر من غالب شد و به خطایی تبدیل شد که نافرمانیت را رقم زد. (۲)

من با حریم شکنان تاریخ فرق دارم.

آن‌ها به جنگ تو آمده‌اند.

من در جنگ نفس که شکست خوردم، با شرمندگی به گناه افتادم و در جبهه نافرمایان رانده شدم.

شیطان در پایگاه نفسم غالب شد.

زمام هوی و هوس و میل و لذت را به دست گرفت.

ناخواسته کردم آنچه با بندگیت مخالف بود.

کردم آنچه با شکر نعمت سازگار نبود.

کردم آنچه را که از چشمت ساقط می‌کرد.

کردم آنچه را که با پیمان الست نمی‌خواند.

مرا روی موج هوس سوار کرد و به منزل فریبند گناه پیاده کرد.

لذت، چشمم را کور کرد.

۱- وَلَا لَوْعِيدِكَ مُتَّهَوِّنٌ.

۲- لَكِنَّ حَظِيئَهُ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي، وَغَلَبَنِي هَوَايَ.



ص: ۱۰۵

عشق‌های مجازی و پر جاذبه دنیا چراغ عقلم را خاموش کرد.

بیچاره شدم به شقاوت افتادم. (۱)

به ذات اقدس قسم، پرده پوشی‌ها و ستاربت که گناهانم را به دیگران نگفتی.

افشا نکردی.

آشکار نمودی.

رسوا نساختی. (۲)

بر غرور من افزود.

بر معصیتم فزود.

مخالفت اوامرت را تداوم داد.

من بیچاره و درمانده و ورشکسته‌ای که سرمایه‌اش نگاه کرم و مهر و رحمت تو بود و در غارت شیطان از دست دادم، الان آمده‌ام.

خدای ودود

کیست که به نجوای بیچارگیم گوش کند؟

کیست که عذرم بپذیرد؟

کیست که باورم کند؟

کیست که به تأمین سرمایه به تاراج رفته‌ام اعتماد کند؟

کیست که کمکم کند؟

کیست که دست مهر و وفا بر سرم بکشد؟

کیست که در مقام نجاتم برآید؟

کیست که از عذاب روز قیامت نجاتم دهد؟ (۳)

کیست که تجسم اعمال زشتم را به حسنات مجسم بدل کند؟

۱- وَاعَانِي عَلَيْهَا شَفْوَتِي.

۲- وَغَرَّنِي سِتْرُكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ.

۳- فَالَانَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي.

ص: ۱۰۶

کیست که فردای قیامت از دست دشمنانم رهایم دهد؟  
 کیست که در صحنه جزای قیامت از دست گناهانم مرا امان دهد؟  
 کیست که از جزای مکرهای شیرین نمای شیطان فراریم دهد؟  
 کیست که در غرقاب سخت قیامت در اقیانوس پر طلاطم هلاکت و عذاب، طناب نجات به من دهد؟  
 به ریسمان کی چنگ زنم؟ (۱)

عزیزم، اگر تو هم فردا ریسمان نجاتت را از من باز داری، مرا در غرقاب بینی، اعتنائیم نکنی چه کنم؟  
 مرا در شعله‌های دوزخ به فراموشی سپاری چه کنم؟  
 مرا در کنار معاندان و سرکشان بزرگ تاریخ رهایم کنی چه کنم؟  
 اگر آنروز که نامه عملم به دست چپم دهی یعنی تو از رحمت محرومی، چه کنم؟ (۲)

اگر آنروز که نامه عملم را باز کنی، فجایع اعمالم را نشانم دهی از شرمساری و خجالت چه کنم؟  
 چگونه فریاد و ضجه و اخجلتاه سر دهم؟  
 اگر آنروز در بین دوستان و آشنایان که مرا صالح می‌پنداشتند رسوایم کنی، چه خاکی به سر کنم؟  
 اگر آنروز پنهان و نهان اعمال زشتم را به همگان آشکار کنی، چه کنم؟  
 خدای رؤوف  
 در این دنیا امیدم به این است که ده‌ها بار در کلام وحیت فرمودی

۱- وَبِحَبْلِ مَنْ اتَّصِلُ أَنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي.

۲- و اما من اوتی کتابه بشماله ....

ص: ۱۰۷

لَا تَقْنَطُوا.

از ناامیدی نهیم کرده‌ای. (۱)

از شکنندگی و یأس بازم داشته‌ای.

به رجا و امید دعوتم کرده‌ای.

امید به رحمت را بر عذابت سبقت داده‌ای. (۲)

تو یأس از رحمت بی‌انتهایت را گناه کبیره خوانده‌ای.

رب و دودم

کرم و لطف از مکافات و مجازات گناه کاران برتر و بالاتر است،

من به آن چشم دارم. (۳)

پناهنده‌ای الان در خانه تو به ضجه نشسته در می‌زند.

به فضل و فیض و گذشت چشم طمع دارم که آمده‌ام.

من از تو فرار کرده‌ام و به سوی تو آمده‌ام. (۴)

من از عدلت فرار کرده‌ام به فضلت پناه آورده‌ام.

من از جزای گناهانم که حق من است به انعام و اکرامت که از جود تو می‌جوشد روی آورده‌ام.

از تجسم زشتی‌هایم فرار کرده‌ام، به تبلور مهر و کرمت پناهنده‌ام.

از آنچه به من وعده صفح و عفو و غفران داده‌ای با دلی پر امید با عرق شرم به پیشانی آمده‌ام.

اگر حلمت نبود،

اگر مهرت نبود،

اگر فضلت بر عدلت سبقت نمی‌جست،

مرا به کردارم مقایسه می‌کردی.

۱- وَنَهَيْكَ اِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ.

۲- يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ.

۳- فَاِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنِ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِيْنَ.

۴- هَارِبٌ مِنْكَ اِلَيْكَ.

ص: ۱۰۸

نعمت‌هایت را در کفهای و گناهانم را در کفه دیگر، مرا به قضاوت دعوت می‌کردی. (۱)  
بنده نوازیت را در کفهای و حریم شکنی‌ام را در کفه دیگر، مرا به مشاهده فرا می‌خواندی.  
نمک خوردن‌هایم را در کفهای و نمکدان شکستن‌هایم را در کفه دیگر، مرا به خجالت می‌گشتی.

خدای عزیز

بیچاره‌ای هستم که محتاج صدقه‌ام. (۲)

درمانده‌ای هستم که نیاز به صلّه دارم.

عفو و گذشتت را صدقه‌ام قرار ده.

از من بگذر، پرده‌پوشی بر گناهم کن،

از سرزنشم اغماض کن. (۳)

به آبرو و جلالت آبرو داریم کن.

خدای من

امشب شب قدر عمر من است.

خدایا چشم به کرمت دوخته‌ام. (۴)

احسان و انعامت به بیچاره‌گان را می‌نگرم. (۵)

امید به رفع پریشانی‌ام دارم.

سرمایه رضایت را از دست داده‌ام.

گناه مرا به سخط و خشمت کشانده به جبران آن می‌سوزم. (۶)

در سایه لطف و گذشتت به پا خاسته‌ام تا جوابم دهی. (۷)

در آستان جودت بارم را پیاده کرده‌ام. (۸)

۱- وَأَعْظَمُ جِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايَسَنِي بِفِعْلِي وَخَطِيئَتِي.

۲- وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ.

۳- وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَأَعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ.

۴- وَالْيَ جُودِكَ وَكَرَمِكَ اَرْفَعْ بَصْرِي.

۵- وَالْيَ مَعْرُوفِكَ اَدِيمْ نَظْرِي.

۶- وَبِعِغْنَاكَ اجْبُرْ عَيْلَتِي.

۷- وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي.

۸- وَبِفِنَائِكَ احْطُ رَحْلِي.

ص: ۱۰۹

ای همه امیدم.

(۱) نامیدم مکن که درماند گیم شدید است.

(۲) به خاطر فقرم، عنایت کن.

(۳) به خاطر ضعفم، ترحم کن.

به خاطر عشقم، وصلم کن.

امشب از تو توبه می‌خواهم.

(۴) امشب حلقه در رحمت را با دستی پر امید می‌کوبم.

امشب به التماس آمده‌ام.

به تضرع و زاری آمده‌ام.

(۵) به عزت قسم، اگر از در خانه‌ات مرا برانی، نمی‌روم.

(۶) از تملق در خانه‌ات دست بر نمی‌دارم.

(۷) به دلم الهام شده این‌جا خانه جود و کرم است.

این‌جا خزانه رحمت و مغفرت است.

این‌جا خانه امید بندگان حریم‌شکن است.

امشب با فریادی بلند به ندامت قلبی ایستاده‌ام.

با پشیمانی دل آمده‌ام.

با خجالت و شرم و دلشکستگی بار یافته‌ام.

(۸) امشب از تو توبه‌ای می‌خواهم آنچنان محکم که هرگز به نافرمانیت برنگردم.

(۹) آن‌چنان به دلم خیر و خوبی‌ها را الهام کنی،

آن‌چنان اعمال صالح را به من تفهیم کنی،

آن‌چنان خوف و خشیت را در شب و روز آشکار و نهان به من

۱- لا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي.

۲- اَعْطِنِي لِفَقْرِي.

۳- وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي.

۴- اَللّٰهُمَّ قَرَعْتُ بِابِ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي.

۵- مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ.

۶- وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ.

۷- تَمَلُّقِكَ لِمَا اَللّٰهُمَّ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ.

۸- اَللّٰهُمَّ تَبَّ عَلَيَّ حَتَّى لَا اَعْصِيكَ.

۹- وَاَللّٰهُمَّ اَلْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ.



ص: ۱۱۰

تلقین کنی، که هرگز حریمت را نشکنم. (۱)

به توبه‌ای منتقلم کن که تبه و توجه و دریغ از گذشته‌ام را در بر داشته باشد.

در توبه و ندامت قلبی‌ام چنان کمکم کن که بر خویشتن بگریم. (۲)

بتوانم مرثیه نفس خود را بخوانم.

بر فرصت‌های طلایی از دست رفته‌ام اشک بریزم.

بر عمری که به سهل‌انگاری گذشت. (۳)

به جوانی بر باطل رفته‌ام.

بر آرزوهای خام و خیالات واهی روزگaram اشک ندامت بریزم.

کیست که از من بدحال‌تر باشد؟ (۴)

کیست که از من پرونده‌اش سیاه‌تر باشد؟

کیست که از من، گناه زمین‌گیرترش کرده باشد.

مرثیه نفسم برای این است که مسافر دیار قبر و برزخ و قیامت.

خدایا، اگر با این حال پریشان که کوله‌باری از معصیت و گناه را با خود به دوش می‌کشم به سوی قبر روانه شوم، چه دارم؟ (۵)

قبری که خوبان با عمل صالح و ایمانی پاک فرش کرده‌اند، من با غفلت و نافرمانی و گناه به خرابه‌ای تاریک بدل کرده‌ام. (۶)

چرا برای خانه قبرم نگریم در حالی که نمی‌دانم چگونه با من عمل می‌شود؟

به کجا می‌برندم؟ (۷)

فرشتگان به چه حالی به سراغم می‌آیند؟

شاهین بلند پرواز مرگ بال‌هایش را بالای سرم باز کرده. (۸)

۱- وَخَشَيْتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا ابْقَيْتَنِي.

۲- وَاعْنَى بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي.

۳- فَقَدْ افْتَيْتُ بِالتَّشْوِيفِ وَالْأَمَالِ عُمْرِي.

۴- يَكُونُ اسْوَاءَ حَالًا مِنِّي.

۵- اِنْ اَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي اِلَى قَبْرِي، لَمْ اَمْهَدُهُ لِرَقَدَتِي.

۶- وَلَمْ اَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي.

۷- وَمَالِي لَا اِبْكِي وَلَا اَدْرِي اِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي.

۸- وَقَدْ حَقَّقْتُ عِنْدَ رَأْسِي اجْنِحَةَ الْمَوْتِ.

ص: ۱۱۱

گویی پایان خط عمر دنیا را اعلام می کند.

این ندا بگویم می رسد: زود باش جمع کن.

حرکت نزدیک است.

برخیز و بیا.

سرود حزن انگیز پایان پرونده این سرای و انتقال به آن سرای را می سرایند.

کوس رحیل می خواند، خانه خانه مستأجری است.

انسان مسافری رفتنی است.

این جا خانه موقتی است.

دیار باقی آن جاست.

مرگ اولین پدیده آخرت، در ورودی قیامت به سراغم می آید. (۱)

خدایا! چگونه نگریم، چگونه ناله نکنم، چرا اشک نریزم؟

برای آن لحظه جان دادم می گیرم. (۲)

برای انتقال به قبری تاریک و لحدی تنگ می گیرم. (۳)

برای سؤال نکیر و منکر می گیرم که وقتی سؤال می کنند (من ربک)، آیا زبانم یارای جواب (الله ربی) را دارد؟ (۴)

وقتی (من نیبک) را پرسد، زبانم یارای نام مبارک پیامبر را دارد؟

وقتی (من امامک) را می پرسد، امیرالمؤمنین مرا به شیعه بودنش پذیرفته تا زبانم آن را بسراید؟

وقتی (ماقبلتک) را می پرسد، قبله شکم و شهوت و دنیا و آرزوهایم اجازه می دهد کعبه توحید را بگویم؟

۱- پیامبر ۹: الموت اول منزل من منازل الاخره.

۲- اِبْکِ لِخُرُوجِ نَفْسِی.

۳- اِبْکِ لِظُلْمَةِ قَبْرِی اِبْکِ لِضِیقِ لَحْدِی.

۴- اِبْکِ لِسُؤَالِ مُنْکَرٍ وَنَکِیرِ اِیَّای.



ص: ۱۱۲

وقتی (ما دینک) دینم را سؤال می‌کنند، مارک بی‌دینی را شیطان با تسویل اعمال به پیشانیم نزده؟

با این همه دغدغه از قبر و مأوای برزخیم چرا گریه نکنم؟

گریه‌ام برای لحظه‌ای است که از قبر خارج می‌شوم برهنه و خوار و ذلیل با بار گناهی که بر دوش دارم. (۱)

خدای عزیز از برهنگی آنروز به تو پناه می‌برم.

برهنگی آنروز یعنی دست خالی و تهی.

یعنی بی‌هیچ ژست و تشخص.

یعنی وداع با همه داشته‌های دنیایی.

گرد ذلت اولین ارمغان گناه و نافرمانی و غفلت است که آنروز مرا در بین اهل محشر رسوا می‌کند. (۲)

خدایا به آن روز به برهنگی‌ام، به خواریم، به بار سنگینم، چرا نگریم؟

آنروز که بعضی چهره‌ها خندانند و با بشاشت و سرور می‌خندند و بعضی چهره‌ها را گرد غم و غبار ذلت فرا گرفته. (۳)

من از کدامین دسته از این دو دسته‌ام؟

خدایا به تو پناه می‌برم اگر چهره‌ام غمبار و ذلیل باشد.

خدایا با اشک خوف آنروزم را تدارک می‌کنم. با چشمه جوشان اشکم قلب زنگار گرفته‌ام را می‌شویم و با آب توبه، دلم را از

گناه تطهیر می‌کنم.

خدایا پیام این اشک، چیزی جز حسرت به گناه گذشته و ندامت از وضع موجودم و امید به مغفرت در آینده نیست.

۱- اَبْکَى لِخُرُوجِ مِنْ قَبْرِ عُوَانَا ذَلِیلاً حَامِلاً ثِقَلِ عَلٰی ظَهْرِی.

۲- ذَلِیلاً حَامِلاً ثِقَلِی.

۳- وَجُوهُ یَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ، ضَاحِکَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ، وَوُجُوهُ یَوْمَئِذٍ عَلَیْهَا غَبْرَةٌ.

ص: ۱۱۳

خدای عزیز

ترحمت را در زمان سختی‌های مرگ از تو می‌خواهم.

آنچه را که مردم نمی‌دانند و فقط تو می‌دانی بر من ببخش.

دست ترحم و مهربانیت را آن‌روز که بر بستر مرگ افتاده‌ام، تمنّا می‌کنم.

نجوای عشق؛ ص ۱۱۳

مش و عطوفتت را آن‌روز که زبانم از کار افتاده و مرا روی سنگ غسلخانه پهلو به پهلو می‌کنند، از تو می‌طلبم. (۱)

رب ودود

آن‌روزی که خبر مرگ همسایه‌ها و اقوام و خویشان را جمع کرده، مغازه‌ها و کسبشان را تعطیل کرده‌اند، جنازه‌ام را بردوش

می‌کشند و مرا به سرای قبرستان وحشت و تنهایی حمل می‌کنند بر من ترحم کن. (۲)

آن‌روزی که بر تو وارد می‌شوم، تازه واردی که اگر با عدلت عمل کنی مشمول قهر و غضب توام، برازنده توست که با فضل

عمل کنی آن‌روز امید به عفو دارم. (۳)

آن‌روز تنهای تنها در قبرم می‌گذارند.

آن‌روز به خانه جدیدی وارد می‌شوم بی‌شمع و چراغ، غریب و تنها.

هیچ کس نیست تا با او انس گیرم. (۴)

اگر آن‌روز بر من عطر مهربانی نپاشی،

فرشتگان رؤوفت را سراغم نفرستی،

مرا به خودم واگذاری بیچاره‌ام.

اگر اعتنایم نکنی، هلاک شده‌ام. (۵)

۱- وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُودًا عَلَى الْمُغْتَسَلِ يَقْلِبُنِي.

۲- صَالِحِ جِيزَتِي، وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولًا قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جِنَازَتِي.

۳- قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحِيدًا فِي حُفْرَتِي.

۴- وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ غُرْبَتِي.

۵- يَا سَيِّدِي اِنْ وَكَلْتَنِي اِلَى نَفْسِي هَلَكْتُ.

ص: ۱۱۴

اگر رهايم كنى، هيچ ندارم.

آقاي من اگر آن روز مرا نبخشي، دامن كي را بگيرم؟

اگر در هنگامه قبر دستگيرم نباشي، پيش كي گريه و زاري و بي تابي كنم؟

اگر سختي‌هاي قبر را بر من آسان نكني به كي پناه برم؟ (۱)

كي به من رحم مي‌كند؟ (۲)

كي را دارم؟

اگر ترحم و فضلت شامل حالم نشود، بخشش كي را آرزو كنم؟ (۳)

آن روز كه با مرگ مواجه شدم و گريبانم را سخت بگيرد، از گناهم به كجا فرار كنم؟ (۴)

عمرى به اين و آن پناه برده‌ام ولي روز مرگ مفرى ندارم.

خدای عزیز، رب ودود

چون اميدم به توست، عذابم نكن. (۵)

كثرت گناهم همه اميدهايم را قطع كرده جز عفو تو را. (۶)

خدایا چيزى مي‌خواهم كه شايسته‌اش نيستم ولي تو شايسته و اهل آن هستي. (۷)

عفو تو را مي‌طلبم گرچه اهلش نيستم ولي تو اهل مغفرت و گذشتي. (۸)

خدایا در دل شب رويت از من بر مگردان. (۹)

خواهش‌هايم را زمين مگذار.

دعايم را بي پاسخ رها مكن.

۱- سیدی فَبِمَنْ اسْتَعِثُّ انْ لَمْ تُقَلِّنى عَثَرْتى.

۲- وَمَنْ يَرْحَمْنى انْ لَمْ تَرْحَمْنى.

۳- وَفَضَّلَ مَنْ اَوْمَلُ انْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتى.

۴- وَالى مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الدُّنُوبِ اِذَا انْقَضَى اجلى.

۵- سیدی لا تُعَذِّبْنى وَا نَا اَرْجُوْكَ.

۶- فَاِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبى لا اَرْجُوْ، فِىهَا اَلَّا عَفُوْكَ.

۷- سیدی اَنَا اسْئَلُكَ مَا لا اسْتَحِقُّ.

۸- وَتَغْفِرْهَا لى وَا لا اَطَالِبُ بِهَا.

۹- فَا لا تُعْرِضْ بوجْهِكَ الْكَرِىْمِ عَنى.

ص: ۱۱۵

امیدم را در پذیرش دعایم محقق کن. (۱)

با شناختی که از رأفت و رحمت دارم، قلبم گواهی می‌دهد که مرا می‌بخشی. (۲)

خدای رؤوف

تو در کتاب قرآنت فرمان دادی که ستمکاران به حقوق‌مان را عفو کنیم و بگذریم.

خدایا تو اولی و سزاوارتری که بنده روسیاهت را ببخشی.

تو در قرآن امر کردی که گدا و بیچاره را از در خانه رد نکنیم. (۳)

خدایا امروز گدایی در خانه‌ات را می‌کوبد، (۴)

کاسه گدایی آورده،

امیدوارانه به انتظار نشسته.

کی از تو سزاوارتر که گدا را رد نکنی.

عزیز رؤوف

به ما امر کردی تا زیر دستان و اهل و عیال را احسان کنیم، امید ما بندگان گناهکار و رو سیاه به توست. (۵)

احسان تو را می‌جویم، عفو تو را می‌خواهم، نجات از دوزخ را می‌طلبم. (۶)

خدای عزیز

ممنونتم که مرا مشرک نیافریدی و قلبم را از زنگار پرستش غیر خودت پاک کردی. (۷)

ممنونتم که اجازه دادی با زبان باز، با همه گره و کندیش به شکر و

۱- وَ اَنَا اَرْجُو اَنْ لَا تُرَدَّنِي.

۲- مَعْرِفَهُ مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ.

۳- وَ اَمَرْتَنَا اَنْ لَا نُرَدَّ سَائِلًا عَنْ اِثْمَانَا.

۴- وَقَدْ جِئْتِكَ سَائِلًا فَلَا تُرَدَّنِي اِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي.

۵- وَ اَمَرْتَنَا بِالْاِحْسَانِ اِلَى مَا مَلَكَتْ اِيْمَانُنَا، وَ نَحْنُ اِرْقَاءُكَ.

۶- فَاعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ.

۷- فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا نَقَيْتَ مِنَ الشُّرْكِ قَلْبِي.

ص: ۱۱۶

سپاست بچرخد. (۱)

ممنونتم که معرفت شکرگزاری از بی‌نهایت نعمت‌هایت را به من دادی. (۲)

ولی چگونه شکر کنم؟ اعتراف می‌کنم که عاجزم از شکر. (۳)

عاجزم از سپاس و حمدت.

ناتوانم از شمارش نعمت‌هایت.

درمانده‌ام از قدردانی حتی یک نعمت.

زبانم در بیان شکر نعمت‌هایت قاصر و ناتوان است.

شکرم در برابر نعمت‌ها و احسانت قطره در برابر دریاست. (۴)

خدای عزیز

جود و سخایت بود که آرزوهایم را میدان داد. (۵)

در مانده از همه جا به سوی تو بیایم.

خاضعانه بر درگاه کریمانه تو خیمه عشق به پا کنم. (۶)

و با رغبت و رهبت، امید به عنایت ویژه‌ات داشته باشم.

دلم تو را می‌جوید و به تو انس دارد. (۷)

به حلقه در رحمتت دست انداخته‌ام. (۸)

دلم به یاد تو زنده است. (۹)

مناجات تو دلم را نسیم عشق می‌نوازد. (۱۰)

خدای عزیز

دوست دارم فقط فرش عشقم را زیر پای عبودیت تو پهن کنم.

دوست دارم جانم را از زلال شبنم عشق تو سیراب کنم.

۱- وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَشَطِ لِسَانِي.

۲- أَفَلِلسَانِي هَذَا الْكَلَامُ أَشْكُرُكَ.

۳- وَمَا قَدَّرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ.

۴- وَمَا قَدَّرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَاحْسَانِكَ.

۵- اَللّٰهُ اِنَّ جُودَكَ بَسَطَ اَمَلِي.

۶- وَالْيَاكَ الْقَيْتُ بِيَدِي.

۷- وَبِكَ اِنْسَتْ مَحَبَّتِي.

۸- وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي.

۹- [يَا] مَوْلَايَ بِيَذْكُرِكَ عَاشَ قَلْبِي.

۱۰- وَبِمُنَاجَاةِكَ بَرَّدْتُ لَمَّ الْخَوْفِ عَنِّي.



ص: ۱۱۷

دوست دارم از هر جاذبه کاذب عشق نمایی که در برابر تو خود نمایی می کند، جدا شوم.

کمکم کن تا از گناہانی که از بندگیت باز می دارند، دوری کنم. (۱)

خیلی به مهرت طمع بسته‌ام. (۲)

خیلی به عشقت دل‌باخته‌ام.

خیلی به نگاهت امید دارم.

تو بر خود واجب کردی مهر و رحمت را. (۳)

تو بر خود فرض کردی عفو و بخشش را.

تو بر خود حتم کردی ستر و پوشش را.

تو بر خود الزام نمودی آغوش باز را.

تو خود را سریع الرضا خوانده‌ای.

تو خود از غفور و رحیم بودن خبر داده‌ای. (۴)

با این شناسنامه رحمت و مهر و مودت چرا از تو چشم پوشم؟

چرا در خانه غیر تو جویم؟

چرا از نگاه زیبایت بگذرم؟

چرا عفو و اغماضت نجویم؟

خدای عزیز

از مهر و محبتت این را سراغ دارم که بندگان را اهل و عیالت خوانده‌ای. (۵)

این افتخار را به کی بگویم که مرا از خانواده خود شمرده‌ای.

من نسبتی با تو دارم، تو ولی منی.

۱- فَرَّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ ذُنُوبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ.

۲- وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ.

۳- اَوْجِبْتَهُ عَلَي نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ.

۴- نَبِيَّ عِبَادِي اِنِي اَنَا الْغُفُورِ الرَّحِيمِ.

۵- وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ.

ص: ۱۱۸

من عبد توام، اهل توام، مال توام.

با غیر تو بیگانه‌ام.

از غیر تو بریده‌ام.

فقط با تو مانوسم، دلم رودی است که به دریای مهر تو می‌ریزد.

خونم واژه واژه توحیدت را کلمه می‌سازد.

این معرفت را تو به قلبم الهام کردی. (۱)

خدایا! عبد جز در خانه مولایش کجا رود؟ (۲)

بنده جز در خانه خالقش کجا زند؟ (۳)

خدایا مخلوق توام، دلم به عشق محبوبم می‌تپد.

عاشقتم لب‌هایم به محبت معشوقم ترنم عشق می‌سراید.

عبد توام، به عشق مولایم حیاتمندم.

خدای عزیز

اگر به جرم زشتی‌هایم،

اگر به مکافات حریم شکنی‌ام،

اگر به پاداش غفلت‌ها و ناسپاسیم،

اگر امر کنی به بندم کشند،

اگر لطفت را از من دریغ داری،

اگر دستور دهی کشان‌کشان به دوزخم برند تا بسوزم،

اگر بین من و همه آبرومندان درگاهت جدایی افکنی،

امیدم از تو قطع نخواهد شد. (۴)

آرزویم از عفو تو بر نخواهد گشت. (۵)

عشق تو از قلبم نخواهد رفت. (۶)

۱- لما الهم قلبی من المعرفه بکرمک.

۲- الی من یدهب العبد الی مولا.

۳- والی من یتجی المخلوق الی خالقیه.

۴- الهی لوقرتنی بالأضفاد، ومنعنتی سبیک من بین الأشهاد، ودللت علی فضایحی عیون العباد، وامرت بی الی النار، وحلت بینی

وبین الأبرار ما قطع رجائی منک.

۵- وما صرفت تأملی للعفو عنک.

۶- ولا خرج حُبک من قلبی.



ص: ۱۱۹

سر سپرد گیم به تو، فراموشم نخواهد شد.

ستاریت و عیب پوشیت در دنیا از یادم نخواهد رفت.

خدای عزیز

دلی که مهر تو را در خود جای داده از محبت دنیا خالی کن. (۱)

قلبی را که با تو گره بسته از میثاق‌های شیطانی رها کن.

عشقی را که در کوی تو خیمه زده از دلبستگی به اغیار برهان.

مرا با محمد و آل محمد (ص) که عالی‌ترین، صادق‌ترین، پاک‌ترین، جامع‌ترین منادیان عشق تواند محشور کن. (۲)

خدای عزیز

ممنونتم آن‌همه خوبی‌ها که من فاقد آن‌هایم بر سر زبان‌ها انداختی. (۳)

ممنونتم آن‌همه زشتی‌ها را که دارم پرده پوشی کردی که هیچ کس نداند. (۴)

آن‌قدر با کجی‌هایم حلم و ورزیدی و مکافاتم نکردی تا جایی که باورم آمد انگار گناهی نکرده‌ام. (۵)

گویا بدهکارت نیستم.

گویا حق با من است.

خدایا دوستی و محبتت را با نزول نعمت‌ها به من اثبات کردی. (۶)

و من محبت را با گناه پاسخ گفتم. (۷)

خدای من، اگر می‌دانستم دیگران از گناهان من خبردار می‌شوند، شاید حیا می‌کردم، ترک نافرمانیت می‌کردم. (۸)

ولی حلم و گذشت تو بر گناه من، جرأت داد. (۹)

۱- سیدی اُخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي.

۲- وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

۳- فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ أَجْمِيلًا مَا تَشْكُرُ.

۴- اِم قَبِيحٍ مَا تَشْكُرُام عَظِيمٍ مَا اِثْبَتَ.

۵- وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي، حَتَّى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي.

۶- تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ.

۷- وَنُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ.

۸- فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرُكَ مَا فَعَلْتَهُ.

۹- وَيَحْمِلُنِي وَيَجْرَتُنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ.

ص: ۱۲۰

تو را این گونه شناخته‌ام که عزیزی، کریمی، پرده‌پوشی، بخشنده‌ای.

تویی که با حلمت مجازاتم را به تأخیر می‌اندازی. (۱)

و این منم که مهلتم دادی به خود نیامدم. (۲)

پرده‌پوشی بر گناهم کردی حیا نکردم. (۳)

مرا از چشمت انداختی اعتنا نکردم. (۴)

توسعه حلم و صبرت با من به آنجا رسید که احساس کردم گویا از من غفلت کرده‌ای. (۵)

آنقدر گناهم را بی‌مجازات گذاشتی که فکر کردم تو از من حیا می‌کنی و شرم داری. (۶)

ولی خدای عزیز به ذات اقدس قسم،

آنروز هم که گناه کردم، قصد نافرمانی تو نبود من به ربوبیت تو معترفم. (۷)

آنروز که حریم‌شکنی کردم، قصدم انکار جایگاه عزت تو نبود. (۸)

آنروز که معصیت تو کردم، قصدم سبک شمردن تو؛ رب العالمین نبود. (۹)

آنروز که غافلانه از تو فاصله گرفتم، قصد ناچیز انگاشتن عذاب و سختت نبود.

شیطان بنده بودنم را به فراموشیم برد.

خدای عزیز خطایی بر من غالب شد. (۱۰)

نفسم فریب شیطان خورد. (۱۱)

بدبختی به من روی آورد. (۱۲)

۱- وَتُوخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ.

۲- أَنَا الَّذِي امْهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ.

۳- وَسَتَرْتَ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ.

۴- وَأَسْفَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَمَا بَالَيْتُ.

۵- وَبَسِطْتَ سَتْرَتِي حَتَّى كَانَتْكَ اغْفَلْتَنِي.

۶- وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَبَبْتَنِي، حَتَّى كَانَتْكَ اسْتَحْيَيْتَنِي.

۷- الْهِيَ لَمْ اعْصِكَ حِينَ عَصَيْتَكَ.

۸- وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاوِدٌ.

۹- وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخَفٌّ.

۱۰- لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ.

۱۱- وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي.

۱۲- وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شِفْوَتِي.

ص: ۱۲۱

پرده پوشیت مغرورم کرد. (۱)

الان ورشکسته به بن بست رسیده‌ای با اعتراف به گناه پشت دست به زمین می‌زند عذرخواهی می‌کند.

جز تو کی مرا از عذاب نجات می‌دهد. (۲)

منی که نه در خلوت از تو حیا کردم و نه در جلوت رعایت کردم اکنون به عذر خواهی نشسته‌ام. (۳)

من خیلی مصیبت دارم (وامصیبتاه). (۴)

من آنم که بر مولای خود جرأت و جسارت ورزیدم. (۵)

من آنم که جبار آسمان‌ها را نافرمانی کردم. (۶)

من آنم که هر جا مجال نافرمانی پروردگaram و صاحب اختیارم بود به سر دویدم. (۷)

کی از من مصیبت بارتر است.

کی از من نزد خدایم خجل تر و شرمسارتر است.

در لسان فرشتگان کی از من به سرزنش و ملامت مناسب تر است.

مولای من

امروز با زبانی تو را عذرخواهی می‌کنم که از فرط گناه لال شده. (۸)

با قلبی تو را نجوا می‌کنم که جرم و جنایت هلاکش کرده. (۹)

با پریشانی از حال خودم، با ندامت از گذشته‌ام، با سرافکنندگی از بی‌حیاییم، با امید به آینده‌ام، می‌گویم تو بهترینی ای خدا.

خدای غفور

ملتمسانه امشب به دعا ایستاده‌ام.

۱- وَغَرَّنِي سِتْرَكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ، فَقَدْ عَصَيْتَكَ وَخَالَفْتَكَ بِجَهْدِي.

۲- فَلَانَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي.

۳- اِنَّا يَا رَبَّ الَّذِي لَمْ اسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ.

۴- اِنَّا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى.

۵- اِنَّا الَّذِي عَلَيَّ سَيِّدِهِ اجْتَرَى.

۶- اِنَّا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ.

۷- اِنَّا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا اسْعَى.

۸- ادْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ اخْرَسَهُ ذَنْبُهُ، رَبِّ اِنَا حِيكَ.

۹- رَبِّ اِنَا حِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ اُؤْبَقَهُ جُرْمُهُ.

ص: ۱۲۲

متضرعانه امشب در خانهات را می‌گویم.  
 خاضعانه سر به آستان قدست می‌سایم.  
 با اشکی که از تلاطم قلبی عاشق و خائف برخاسته است دردم را با تو نجوا می‌کنم.  
 ای همه امیدم، می‌دانم که سرانجام گناهانم محرومیت است.  
 می‌دانم بازتاب گناهانم مجازات در دنیا و آخرت است.  
 مجازات دنیایم را در سلب توفیقات یافته‌ام.  
 چوب زشتی‌هایم را در از دست دادن برکات عمرم دیده‌ام.  
 بعضی از چراهای زندگیم را به من نشان دادی.  
 چرا هر بار که تصمیم گرفتم نماز با حالی بخوانم و خوب برابرت بایستم و با تو سخن بگویم خواب و کسالت به سراغم فرستادی؟  
 (۱)

چرا حال مناجات و اشک را در بهترین زمان راز و نیاز از من گرفتی؟ (۲)  
 چرا هر بار که تصمیم می‌گیرم که درونم را از ریا و نفاق پاک کنم و با توبه کاران در گاهت همنشین شوم، برای نرسیدن به مرادم مانعی را حایل کردی؟ (۳)  
 شاید این سلب توفیقات از این جهت است که مرا از در گاهت رانده‌ای؟ (۴)  
 شاید از من مأیوس شده‌ای؟  
 شاید چون دیدی حق عبادت را به سبکی و خفت انجام می‌دهم، رهایم کردی؟ (۵)  
 شاید چون دیدی عاشقت نیستم، دور من خط کشیدی؟ (۶)

۱- کَلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ وَقُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ، الْقَيْتَ عَلَيَّ نِعَاسًا إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ

۲- وَسَلَّبْتَنِي مُنَاجَاةَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ.

۳- مَالِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَّيْتُ سِرِّيَّتِي، وَقَرَّبَ مِنِّي مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي، عَرَضْتَ لِي بَلِيَّةَ إِزَالَتِ قَدَمِي، وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ.

۴- سِيدِي لَعَلَّكَ عَنِّي بِأَبْكَ طَرَدْتَنِي، وَعَنِّي خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي.

۵- أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخْفًا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي.

۶- أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنكَ فَفَلَيْتَنِي.

ص: ۱۲۳

- شاید چون دیدی صادقانه عمل نمی‌کنم، از درگاهت ردم کردی؟ (۱)
- شاید چون دیدی شکرگزار نعمت‌هایت نیستم، محرومم ساختی؟ (۲)
- شاید هم چون دیدی با علما هم‌نشین نیستم، به حال خودم وا گذاشتی؟ (۳)
- شاید هم چون دیدی زنگار غفلت دلم را گرفته، از رحمت مأیوسم کردی؟ (۴)
- شاید هم چون دیدی با بیهوده‌گویان و بیهوده‌کاران انس و الفت دارم، مرا به آن‌ها وا گذاشتی؟ (۵)
- شاید چون دوست نداشتی دعایم را بشنوی، از خودت دورم کردی. (۶)
- شاید چون در مقام مجازات من بر آمدی، این‌گونه چوبم زدی؟ (۷)
- شاید هم چون بی‌حیایی از من دیدی به مجازاتم نظر دادی؟ (۸)
- خدای عزیزم
- جلوه عفو و گذشتت از جلوه مجازات گنه‌کاران بیشتر است. (۹)
- خیلی به تو خوش گمانم.
- خیلی به فضل تو امیدوارم.
- خیلی به حلم تو یقین دارم.
- خیلی به بنده نوازیت دل بسته‌ام.
- خدای عزیز
- من کیم که مجازاتم کنی؟

- ۱- اَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي.
- ۲- اَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَاتِكَ فَحَرَمْتَنِي.
- ۳- اَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي.
- ۴- اَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي.
- ۵- اَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آلَفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ فَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي.
- ۶- اَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي.
- ۷- اَوْ لَعَلَّكَ بَجُرْمِي وَجَرِيرَتِي كَافَيْتَنِي.
- ۸- اَوْ لَعَلَّكَ بِقَلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ جَارَيْتَنِي.
- ۹- لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُكَافَاتِ الْمُقْصِرِينَ.

ص: ۱۲۴

من آنم که اعتراف می‌کنم هر چه دارم از توست.  
 عالمم کردی بعد از آن همه جهالت‌ها. (۱)  
 هدایتم کردی پس از آن همه گمراهی‌ها. (۲)  
 بالایم آوردی پس از آن همه پستی‌ها. (۳)  
 امنیت و آسایشم دادی بعد از تشویش و ترس‌ها. (۴)  
 سیر و سیرابم کردی بعد از آن همه گرسنگی‌ها. (۵)  
 بی‌نیازم کردی بعد از آن همه فقر و نداری‌ها. (۶)  
 قوی و سرآمدم کردی بعد از آن همه ضعف‌ها. (۷)  
 عزیز و محترمم کردی بعد از آن همه خواری‌ها. (۸)  
 شفا و بهبودیم دادی بعد از آن همه بیماری‌ها. (۹)  
 بر عیوبم پرده‌پوشی کردی بعد از آن همه زشتی‌ها. (۱۰)  
 حاضر به اغماض و صرف‌نظر شدی بعد از آن همه خطاها. (۱۱)  
 وسعتم دادی بعد از آن همه ناچیزی. (۱۲)  
 یاری و کمکم کردی بعد از آن همه ضعف‌ها. (۱۳)  
 مأوای و پناهم دادی بعد از آن همه آوارگی‌ها. (۱۴)  
 خدای عزیز  
 تو سرمایه عمر منی.  
 امشب آمده‌ام با اقرار به گناهم و اعتراف به الطاف بیکرانت،  
 تا مهر و محبتت را به خود جلب کنم.  
 بند گیم را اعلام کنم.  
 بزرگیت را بستایم.  
 امشب از تو می‌خواهم بسته‌ها به رویم بگشایی.

۱- وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ.

۲- وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ.

۳- وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ.

۴- وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ.

۵- وَالْجَائِعُ الَّذِي اشْبَعْتَهُ، وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرْوَيْتَهُ.

۶- وَالْفَقِيرُ الَّذِي اغْنَيْتَهُ.

۷- وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ.

۸- وَالذَّلِيلُ الَّذِي اغْرَزْتَهُ.

- ۹- وَالسَّقِيمَ الَّذِي شَفَيْتَهُ.  
۱۰- وَالْمُدْنِبَ الَّذِي سَتَرْتَهُ.  
۱۱- وَالْخَاطِئُ الَّذِي أَقَلْتَهُ.  
۱۲- وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَرْتَهُ.  
۱۳- وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ.  
۱۴- وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتَهُ.

ص: ۱۲۵

قفل‌ها برایم واکنی.  
 گذشته‌هایم اغماض کنی.  
 سد موانع توفیقاتم را بشکنی.  
 موانع محبتت را برداری.  
 به دلم تقوی الهام کنی.  
 اعمال خیر به دستم جاری کنی. (۱)  
 مرا آدم کنی.  
 آخرتم را بسازی.  
 عذاب قبرم را عفو کنی.  
 مکافات برزخم را ببخشی.  
 از صراط عبورم دهی.  
 از عقبات قیامت به سلامت برهانی.  
 از هول و هراس بر انگیختن از قبر ایمنم داری.  
 نامه عملم به دست راستم دهی.  
 از حوض کوثر پیامبرت سیرابم کنی.  
 سؤال قبر و قیامت را بر من آسان گیری.  
 از تشنگی و گرسنگی محشر نجاتم دهی.  
 زیر بیرق مهدی (عج) در قیامت حاضرم کنی.  
 با لطف و اغماضت به بهشتم بری.  
 با حسین همنشینم کنی.  
 به دیدار و ضیافت علی (ع) در بهشت اذنم دهی.  
 با مهدی زهرا مانوسم کنی.

---

 ۱- وَالْهَمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ.



ص: ۱۲۶

در طول ابدیت در بهشت مأویم کنی.

خدای عزیز

(۱) عمرم را طولانی کن.(۲) اعمالم را نیکو کن.(۳) نعمت‌هایت بر من تمام کن.(۴) در زندگیم خوش برایم مقدر کن.(۵) ارزش‌های انسانی و مردانگی را در زندگیم ظاهر کن.

دست شیطان را از سرمایه‌گذاری بر چند روزه عمرم کوتاه کن.

عمرم را چراگاه شیطان قرار مده.

(۶) حیات طیبه قرآنی به من عطا کن.(۷) به بلندای عمرم از من راضی شو.

مرا فراموش نکن و همیشه یادم کن.

(۸) از هر آنچه غیر توست، دست تقربم را در روز و شب به او کوتاه کن.(۹) از ریا و خودستایی و بزرگ‌نمایی دورم کن.

خدای رؤوف

امشب را شب قدر عمرم قرار ده.

از رحمت‌ها و برکات شب قدرت مرا بهره‌مند کن.

(۱۰) لباس عافیت در دین و دنیا و آخرت، امشب به من بپوشان.(۱۱) بلاهایی که برای دین و تقوی و آخرتم خطر آفرینند، از من دور کن.(۱۲) نیکی‌هایم را به احسن وجه قبول کن.

۱- وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اطَّلَتْ عُمْرُهُ.

۲- وَحَسَّنْتَ عَمَلَهُ.

۳- وَاتَّمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ.

۴- وَارْغَدْ عَيْشِي.

۵- وَاطْهَرِ مَوَاطِئَهُمْ مُرْوَتِي. وَتِي.

۶- وَاخْيِيَّتَهُ حَيَوَةَ طَيِّبَةً فِي ادْوَمِ السُّرُورِ.

۷- فَمِنْ الْاَنِّ فَارْضَ عَنِّي.

۸- وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِّمَّا اتَّقَرَّبُ بِهِ فِي اَنَاءِ اللَّيْلِ وَاطْرَافِ النَّهَارِ.

۹- رِيَاءً، وَلَا سُمْعَةً وَلَا اِشْرًا وَلَا بَطْرًا.

۱۰- وَعَافِيَةً تُلْبِسُهَا.

۱۱- وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا.

۱۲- وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا.

ص: ۱۲۷

زشتی‌هایم را بگذر.

زیارت کعبه عزیزت را امسال و همه ساله از دریای فضلت نصیبم کن. (۱)

زشتی‌هایی که مرا هدف قرار داده‌اند، از من برگردان. (۲)

دین‌هایی که از دیگران بر ذمه دارم قبل از مرگ توفیق پرداختشان عطا کن. (۳)

چشم و گوش دشمنان و کینه‌ورزان و حسودان را از من برگردان. (۴)

چشم دلم را روشن کن. (۵)

فضای زندگیم را شاد و مسرور کن. (۶)

در غم و اندوه و گرفتاری‌ها، راه گشایش و خروج را به من راهنمایی کن. (۷)

از شر سلاطین و حکومت‌های ظالم دستم را بگیر. (۸)

از تیرگی گناهام قلبم را پاک و پاکیزه گردان. (۹)

خدای رؤوف

با عدم استحقاق ورودم به بهشت، با رحمت و اسعادت مرا به رضوان خود وارد کن. (۱۰)

سدها و موانع ورود به بهشت را از جلو پایم بشکن و حوران بهشتی را با فضل و کرمات تزویج کن. (۱۱)

در بهشت مرا به زیور همنشینی با دوستانت یعنی محمد (ص) و آلش سر فراز کن. (۱۲)

هر روز جمعه مرا به میهمانی امیرالمؤمنین نائل کن.

۱- وَأَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ.

۲- وَأَصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ.

۳- وَأَقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظُّلَمَاتِ.

۴- وَخُذْ عَنِّي بِاسْمَاعِ وَأَبْصَارِ اِعْدَائِي وَحُسَادِي وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَأَنْصُرْنِي عَلَيْهِمْ.

۵- وَأَقِرَّ عَيْنِي.

۶- وَقَرِّحْ قَلْبِي.

۷- وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا.

۸- وَاكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ.

۹- وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي، وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا.

۱۰- وَادْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ.

۱۱- وَرَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ.

۱۲- وَالْحَقْنِي بِأَوْلِيَاءِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ.

ص: ۱۲۸

مرا به میهمانی علی اکبر توفیق ده.

مرا به دست‌بوسی و همنشینی حسین عزیز عزت ده.

مرا از همنشینی با فساق در جهنم سوزانت خلاصی و نجات عنایت کن.

خدای ودود

دلم را از ترس و هیبت پر کن. (۱)

دلم را از سوز و عشقت لبریز کن. (۲)

دلم را ظرف محبت خود کن.

دلم را در برابر کلام حقت خاضع کن.

دلم را در برابر فرامینت تسلیم کن.

دلم را فقط از ایمان و اعتقاد راسخ به خودت سرشار کن.

دلم عشق می‌طلبد، از هر عشقی جدایش کن، به شوق و عشقت رهنمایش کن.

خدای رؤوف

مرا به دیدارت عاشق کن. (۳)

عزیز سرمد، تو هم دیدار مرا دوست مدار. (۴)

آن‌روز که به ملاقات می‌شتابم،

آن‌روز که در بارگاه کبریائیت شرف حضور پیدا می‌کنم،

آن‌روز که در ملاقات به رویم می‌گشایی،

از تو مقام امن را می‌طلبم. (۵)

آسایش و راحتی را می‌طلبم. (۶)

۱- اللَّهُمَّ اِنِّي اسئُلكَ انْ تَمَلأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً مِنْكَ.

۲- وَفَرَقًا مِنْكَ وَشَوْقًا اِلَيْكَ.

۳- حَبَّبَ اِلَيَّ لِقَائِكَ.

۴- وَاحْبَبَ لِقَائِي.

۵- لَهْم مَقَام اَمِين.

۶- وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ.

ص: ۱۲۹

- فرج و گشایش و نجات از تنگناها را می‌طلبم. (۱)
- کرامت و عزت و لطف تو را می‌خواهم.
- آن‌جا لبخندی از تو می‌طلبم که جای زخم نیش‌های تمسخر دیگران را مرهم باشد.
- آن‌جا به اقتدای لبخند رضایت علی (ع) بر نجات و فلاح از ظلم‌های زمانه رستگاری می‌طلبم.
- خدایا، آن‌روز به سلسله صالحان و پاکان در گاهت مرا وصل کن. (۲)
- آن‌روز پرونده‌ام را در کنار نامه شایستگان و خوبان در گاهت قرار ده. (۳)
- آن‌روز انواع امدادها را که از پاکان در گاهت به عمل می‌آوری مرا هم شامل کن. (۴)
- خدای عزیز در پایان کار دنیایم پرونده‌ام را به خیر و خوبی به انتها برسان. (۵)
- بهشت را به رحمت و اسعاهات نصیبم کن. (۶)
- از جهنم که قهر و سخطت دوست امانم ده.
- خدای عزیز
- ایمانی به من ده که تاریخ مصرفش به کوتاهی عمر نباشد. (۷)
- ایمانی به بلندای دیدارت در قیامت از تو می‌طلبم.
- بر این ایمان بلند عمر، حیات دل به من عنایت کن. (۸)
- بر این ایمان محکم مرا بمیران. (۹)

- ۱- وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ.
- ۲- اللَّهُمَّ الْحَقْنِي بِصَالِحِ مَنْ مَضَى.
- ۳- وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ.
- ۴- وَعَئِنِّي عَلَى نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ.
- ۵- وَأَخْتِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ.
- ۶- وَاجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ.
- ۷- اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَلُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ.
- ۸- أَحِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ.
- ۹- وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ.

ص: ۱۳۰

بر این ایمان مرا از قبر برانگیزان. (۱)

در صحنه قیامت شاداب از قلب پر ایمان محشورم کن.  
 به مؤمنان کامل یعنی محمد (ص) و آلش وصلم کن.  
 شادی دیدار با سیدالشهداء را به من عنایت کن.  
 نشاط ملاقات با علی اکبر را به من کرم کن.  
 افتخار زیارت ابوالفضل العباس را در بهشت برینات به من لطف کن.  
 مرا به زیارت خوبان در گاهت در یوم الحشر مفتخر فرما.  
 خدای رؤوف

این منم، با قلبی زنگار گرفته، آلوده، در حجاب ظلمت، در آسیب غفلت، در هجوم ابلیس.  
 مولای من، زنگار ریا از قلبم بگیر. (۲)

دود آلوده شک و تردید از دلم دور کن. (۳)

خود ستایی و منم جویی را از قلبم محو کن.  
 اعمالم را به زیور اخلاص آراسته کن. (۴)

کیمیای اخلاص را با تکه آهن‌های ناقابل اعمالم همنشین کن تا کیمیای سعادت دارین را تحصیل کنم.  
 بصیرت در دینت را می‌طلبم. (۵)

درک حکمت‌هایت را به من ارزانی دار. (۶)

تفقه در علمت و تقوای باز دارنده از عصیان‌ت را به من مرحمت کن. (۷)

خدای رؤوف

۱- وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ.

۲- وَابْرِءْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ.

۳- وَالشَّكَّ وَالسُّمْعَةَ فِي دِينِكَ.

۴- حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصاً لَكَ.

۵- اللَّهُمَّ اعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ.

۶- . وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ.

۷- وَفَهْمًا فِي عِلْمِكَ، وَكَفْلِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَوَرَعًا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ.

ص: ۱۳۱

این منم با هجوم لشکری از زشتی‌ها و خصلت‌های زمین گیر.

از تنبلی و سستی و زمین گیر شدن، دستم را بگیر. (۱)

از بخل و غفلت و سخت دلی پناهم ده. (۲)

از خواری و بی آبرویی برهانم، آبرویم ده.

از فقر و تنگدستی و بیچارگی رهایم کن. (۳)

از فحشا و منکرات، از زشتی‌های پنهان و آشکار دستگیرم باش. (۴)

از نفسی که هرگز قانع نیست، (۵)

از شکمی که هرگز سیر نمی‌شود، (۶)

از دلی که خاشع نمی‌شود، (۷)

از دعایی که نشنیده رها می‌شود، (۸)

از عملی که به دلیل نقصش بی‌فایده می‌ماند، (۹)

به تو پناه می‌برم.

خدایا از این که رهنزی بی‌رحم و خبره و کار کشته چون شیطان مرا به اسارت بگیرد،

دینم را از من برباید، (۱۰)

از تو جدایم کند،

مرا عبد خودش گرداند،

به بندم کشد،

پایم به جبهه دشمنان تو باز کند،

از نافرمانی تو دلشادم کند،

به تو پناه می‌برم.

۱- اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسْلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ.

۲- وَالْبُحْلِ وَالْعَفْلَةِ وَالْقَسْوَةَ وَالْمَسْكَنَ

۳- وَالْفَقْرَ وَالْفَاقَةَ.

۴- وَكُلِّ بَلِيَّةٍ، وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ.

۵- وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ.

۶- وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ.

۷- وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ.

۸- وَدُعَاءٍ لَا يَسْمَعُ.

۹- وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ.

۱۰- وَاَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.





ص: ۱۳۲

خدای مهربانم

هیچ کس مرا پناه نمی‌دهد.

هیچ کس ضامنم نمی‌شود.

هیچ کس دستم نمی‌گیرد.

هیچ کس صاحبم نمی‌شود.

نجوای عشق ؛ ؛ ص ۱۳۲

تو هیچ نقطه آسایش و پناهی نمی‌یابم. (۱)

سراغ تو آمده‌ام در خانه‌ات می‌کوبم.

با کرنش، با تواضع ندایت می‌کنم.

که تو خدای منی.

مالک منی.

صاحب منی.

سرور منی.

رب منی.

آقای منی.

امید منی.

به فکر منی.

دلسوز منی.

رفیق منی.

دستگیر منی.

مرا از عذابت برهان. (۲)

مرا به هلاکت مکشان. (۳)

مرا به جهنمت مسوزان. (۴)

۱- اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يَجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ.

۲- فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ.

۳- وَلَا تَرُدَّنِي بِهَلَكَةٍ.

۴- وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابِ الْيَمِّ.

ص: ۱۳۳

خدای من

با افتخار بندگیت را پذیرفته‌ام از من قبول کن. (۱)

درجه و رتبه‌ام را بالا بر. (۲)

بار گناهم را از دوشم سبک کن. (۳)

زشتی‌هایم را فراموش کن. (۴)

پاداش دعا و راز و نیازم را بهشت و رضامندیت قرار ده. (۵)

خدای ودود

تمام آنچه از تو می‌خواهم به من عنایت کن. (۶)

و آنچه جاهلم و نمی‌دانم که بخواهم، با فضلت به من کرم کن.

خدای غفور

خاضعانه از تو می‌خواهم، در کرمت را می‌گویم، از منبع جودت می‌جویم،

که کم مرا بپذیر. (۷)

از جرم زیادم بگذر. (۸)

به دادم برس.

گره غم از دلم بگشا.

به تقدیرهایت راضیم کن.

تو کلم را به خوش پیمانی تو بیشتر کن.

ترسم را از هجوم سختی‌های زندگی بریز.

به تقدیرهای تلخ و شیرین زندگی تسلیم کن.

اعمالی که موجب تقدیرهای تلخ می‌شوند، بازم دار.

۱- اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.

۲- وَأَعْلِ ذِكْرِي، وَأَرْفَعْ دَرَجَتِي.

۳- وَحُطِّ وَزْرِي.

۴- وَلَا تَذْكَرْنِي بِخَطِيئَتِي.

۵- وَأَجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ.

۶- وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ.

۷- أَقْبَلْ مِنِّي الْيُسِيرَ.

۸- وَأَعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ.

ص: ۱۳۴

به اعمالی که باعث تقدیرهای شیرین می‌شوند، توفیقم ده.  
به پاداش آخرت پر امیدم کن.

خدای عزیز

ممنونم از این که در خانه‌ات همیشه به رویم باز است. (۱)

همیشه برای شنیدن حرفم آماده‌ای.

همیشه دعاهایم را اجابت می‌کنی. (۲)

همیشه نجوی و اسرارم را گوش می‌دهی.

همیشه در دعا را برای بنده نیازمندت باز گذاشته‌ای.

همیشه رفیق و دلسوز منی.

همه آن‌ها که ادعای دوستی با من دارند فقط ساعاتی در روز حاضرند به حرفم گوش کنند.

ولی تو هرگاه که نیازم را فریاد کنم، فریادرسی.

هرگاه بیایم، بی‌واسطه می‌پذیری. (۳)

گر به دیگری امید بندم، خلاف وعده می‌کند. (۴)

گر دیگری را بخوانم، به خواسته‌ام توجه نمی‌کند. (۵)

گر به دیگری تکیه کنم، جا خالی می‌کند.

خدایا ممنونتم که تکیه‌گاه منی و اکرامم می‌کنی. (۶)

ممنونتم که دوستم داری در حالی که از من بی‌نیازی. (۷)

ممنونتم که آنقدر با من مدارا می‌کنی و تحویلیم می‌گیری که گویا هیچ نافرمانی و خطایی نکرده‌ام. (۸)

ممنونتم که حریم‌شکنی‌هایم را می‌بینی هنوز دوستم داری.

۱- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَجِئُنِي حِينَ اِنَادِيهِ.

۲- وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اِنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي.

۳- بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي.

۴- وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ، لَأَخْلَفَ رَجَائِي.

۵- وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ، لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي.

۶- وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَّلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي.

۷- وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي.

۸- وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي، حَتَّى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي.

ص: ۱۳۵

ممنونتم جسارت‌ها و بی‌حیائیم را می‌بینی هنوز به من عشق می‌ورزی.  
 ممنونتم حجم زشتی‌هایم را روزانه شاهدی و قطع محبت نمی‌کنی.  
 ممنونتم آداب بندگی به جا نمی‌آورم، ولی تو شأن‌خدایی را به جا می‌آوری.  
 خدای عزیز

تو همه گرفتاران را دستگیری. (۱)

تو همه امیدواران را نقطه اجابتی. (۲)

تو همه منتظران در خانه کرم و جودت را امیدی.

تو همه بی‌پناهان را پناهی.

تو همه سرخوردگان به بن بست رسیده را آغوشی.

تو همه زمین‌خوردگان از گناه را دست مهر و نوازشی.

خدای رؤوف

هر کس بخواهد به راهت قدم زند، بسیار نزدیکی. (۳)

هر کس اراده تقرب به تو کند، به پیشوازش می‌روی.

هر کس در خانه‌ات آمد بی‌دربان آماده‌ای. (۴)

خدایا

تونوری، گر در ظلمتیم، ما حجاب خودیم. (۵)

تو جوادی، گر در فقریم، ما حجاب خودیم.

تو رؤوفی، گر بیچاره‌ایم، ما حجاب خودیم.

تو لطیفی، گر به خود پیچیده‌ایم، ما حجاب خودیم.

۱- وَلِلْمَلْهُوفِينَ بِمَرْصَدِ اغَاثَةٍ.

۲- وَاعْلَمْ أَنَّكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ اجَابَةٍ.

۳- وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ.

۴- وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ.

۵- أَلَا إِنَّ تَحْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ.

ص: ۱۳۶

تو نزدیکی، گر دور و جداییم، ما حجاب خودیم.

تو مهربانی، گر مهجوریم، ما حجاب خودیم.

خدایا

من کیم؟ چه اهمیتی دارم؟ چه محلی از اعراب دارم؟

من کیم که حرفم را بشنوی؟ (۱)

من کیم که عفوم کنی؟

من کیم که در برویم بگشایی؟

من کیم که بمن نظر کنی؟

من کیم که گناهم ببخشی؟

من کیم که جرمم ببوشی؟

من کیم که افشایم نکنی؟

خدای رؤوف، در ذره بودنم این بس که من منم. (۲)

در اوج عزت و کبریائیت این بس که تو توئی. (۳)

تو در اوج عظمت، من در منتها درجه فقر و کوچکی.

خدای مهربانم

از تو به دور است که امرم کنی به التماس و اعتنائم نکنی. (۴)

از تو به دور است که در خانه‌ات مرا بیاری، در برویم باز نکنی.

از تو به دور است توفیق درک بنده بودنم، بدهی به بنده‌ات ننگری.

از تو به دور است ذکررت را بر زبانم جاری کنی و بی‌اعتنا رهایم کنی.

تو که همه عالم از عطا و بخشش زندگی می‌کنند. (۵)

تو که لحظه لحظه نیازشان را با مهر و رأفت دنبال می‌کنی.

۱- مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي.

۲- كَيْفَ ادْعُوكَ وَاَنَا اَنَا.

۳- وَكَيْفَ اقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَاَنْتَ اَنْتَ.

۴- وَاَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي اِنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعُ الْعَطِيَّةَ.

۵- وَاَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلٰى اَهْلِ مَمْلَكَتِكَ.

ص: ۱۳۷

تو که از کودکی تا به حال پرورشم دادی. (۱)

تو که نامم را بر سر زبان انداختی و بزرگم کردی. (۲)

تو که دنیايم مرهون فضل و احسان و انعام توست. (۳)

تو که وعده دادی آخرت را زیر سایه عفو و کرمت قرارم دهی. (۴)

من با این معرفت تو را شناختم.

من با این معرفت تو را دوست دارم.

خدای رؤوف

به معاصی و جرمم اذعان دارم.

به قصور و کوتاهیم اعتراف دارم.

زشتی‌هایم را بهتر از دیگران می‌دانم.

هر بار که پرونده گناهانم را از پیش چشمم می‌گذرانم، به هراس و بی‌تابی می‌افتم. (۵)

ولی هر بار که قایق ذهنم بر امواج دریای کرمت سیر می‌کند، به طمع می‌افتم. (۶)

عزیزی که شیطان با همه پلیدیش در قیامت وقتی دریا دریا آمرزشت را می‌بیند، با طمع سؤال می‌کند ممکن است مرا هم ببخشی؟

عزیزی که حجم وسیع آمرزشت در قیامت شیطان را هم به وسوسه انداخته،

به خودت قسم از شیطان پست‌تر نیستم.

اگر مرا ببخشی جلوه‌ای از رحمت و مهر توست. (۷)

اگر عذابم کنی، جلوه عدل توست و به من ستم نکرده‌ای. (۸)

۱- الهی رَبِّیْتَنی فِی نِعْمِکَ وَ اِحْسَانِکَ صَغِیراً.

۲- وَ نَوَّهْتَ بِاسْمِی کَبِیراً.

۳- فِیَا مَنْ رَبَّانِی فِی الدُّنْیَا بِاِحْسَانِهِ وَ تَفْضُلِهِ وَ نِعْمِهِ.

۴- وَ اِشَارَ لِی فِی الْاٰخِرَةِ اِلَی عَفْوِهِ وَ کَرَمِهِ.

۵- اِذَا رَايْتُ مَوْلَایْ دُنُوْبِی فَرَعْتُ.

۶- وَ اِذَا رَايْتُ کَرَمَکَ طَمَعْتُ.

۷- فَاِنْ عَفَوْتَ فَخَیْرٌ رَاجِحٌ.

۸- وَ اِنْ عَذَّبْتَ فَغَیْرُ ظَالِمٍ.

ص: ۱۳۸

خدایا ممنونم که با همه زشتیم، اجازه می‌دهی از تو بخواهم.

اجازه می‌دهی در خانه‌ات بیایم.

روا داشته‌ای از جود و کرمت بهره بگیرم.

عزیز دلم، امید دارم روز محشر در بین بندگان ناامیدم نکنی. (۱)

امید دارم آرزویم را به فضل و عفو و کرمت به باد ندهی. (۲)

امید دارم دعایم را بشنوی.

خدای ودود

تو آرزوی منی.

من رو سیاه توام. (۳)

عفو تو را به وسعت آرزوهایم از تو می‌طلبم.

به زشتی اعمالم مؤاخذه نکن.

چرا؟

کرم تو از جرم و گناه من بیشتر است. (۴)

حلم تو از مکافات اعمالم وسیع‌تر است. (۵)

من از گناهم به تو فرار کرده‌ام. (۶)

وعده اغماضت را طلب می‌کنم.

خوش گمانیم را به تو جستجو می‌کنم.

عزیز دلم

اگر دیگران به گناهم آگاه می‌شدند، حیا کرده ترک می‌کردم. (۷)

اگر از عقوبت گناهم می‌ترسیدم، گناه نمی‌کردم. (۸)

خدایا، در گناهم قصدم سبک شمردن تو نبود. (۹)

۱- وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيْبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنِيْتِي.

۲- حَقُّ رَجَائِي.

۳- يَا سَيِّدِي اَمَلِي، وَسَاءَ عَمَلِي.

۴- فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاهِ الْمُذْنِبِينَ.

۵- وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ.

۶- هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ.

۷- فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرَكَ مَا فَعَلْتَهُ.

۸- وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَأَجْتَبَيْتَهُ.

۹- لَا لِأَنَّكَ أَهْوَى النَّاطِرِينَ.





ص: ۱۳۹

قصدم ناچیز انگاشتن حریم قدست نبود.

بلکه ستاریت و پرده پوشیت مرا وسوسه کرد.

اکرام و انعام و بنده نوازیت به من جرأت داد. (۱)

به کرم، گناهم پوشیدی؛ به حلمت عقوبتم را به تأخیر انداختی. (۲)

ممنون حلمتم، با این که همه چیزم را می‌دانی. (۳)

ممنون عفوتم، با این که آن‌همه قدرت داری. (۴)

رب ودود

تو می‌دانی در نجات از عقاب قیامت تکیه‌ام بر چند روز عبادتم نیست. (۵)

در رهایی از مجازات آن‌روز، تکیه‌ام بر احسان و صدقاتم نیست.

در نجات آن‌روزم فقط به فضل و گذشت تو تکیه دارم.

در رهایی از دوزخم فقط به مغفرت و عفوتم اعتماد کردم.

گناهکاران به امید احسان تو نشسته‌اند.

حریم شکنان به امید فضل تو دلخوشند.

دوستان به امید رفاقت تو دلشادند.

ای سرچشمه خوبی، ما به زشتی خود معترفیم. (۶)

به حق زیبایی‌هایت از زشتی ما بگذر. (۷)

ما گناه کاران را از تنگنای گناهمان به وسعت رحمت نجات ده.

خدای عزیز

جودت اجازه نمی‌دهد دایره عفوتم تنگ شود.

مهرت اجازه نمی‌دهد دایره رحمت کوتاه گردد.

عطایت اجازه نمی‌دهد دایره احسانت کم شود.

بنده نوازیت اجازه نمی‌دهد دایره بخششت نقصان یابد.

۱- بَلْ لَأَنَّكَ يَا رَبَّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ.

۲- تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ، وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ.

۳- فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ.

۴- وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ.

۵- لَسْتُ أَتَكَلَّفُ فِي النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا.

۶- أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسِيئُونَ.

۷- فَتَجَاوَزْ يَا رَبَّ عَن قَبِيحِ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ.

ص: ۱۴۰

به گذشتت یقین دارم. (۱)

به فضلت مطمئنم.

به رحمت و اسعوات آگاهم.

حاشا به خلف وعده‌ات. (۲)

حاشا که آرزوهایم رد کنی.

خدای عزیز

خیلی به تو دل بسته‌ام، به تو امید بسته‌ام.

با کوله‌باری از تیرگی گناه، امید ستر دارم. (۳)

خدا خدایت می‌کنم امید جواب دارم.

گر چه مستحق رحمت نیستم. (۴)

گر چه شایسته نگاهت نیستم.

این فضل توست که گناهکاران را فرا می‌گیرد.

این جود توست که بر ما منت می‌بارد.

این تفضل توست که قلبم راه تو را می‌رود.

اکرام توست که زبانم ذکر تو را می‌گوید.

عزیز دل‌ها

همیشه به ذکر تو مشغولم کن. (۵)

از عذابت ایمنم دار. (۶)

از خشمت پناهم ده. (۷)

از بخشش‌هایت روزیم ده. (۸)

حج بیت را نصیبم کن. (۹)

زیارت قبر پیامبر گرامیت را توفیقم ده،

۱- وَقَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ.

۲- أَفْتَرَاكَ يَا رَبِّ تُخَلِّفُ ظُنُونَنَا.

۳- عَصَيْنَاكَ وَنَحْنُ نَزْجُو أَنْ تَشْتَرَّ عَلَيْنَا.

۴- وَأَنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ.

۵- اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ.

۶- وَاجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ.

۷- وَاعْذِنَا مِنْ سَخَطِكَ.

۸- وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ.

۹- وَارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ.

ص: ۱۴۱

درود و صلوات را بر حضرتش و آل بیتش نازل کن.

عمل به طاعتت را روزی ام کن. (۱)

بر دین و سنت پیامبرت مرا بمیران. (۲)

مرا و والدینم را مشمول غفرانت قرار ده. (۳)

مؤمنین و مؤمنات از زنده و اموات را بیامرز. (۴)

عاقبتمان را ختم به خیر کن. (۵)

مهمات دنیا و آخرتمان کفایت کن. (۶)

بی رحمان بر ما مسلط مکن. (۷)

نعمت‌های خوبت را از ما بگیر. (۸)

در حفظ و حصنت ما را بگیر. (۹)

از ما راضی باش، ما را راضی کن.

الحمد لله رب العالمین

مهر ۸۷

۱- وَارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ.

۲- وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

۳- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا.

۴- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ.

۵- وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ.

۶- وَاكْفِنِي مَا اهْمَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي.

۷- وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي.

۸- وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ.

۹- اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ.

ص: ۱۴۲

## مناجاتی بر گرفته از مناجات خمس عشر

## ۱. مناجات تائبین

عزیز دلم  
 گرد ذلت گناه را بر سر دارم.  
 لباس خواری معصیت را به تن دارم. (۱)  
 عرق شرم نافرمانی را به پیشانی دارم.  
 ناخلف بودن از پیمان میثاق فطرت را در پرونده سیاهم دارم.  
 گناه لباس بیچارگی به تنم کرده و از نور وجودت به دیار ظلمت نفس دورم کرده. (۲)  
 معاصی مرا از حریمت رانده و به ظلمتکده فراق و دوری تبعیدم کرده.  
 حایلی سخت و ضخیم به نام نافرمانی، مرا از درک لطافت حضورت محروم کرده.  
 قلبم را که می‌بایست جای تو باشد به سیاهچالی عمیق،  
 مزبله‌ای متعفن،  
 و لانه اغیار تبدیل کرده.  
 دلم را که می‌بایست به عشق تو زنده باشد، در سوز کشنده گناه مرده. (۳)

۱- الهی البسْتِنِي الْخَطَايَا ثَوْبَ مَذَلَّتِي.

۲- وَجَلَّلَنِي التَّبَاعُدُ مِنْكَ لِبَاسَ مَسْكَتِي.

۳- وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جِنَايَتِي.

ص: ۱۴۳

خدایا دلم را زنده کن.

آب حیات توبه بر سرزمین خشکیده دلم به باران. (۱)

و تشنه کامی قلبم را با آب توبه سیراب کن.

تویی که رگ حیات بندگان را به دست داری دل مرده‌ام را زنده کن.

اختناق گناه حیات روحم را ساقط کرده است.

امروز به توبه در خانه تو نشسته‌ام زیر درگاهت به اشک آمده‌ام.

به عزت قسم هیچ احیاکننده دلی جز تو نمی‌بینم.

هیچ آمرزشگری برای گناهم نمی‌یابم. (۲)

هیچ جبران‌کننده‌ای برای شکسته‌دلان جز تو نمی‌بینم. (۳)

با خضوع در خانه‌ات را می‌گویم. (۴)

با مسکنت و فقر به درگاهت آمده‌ام. (۵)

از همه جا رانده و مانده، دل راه خانه تو را جسته.

اگر تو هم مرا برانی به کی روی آورم؟ (۶)

اگر از آستان قدست مرا دور کنی کجا پناه آورم؟ (۷)

وای بر خجلت و شرم و بی‌نواییم. (۸)

افسوس بر پرونده سیاه و رسواییم.

دریغ بر زشتی و قصور و آلودگیم. (۹)

تو را به آمرزشگری می‌شناسم. (۱۰)

تو را به ترمیم شکستگی‌ها می‌شناسم. (۱۱)

تو را به آغوش باز و پذیرش توبه کاران می‌شناسم.

از تو می‌خواهم گناهان هلاکت بارم را امروز ببخشی. (۱۲)

۱- فَاٰخِيهِ بِتَوْبَةٍ مِّنْكَ يَا اَمَلِي وَبُعَيْتِي.

۲- فَوَعِزَّتِكَ مَا اَجِدُ لِذُنُوبِي سِوَاكَ غَافِرًا.

۳- وَلَا اَرِي لِكَسْرِي غَيْرَكَ جَابِرًا.

۴- وَقَدْ خَضَعْتُ بِالْاِيْمَانِ اِلَيْكَ.

۵- نَوْتُ بِالْاِسْتِكَاٰنَةِ لَدَيْكَ.

۶- فَاِنْ طَرَدْتَنِيْ مِنْ بَابِكَ فَيَمِّنُ الْوُدُّ.

۷- وَاِنْ رَدَدْتَنِيْ عَنْ جَنَابِكَ فَيَمِّنُ الْعُوْذُ.

۸- فَوَا اَسْفَاهُ مِنْ خَجَلْتِيْ وَافْتِضَاحِي.

۹- وَاَوْا لِهَفَاةٍ مِنْ سُوءِ عَمَلِيْ وَاجْتِرَاحِي.

۱۰- اسئلك يا غافر الذنب الكبير.

۱۱- ويا جابر العظم الكسير.

۱۲- ان تهب لي موبقات الجرائر.

ص: ۱۴۴

- رسوایی‌های نهانم را برای همیشه بپوشانی. (۱)
- در قیامت کبری از نسیم خوش عفت محرومم نکنی. (۲)
- در پیش چشم همگان در بر انگیختن از قبرها از غفرانت بی‌بهره‌ام نکنی.
- لباس گذشت و اغماضت را آن‌روز به تنم کنی. (۳)
- خدای رؤوف
- سایه‌بان رحمت را بر سرزمین دل خشکیده از گناهم بر پا کن. (۴)
- ابر رأفت را بر ننگ و عیب از اعمالم بفرست. (۵)
- بنده فراری جز در خانه آقا و مولایش کجا رود؟ (۶)
- من بی‌نوا که گناه فراریم داده، جز در خانه تو به کجا برگردم؟
- کیست که مرا از خشم و سخط تو پناه دهد؟ (۷)
- خدای عزیز
- اگر تنها راه پشیمانی از گناه فقط توبه است، به عزت قسم من توبه کردم. (۸)
- اگر استغفار از نافرمانی، وسیله سبک شدن از گناه است، به عزت قسم من از مستغفرینم. (۹)
- حق با توست که مرا سرزنش کنی. (۱۰)
- حق با توست که مرا شرمنده کنی.
- حق با توست که نگاهم نکنی.
- حق با توست که زشتی‌هایم را یادم آری.
- حق با توست که توبه‌ام نپذیری.
- حق با توست که از در خانه‌ات مرا برانی.

- ۱- وَتَشْتَرُ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ.
- ۲- وَلَا تُخْلِنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ مِنْ بَوْدِ عَفْوِكَ وَعَفْرِكَ.
- ۳- وَلَا تُعْرِنِي مِنْ جَمِيلِ صَفْحِكَ وَسِتْرِكَ.
- ۴- اَللّٰهُ ظَلَّلْ عَلَيَّ ذُنُوبِيْ غَمَامَ رَحْمَتِكَ.
- ۵- وَارْسِلْ عَلَيَّ عُيُوبِيْ سَحَابَ رَأْفَتِكَ.
- ۶- اَللّٰهُ هَلْ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْاَبْقُ الْاِلَى مَوْلَاةً.
- ۷- اَمْ هَلْ يَجِيْرُهُ مِنْ سَخَطِهِ اَحَدٌ سِوَاةً.
- ۸- اَللّٰهُ اِنْ كَانَ النَّدَمُ عَلَيَّ الدَّنْبِ تَوْبَةً فَانِّي وَعِزَّتِكَ مِنَ النَّادِمِيْنَ.
- ۹- وَانْ كَانَ الْاِسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيْئَةِ حِطَّةً فَانِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِيْنَ.
- ۱۰- لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى.



ص: ۱۴۵

خدایا به قدرت و سلطه‌ای که بر من ناچیز داری توبه‌ام را بپذیر. (۱)

با حلمت از من بگذر. (۲)

با علم و اسعادت بر من مدارا کن. (۳)

خدای عزیز

تویی که در مبارکی را به روی بندگانت باز کردی و آن را توبه نامیدی. (۴)

تویی که در قرآن امر کردی تُوْبُوا إِلَى اللَّهِ توبه نصوح کنید و به خدا برگردید. (۵)

هیچ عذری باقی نگذاشتی برای بندگانت که از این باب آمرزش غفلت کنند. (۶)

حجت را تمام کردی بر معصیت کاران که گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب‌خانه چیست؟

خدای رؤوف

اگر نافرمانی از بنده‌ات ناپسند است، عفو و اغماض از تو پسندیده است. (۷)

ای که بیچارگان را دست می‌گیری.

ای که به اسرار آگاهی.

ای که خوب پرده‌پوشی می‌کنی.

ای که بر و نیکی همه از توست.

به جود و کرمت شفاعتت را می‌جویم.

۱- الهی بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ تُب عَلَيَّ.

۲- وَبِحِلْمِكَ عَنِّي اغْفُ عَنِّي.

۳- وَبِعِلْمِكَ بِي اَرْفَقْ بِي.

۴- الهی اَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا اِلَى عَفْوِكَ، سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ.

۵- فَقُلْتَ تُوْبُوا اِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نُّصُوْحًا.

۶- فَمَا عَذْرُ مَنْ اغْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ.

۷- الهی اِنْ كَانَ قَبْحَ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ، فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ.

ص: ۱۴۶

به قدس و پاکیت تو سل جسته‌ام.

سر به آستان تو می‌سایم.

دعایم را زمین مگذار. (۱)

امیدم را بی‌پاسخ مگذار. (۲)

توبه‌ام را قبول کن. (۳)

خطاهایم را نادیده گیر. (۴)

## ۲. مناجات شاکرین

خدایا به تو شکایت می‌کنم از نفسم که در اشغال شیطان درآمده. (۵)

شیطان در اتاق فرماندهی نفسم به امر و نهی نشسته.

نفسم را به گناه و نافرمانی تشویق و ترغیب می‌کند. (۶)

گناه را در چشم‌انداز نفسم شیرین و لذت‌بخش جلوه می‌دهد.

نفسم چون طفلی حریص به دنبال لذت آنی به سر می‌دود.

از عواقب زشت نافرمانی حضرتت غافل و بی‌خبر است.

نفسم بی‌توجه به خشم و سخط تو یارب چهار اسبه می‌تازد. (۷)

جاده هلاکت را در پیش گرفته و بی‌مهابا می‌رود. (۸)

نفسم با سرکشی‌اش مرا نزد تو خوار و بی‌مقدار کرده، بی‌آبرویم کرده، (۹) با آرزوهای دراز، با بهانه‌جویی طعم شیرین بندگیت را

از من گرفته است.

۱- فَاسْتَجِبْ دُعَائِي.

۲- وَلَا تُخَيِّبْ فِيكَ رَجَائِي.

۳- تَقَبَّلْ تَوْبَتِي.

۴- وَكَفِّرْ خَطِيئَتِي بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ.

۵- اَللّٰهُمَّ اَلَيْكَ اَشْكُوْ نَفْسًا بِالسُّوْءِ اَمَّارَةً.

۶- وَاَلِي الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً.

۷- وَلسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً.

۸- تَسْلُكُ بِي مَسَالِكِ الْمَهَالِكِ.

۹- وَتَجْعَلُنِي عِنْدَكَ اَهْوَنَ هَالِكٍ، كَثِيْرَةً.

ص: ۱۴۷

خدای عزیز

- نفسم چون کودکی به بازی میل دارد، چون نوجوانی به سرگرمی خوش است. (۱)
- فضای نفسم را غفلت و فراموشی فرا گرفته. (۲)
- غافلانه به گناه و نافرمانیت اقدام می‌کند. (۳)
- در برخورد با توبه، نفسم امروز و فردا می‌کند. (۴)
- تسامح و تساهل را در پیش گرفته.
- هوای آسمانی شدن ندارد.
- هوس زمینی و زمین گیر شدن دارد.
- شیطان اجازه یک تصمیم قاطع بر ترک معاصیت را به او نمی‌دهد.
- شیطان دوست دارد نفسم چراگاه امیال و آرزوهای او باشد.
- شیطان اجازه نمی‌دهد تقوی و خدا محوری و ترس و خشیت تو بر نفسم سایه اندازد.
- خدایا، از این دشمن قسم خورده که به گمراهیم می‌کشد، به تو شکایت می‌کنم. (۵)
- خدایا از شیطان اغواگری که نقشه‌هایش برای ساقط کردن من است به تو شکایت می‌کنم. (۶)
- سینه‌ام را از وسوسه پر کرده. (۷)
- قلبم را از فکر گناه و نقشه نافرمانیت محاصره کرده. (۸)
- مرا بر موج هوس سوار کرده و دور عقلم پرده غفلت کشیده. (۹)

۱- مَيَالَهُ إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ.

۲- مَمْلُوءَهُ بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ.

۳- تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ.

۴- وَتُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ.

۵- اَللهِي اَشْكُو اِلَيْكَ عَدُوًّا يَضِلُّنِي.

۶- وَشَيْطَانًا يَغْوِينِي.

۷- قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِي.

۸- وَاحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي.

۹- يَعْاضِدُ لِي الْهَوَى.

ص: ۱۴۸

عشق به دنیا و لذات آنی آن را در قلبم زینت داده. (۱)

بین من و اطاعت ذات اقدس حایل و حجاب شده. (۲)

خدای رؤوف

از قلب پر وسوسه‌ای که با گناه چون سنگ سخت شده به تو شکایت می‌کنم. (۳)

از قلب تیره و زنگار گرفته‌ام که از پذیرش انوار جلال و جمال تو عاجز است، شکایت می‌کنم. (۴)

از چشمی که از خوف تو اشک نریزد، به تو شکایت می‌کنم. (۵)

از چشمی که به هر چه خوشش آید نظر افکند، به تو شکایت می‌کنم. (۶)

خدایا هیچ قدرتی در عالم جز تو نمی‌شناسم. (۷)

هیچ دست نجاتی از بدی‌های دنیا جز دست نگهدارنده تو نمی‌شناسم. (۸)

در اوج سختی‌ها و ابتلائات دنیا که چالش‌هایش ایمانم را آسیب می‌زنند، تو را می‌خواهم.

در میان امواج فتنه شیاطین برای جهنمی شدنم فقط لطف تو را می‌طلبم.

خدای رؤوف

به حکمت بالغهات و مشیت نافذات از تو می‌خواهم مرا گدای در خانه دیگران قرار ندهی. (۹)

از تو می‌خواهم مرا آماج تیر فتنه‌ها قرار ندهی. (۱۰)

۱- وَیَزِينُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا.

۲- وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ الطَّاعَةِ وَالزُّلْفَى.

۳- اَللّٰهُمَّ اَشْكُوْ قَلْبًا قَاسِيًا مَّعَ الْوَسْوَاسِ الْمُتَقَلِّبِ.

۴- وَبِالزَّيْنِ وَالطَّنِيْعِ مُتَلَبِّسًا.

۵- وَعَيْنًا عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ جَامِدَةً.

۶- وَ اَلِي مَا تَسْرُّهَا طَامِحَةً.

۷- اَللّٰهُمَّ لَا حَوْلَ لِيْ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِقُدْرَتِكَ.

۸- وَلَا نَجَاةَ لِيْ مِنْ مَّكَارِهِ الدُّنْيَا اِلَّا بِعِصْمَتِكَ.

۹- فَاسْئَلُكَ بِبَلَاغَةِ حِكْمَتِكَ، وَنَفَاذِ مَشِيَّتِكَ، اَنْ لَا تَجْعَلَنِيْ لِعَيْرِ جُودِكَ مُتَعَرِّضًا.

۱۰- وَلَا تُصَيِّرْنِيْ لِلْفِتَنِ غَرَضًا.

ص: ۱۴۹

- از تو می‌خواهم مرا بر دشمنانم پیروز و یآوری کنی. (۱)
- از تو می‌خواهم عیب و نقصم را از چشم دیگران پوشانی. (۲)
- از تو می‌خواهم از لغزش گناه و نافرمانی حفظم کنی. (۳)

### ۳. مناجات خائفین

خدای رؤوف

ای منبع جود و کرم.

ای قبله‌گاه راستین عشق.

ای معدن وفا و مهر.

بند توام، با دلی مملو از امید.

عبد توام، با قلبی مملو از خشیت و خوف.

با چشم امیدم به کرم و عفو تو دارم.

با چشم خوف به زشتی و گناهم نگرانم.

عزیز من

مگر ممکن است بعد از آن که به تو ایمان آوردم، عذابم کنی؟ (۴)

مگر ممکن است بعد از آن که قلبم مملو از عشق تو گردید، از خودت دورم کنی؟ (۵)

مگر ممکن است بعد از آن که به رحمت و گذشتت امید بستم، محرومم کنی؟ (۶)

مگر ممکن است بعد از آن که به دامن عفو تو پناه آوردم، دست از من برداری؟ (۷)

۱- وَكُنْ لِي عَلَى الْأَعْدَاءِ ناصِراً.

۲- وَعَلَى الْمَخَازِي وَالْغُيُوبِ سائِراً.

۳- وَعَنِ الْمَعَاصِي عاصِماً بِرَأْفَتِكَ.

۴- اَللّٰهُ اَتْرَاكَ بَعْدَ الْاِيْمَانِ بِكَ تُعَذِّبُنِي.

۵- اِم بَعْدَ حُبِّي اِيَاكَ تُبَعِّدُنِي.

۶- اِم مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ وَصَفْحِكَ تَحْرِمُنِي.

۷- اِم مَعَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ تُسَلِّمُنِي.

ص: ۱۵۰

از تو به دور است با آن روی کریمانهات که ناامید از در خانهات برگردم. (۱)

کاش می‌دانستم اسم مرا در زمره سعادت‌مندان در گاهت قرار داده‌ای؟ (۲)

کاش می‌دانستم در جوار قربت جایگاه ویژه‌ای برایم لحاظ کرده‌ای؟ (۳)

کاش می‌دانستم که آیا مرا پذیرفته‌ای تا دلم شاد و چشمم روشن شود؟ (۴)

خدای عزیز

آیا چهره‌ای که برای عظمت تو به خاک ذلت افتاده، در قیامت سیاه محشورش می‌کنی؟ (۵)

آیا زبانی که به حمد و ثنا و مجد و جلالت گویا بوده، در قیامت لالش می‌کنی؟ (۶)

آیا قلبی را که در محبت و عشقت به خود بالیده، در قیامت مهر مردودی می‌زنی؟ (۷)

آیا گوشی را که از شنیدن نام تو لذت برده، در قیامت کر می‌کنی؟ (۸)

آیا دست‌هایی را که آرزومندان و پرامید به سوی تو دراز شده، در قیامت به غل و زنجیر می‌کشی؟ (۹)

آیا بدن‌هایی را که عمری طاعت و بندگی تو کرده‌اند و در عبادت تو لاغر شده‌اند، در قیامت مجازات می‌کنی؟ (۱۰)

آیا پاهایی را که در بندگی تو پر تلاش بوده‌اند در قیامت هیزم

۱- حاشا لَوْجِهَيْكَ الْكَرِيمِ اِنْ تُخَيَّبِنِي.

۲- لَيْتَنِي عَلِمْتُ مِنْ اَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي.

۳- بِقُرْبِكَ وَجِوَارِكَ خَصَّصْتَنِي.

۴- فَتَقَرَّرْ بِذَلِكَ عَيْنِي، وَتَطْمِئِنَّ لَهُ نَفْسِي.

۵- اَللّٰهُ هَلْ تُسَوِّدُ وُجُوهاً خَرَّتْ سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ.

۶- اَوْ تُخْرِسُ السِّنَّةَ نَطَقَتْ بِالشَّائِءِ عَلٰى مَجْدِكَ وَجَلالَتِكَ.

۷- اَوْ تَطْبَعُ عَلٰى قُلُوْبِ اَنْطَوْتُ عَلٰى مَحَبَّتِكَ.

۸- اَوْ تُصِمُّ اَسْمَاعًا تَلَذَّذْتُ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ فِى ارادَتِكَ.

۹- اَوْ تَغْلُ اَكْفًا رَفَعْتَهَا اَلْاَمالُ اِلَيْكَ رَجاءً رَأْفَتِكَ.

۱۰- اَوْ تُعاقِبُ اِبْدانًا عَمِلَتْ بِطاعَتِكَ حَتّٰى نَحِلْتُ فِى مُجاهدَتِكَ.

ص: ۱۵۱

دوزخ می‌کنی؟ (۱)

خدای مهربانم

درهای رحمت را بر بندگان یکتاپرست مبنده. (۲)

جمال زیبایت را از منظر دیده دل مشتاقان میوشان. (۳)

بارالها عبدی را که به توحیدت عزیزش داشته‌ای، چگونه به هجرانت ذلیل و خوارش می‌کنی؟ (۴)

دلی را که پیمان عشق و دوستی با تو بسته، چگونه به آتش سوزانت می‌گدازی؟ (۵)

خدایا

مرا از غضب دردناک و خشم آخرت سوزت پناه ده. (۶)

مرا از آتش عذابت به حق رحمت نجات بخش. (۷)

مرا از رسوایی ننگ‌آور روز قیامت نجاتم ده. (۸)

روزی که صالحان را از اشرار جدا می‌کنی اگر مرا جزو اشرار و معاندان قرار دهی، چه کنم؟

روزی که مؤمنان لبخندزنان جشن نجات و رستگاری را در جوار رحمتت به پا می‌کنند، من محروم چه کنم؟

روزی که متقین جشن ورود به بهشتشان را در محضر امیرالمؤمنین اقامه می‌کنند، حسرت زده من چه کنم؟

روزی که تبریک و شادباش بهشتیان را به وصال جوار قربت مشاهده کنم، من خسارت زده چه کنم؟

روزی که شیعیان واقعی از حوض کوثر رسالت با دست مبارک امیرالمؤمنین سیراب شوند، من تشنه لب چه کنم؟

۱- اَوْ تُعَذِّبُ ارْجُلًا سَعَتْ فِي عِبَادَتِكَ.

۲- اَللّٰهِي لَا تُغْلِقْ عَلَيَّ مُوَحِّدِكَ ابْوَابَ رَحْمَتِكَ.

۳- وَلَا تَحْجِبْ مُشْتَاقِيكَ عَنِ النَّظْرِ اِلَى جَمِيْلِ رُؤْيَتِكَ.

۴- اَللّٰهِي نَفْسٌ اَعَزَّتْهَا بِتَوْحِيدِكَ كَيْفَ تُدَلِّئُهَا بِمَهَانَةٍ هِجْرَانِكَ.

۵- وَصَمِيْرٌ اَنْعَقَدَ عَلَيَّ مَوَدَّتِكَ، كَيْفَ تُحْرِقُهُ بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ.

۶- اَللّٰهِي اجْزِنِيْ مِنْ اَلْيَمِ غَضَبِكَ.

۷- نَجِّنِيْ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ.

۸- وَفَضِيْحَةُ الْعَارِ اِذَا اِمْتَاَزَ الْاٰخِيَارُ مِنَ الْاَشْرَارِ.

ص: ۱۵۲

روزی که کشان کشان مرا به دوزخم برند و آشنایان و اقربای صالحم به نظاره‌ام باشند، آن روسیاهی را چه کنم؟  
 روزی که دوستانم در اثرپذیری از نصایحم به بهشت روند و مرا به جرمِ عالمِ بی‌عمل به جهنم برند، از خسارت آن روز چه خاکی به سر کنم؟

#### ۴. مناجات راجین

خدای مهربانم

من غرق نیازم.

تو بحر نوازی.

من دست درازم.

تو نقد سخایی.

من عبد گدایم.

تو مشفق راهی.

چه خواسته‌ام که به من نداده‌ای؟ (۱)

کدامین حاجتم را زمین گذاشته‌ای؟

تو فراتر از خواسته‌هایم وقتی نمی‌دانستم چه بخواهم، تو مصلحت دیدی و به من دادی.

آرزوهایم را در پهنه گسترده مصالحم برآورده کردی. (۲)

هرگاه قدمی به سوی تو برداشتم، مقربم کردی و به من نزدیک شدی. (۳)

هرگاه حریم شکن شدم و به عصیان افتادم، آلودگیم را پرده‌پوشی کردی. (۴)

۱- یا مَنْ اِذَا سَأَلَهُ عِنْدَ اعْطَاءٍ.

۲- وَاِذَا اَمَّلَ مَا عِنْدَهُ بَلَّغَهُ، مُنَاً.

۳- وَاِذَا اَقْبَلَ عَلَيْهِ قَرَبَهُ وَاذْنَاهُ.

۴- وَاِذَا جَاهَرَهُ بِالْعِصْيَانِ سَتَرَ عَلَيَّ ذَنْبِهِ وَغَطَّاهُ.



ص: ۱۵۳

- هر گاه به تو توکل کردم، کفایتم کردی. (۱)
- هیچ گاه عزتت را خرج انتقام از من ناچیز نکردی.  
خدای عزیز
- کیست که درخواست میهمانی سر سفره‌ات را داشت، مهمان نوازش نکردی؟ (۲)
- کیست که به گدایی در خانه تو آمد و در احسان به رویش باز نکردی؟ (۳)
- من امروز آمده‌ام! می‌پسندی ناامید برگردم؟ (۴)
- می‌پسندی دست خالی از درت برگردم.  
می‌پسندی شماتت اغیار را بشنوم.
- هیچ کس را به احسان و لطف جز تو نمی‌شناسم. (۵)
- همه خیر و خوبی‌ها به ید قدرت توست، چگونه به غیر تو امید بندم؟ (۶)
- چشم آرزویم به باب کرم توست، چگونه گداییم را پیش گدایان برم؟ (۷)
- بی‌التماس هر چه خواسته‌ام به من داده‌ای، امروز چگونه چشم امید از تو بردارم. (۸)
- چگونه به گدایی مثل خودم پاسم دهی در حالی که به دست آویز رحمت چنگ زده‌ام. (۹)
- ای عزیزی که هر کس در خانه‌ات آمد خوشبخت شد. (۱۰)
- ای رؤوفی که توبه‌کاران را از تازیانه مکافات و عقوبت معاف کردی. (۱۱)

- ۱- وَإِذَا تَوَكَّلَ عَلَيْهِ أَحْسَبَهُ وَكَفَاهُ.
- ۲- اَللّٰهُ مِنَ الَّذِي نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِسًا قِرَاكَ فَمَا قَرَيْتَهُ.
- ۳- وَمَنِ الَّذِي اَنَاخَ بِبَابِكَ مُرْتَجِيًا نِدَاكَ فَمَا اَوْلَيْتَهُ.
- ۴- اِيْحْسُنْ اِنْ اُرْجِعْ عَنِّ بَابِكَ بِالْخَيْبَةِ مَضْرُوفًا.
- ۵- وَلَشْتُ اَعْرِفُ سِوَاكَ مَوْلِيَّ بِالْاِحْسَانِ مَوْصُوفًا.
- ۶- كَيْفَ اُرْجُو غَيْرَكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ.
- ۷- وَكَيْفَ اَوْمَلُ سِوَاكَ وَالْخَلْقُ وَالْاَمْرُ لَكَ.
- ۸- اَقْطَعْ رَجَائِي مِنْكَ وَقَدْ اَوْلَيْتَنِي مَا لَمْ اَسْئَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ.
- ۹- اَمْ تُفْقِرُنِي اِلَى مِثْلِي وَاَنَا اَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ.
- ۱۰- اَمِنْ سَعَدَ بِرَحْمَتِهِ الْقَاصِدُونَ.
- ۱۱- وَلَمْ يَشَقَّ بِنَقْمَتِهِ الْمُسْتَعْفِرُونَ.

ص: ۱۵۴

- ای ودودی که گنه کاران دل شکسته را از شقاوت و بدبختی رها کردی.  
 چطور ممکن است فراموش کنم، یادت همیشه در ذهن من است. (۱)  
 چگونه دلم در گرو دیگری نهم و حال آن که لحظه لحظه مراقب منی. (۲)  
 دستم به دامان کرمت آویخته است. (۳)  
 دامن آرزوهایم در انتظار عطا و بخشش توست. (۴)  
 عزیز دلم به اخلاص توحیدیت خالصم کن. (۵)  
 در زمره بندگان خوبت قرارم ده. (۶)  
 ای عزیزی که فراریان به تو پناه می آورند. (۷)  
 ای رؤوفی که هر مجرمی در خانه تو را می کوبد. (۸)  
 ای پناهی که طریق نجات به خانه تو منتهی می شود.  
 ای رحیمی که در خانه کرمت را همه می کوبند.  
 ای رحمانی که هیچ سائلی از در خانهات دست خالی نرفت. (۹)  
 ای ودودی که هیچ آرزومندی ناامید برنگشت. (۱۰)  
 ای خدایی که در خانهات همیشه به روی بندگان باز است. (۱۱)  
 ای کریمی که بی حجاب و مانع، بی دربان و حاجب، همه را به حضور می پذیری. (۱۲)  
 به کرم و اسعادت بر من منت نه، عطایی به من ده که روشنی چشمم شود. (۱۳)  
 بر من منت نه، قلبم را به رضامندیت مطمئن کن. (۱۴)

- ۱- كَيْفَ اُنْسِيكَ وَلَمْ تَزَلْ ذَاكِرِي.
- ۲- وَكَيْفَ الْهُوَ عَنكَ وَاَنْتَ مُرَاقِبِي.
- ۳- اَلِهِي بِذَيْلِ كَرَمِكَ اَعْلَقْتُ يَدِي.
- ۴- وَلَيْلِ عَطَايَاكَ بَسَطْتُ اَمْلِي.
- ۵- فَاخْلِصْنِي بِخَالِصَهٗ تَوْحِيدِكَ.
- ۶- وَاَجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَهٗ عِبِيدِكَ.
- ۷- يَا مَنْ كُلُّ هَارِبٍ اِلَيْهِ يَلْتَجِي.
- ۸- وَكُلُّ طَالِبٍ اِيَّاهُ يَرْتَجِي.
- ۹- وَيَا مَنْ لَا يَرُدُّ سَاْئِلُهُ.
- ۱۰- وَلَا يَخِيْبُ اَمْلُهُ.
- ۱۱- يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ.
- ۱۲- وَحِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ.
- ۱۳- اَسْئَلُكَ بِكَرَمِكَ اِنْ تَمَنَّ عَلَيَّ مِنْ عَطَايِكَ بِمَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنِي.

۱۴- وَمِنْ رَجَائِكَ بِمَا تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسِي.

ص: ۱۵۵

بر من منت نه، یقینی به من عطا کن که همه سختی‌های دنیا برایم آسان شود. (۱)  
 بر من منت نه، تمام پرده‌های کوری از رحمتت را از مقابل دیدگانم برطرف کن. (۲)  
 بر من منت نه، آن گونه‌ام کن که از من راضی شوی.

## ۵. مناجات راغبین

خدای ودود

بنده‌ای در طریقِ وصالِ توست.

مسافرِ ابدیت، رهسپارِ کویِ توست.

توشه‌اش کم، راهش طولانی است.

امید من، اگر آذوقه‌ راهم کم است، حسن‌ظن و خوش‌گمانی و توکلم به تو زیاد است. (۳)

اگر جرم و خطایم دغدغه‌ عقوبتت را در من زنده کرده، امیدم به لطف و کرمت آرامش خیالم بخشیده است. (۴)

اگر گناهام مرا در تیررس مجازاتت قرار داده، ولی حسن‌اعتماد مرا به پاداش خیرت می‌کشاند. (۵)

اگر حجاب‌های غفلت مرا از آمادگی دیدارت عقب انداخته، ولی شناختی که به دریای کرمت دارم مرا از خواب بیدار کرده است.

(۶)

اگر کثرت طغیان و گناهام مرا به وحشت و اضطراب انداخته، ولی نسیم خوش‌بشارت مغفرت و رضوانت مرا آسایش داده است.

(۷)

خدای عزیز

۱- وَمِنَ الْيَقِينِ بِمَا تُهَوُّنُ بِهِ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا.

۲- وَتَجَلُّوْا بِهِ عَنِّ بِصِيْرَتِي غَشَوَاتِ الْعَمَى.

۳- الْهَى اِنْ كَانَ قَلَّ زَادِي فِي الْمَسِيْرِ اِلَيْكَ، فَلَقَدْ حَسَنَ ظَنِّي بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ.

۴- وَاِنْ كَانَ جُرْمِي قَدْ اَخَافَنِي مِنْ عِقُوْبَتِكَ، فَاَنْ رَجَاْنِي قَدْ اَشْعَرَنِي بِالْاَمْنِ مِنَ نِقْمَتِكَ.

۵- وَاِنْ كَانَ ذَنْبِي قَدْ عَرَضَنِي لِعِقَابِكَ فَقَدْ اَذْنَنِي حُسْنُ ثِقَتِي بِثَوَابِكَ.

۶- وَاِنْ اَنَا مَتْنِي الْعُقْلَةَ عَنِ الْاَسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ، فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِكَ، وَالْاِيْكَ.

۷- وَاِنْ اَوْحَشَ مَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَرَطُ الْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ، فَقَدْ اَنْسَنِي بُشْرَى الْعُفْرَانِ وَالرِّضْوَانِ.

ص: ۱۵۶

به اشراق جمالت، به انوار پاک بی‌مثالت، به امواج عواطف و مهربانیت و لطایف نیکی و احسانت از تو می‌خواهم گمانی را که به پاداش‌های خیرت و هدیه‌های زیباییت در مقام قرب و جوارت دارم محقق فرمایی. (۱)

به عملم نگاه نکن به حسن ظنم بنگر.

به زشتی‌ام ننگر به دل پر امیدم بنگر.

من با عدم لیاقتم خود را در معرض نسیم لطف و عنایت قرار داده‌ام.

از تو باران جود و لطف را در سرزمین خشکیده دلم می‌طلبم. (۲)

از خشم و سخطت به آغوش مهر و رضایت فرار می‌کنم. (۳)

از تو، به سوی تو می‌گریزم. (۴)

پناهی جز تو ندارم.

ملجأم تویی.

خانه‌ام تویی.

امیدم تویی.

خدایم تویی.

رفیقم تویی.

دلسوزم تویی.

مولایم تویی.

به بهترین‌های نزد تو امید بسته‌ام. (۵)

به هدایایی که به خوبانت می‌دهی، چشم دوخته‌ام. (۶)

به اکرام‌هایی که نیمه شب به خاصان در گاهت می‌دهی، طمع بسته‌ام.

۱- اَسْئَلُكَ بِسُبْحَاتِ وَجْهِكَ، وَبِانْوَارِ قُدْسِكَ، وَابْتِهَالِ إِلَيْكَ بِعَوَاطِفِ رَحْمَتِكَ، وَلَطَائِفِ بَرِّكَ، أَنْ تُحَقِّقَ ظَنِّي بِمَا أَوْمَلُهُ مِنْ جَزِيلِ الْكِرَامِكِ

۲- وَمُنْتَجِعُ غَيْثَ جُودِكَ وَلُطْفِكَ.

۳- فَأَرْؤُ مِنْ سَخَطِكَ إِلَى رِضَاكَ.

۴- هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ.

۵- رَاجِ احْسَنْ مَا لَدَيْكَ.

۶- مُعَوِّلٌ عَلَى مَوَاهِبِكَ.

ص: ۱۵۷

به انعام‌هایی که به صالحین در آخرت وعده داده‌ای، امید دارم.  
به نگاه و کلام و سلام روز قیامت، به شایستگان عرصه آنروز دل بسته‌ام.

به بنده نوازیت نیازمندم. (۱)

به دستگیریت محتاجم.

به اغماضت دل بسته‌ام.

خدای عزیز

قبل از چشم باز کردنم با فضلت آشنا و مأنوسم. (۲)

تا بعد از چشم بستنم از دنیا، فضلت را می‌جویم.

بخشش‌های بیکرانی که به من عنایت کرده‌ای، از من بگیر. (۳)

آنچه از عیوبم که پرده پوشی کرده‌ای، افشا مکن. (۴)

آنچه از زشتی‌هایم را که جز تو کسی آگاه نیست، بیامرز. (۵)

خدای رؤوف

به اذن شفاعت سخت محتاجم. (۶)

از قهرت به لطف پناه آورده‌ام. (۷)

در خانه احسانت را با دست طمع می‌کویم. (۸)

به فضل و بخشش‌هایت دل بسته‌ام. (۹)

باران رحمت را می‌طلبم. (۱۰)

ابر پر بار لطفت را می‌جویم. (۱۱)

رضایت را می‌خواهم.

۱- مُفْتَقِرٌ اِلَى رِعَايَتِكَ.

۲- اَللّٰهُ مَا بَدَأَتْ بِهٖ مِنْ فَضْلِكَ فَتَمِّمُهٗ.

۳- وَمَا وَهَبْتَ لِيْ مِنْ كَرَمِكَ فَلَا تَسْلُبُهٗ.

۴- وَمَا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ بِحِلْمِكَ فَلَا تَهْتِكُهٗ.

۵- وَمَا عَلَّمْتَهُ مِنْ قَبِيْحٍ فِعْلِيْ فَاغْفِرُهٗ.

۶- اَللّٰهُ اسْتَشْفَعْتُ بِكَ اِلَيْكَ.

۷- وَاسْتَجِرْتُ بِكَ مِنْكَ.

۸- اَتَيْتُكَ طَامِعًا فِىْ اِحْسَانِكَ.

۹- رَاغِبًا فِىْ اِمْتِنَانِكَ.

۱۰- مُسْتَشْقِيًّا وَاِبِلَ طَوْلِكَ.

۱۱- مُسْتَمْطِرًا غَمَامَ فَضْلِكَ.



ص: ۱۵۸

- رہسپار کوی پر جود توام. (۱)
- بر سفره اکرامت واردم. (۲)
- به خیر و برکات درخشان ملتسم. (۳)
- روی کریم و دست نوازشگرت را مریدم. (۴)
- درِ خانهات را می‌کوبم. (۵)
- گدای کوی عظمت و جلال توام. (۶)
- با من آن معامله کن از مغفرت و رحمت که شایسته توست. (۷)
- نه آن که من اهل آنم. (۸)

### ۶. مناجات شاکرین

خدای رؤوف

- پیوستگی نعمت‌هایت مرا از شکرگزاریت غافل کرد. (۹)
- ریزش دائمی فضلت مرا از شمارش حمد و ثنایت عاجز کرد. (۱۰)
- توالی برکات نازل شدهات مرا از ذکر سپاس‌هایت باز داشت. (۱۱)
- نعمت‌های پیاپی تو مرا از بیان احسان و انعام خسته کرد. (۱۲)
- این مقام و جایگاه بنده‌ای است که به کثرت نعمت‌های تو و قصور و کوتاهی خودش اعتراف دارد. (۱۳)
- به سهل‌انگاری و ضایع کردن نعمت‌هایت به خودش بصیر و شاهد است. (۱۴)

خدای رؤوف

- ۱- طَالِباً مَرْضَاتِكَ، قاصِداً جَنَابِكَ.
- ۲- وَاِرداً شَرِيعَةً رَفِیدَكَ.
- ۳- مُلْتَمِساَ سِنِيَّ الْخَيْرَاتِ مِنْ عِنْدِكَ.
- ۴- مُرِيداً وَجْهَكَ.
- ۵- طَارِقاً بِابِكَ.
- ۶- مُسْتَكِيناً لِعَظَمَتِكَ وَجَلالِكَ.
- ۷- فَاَفْعَلْ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ.
- ۸- وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا اَنَا اَهْلُهُ مِنَ الْعَذَابِ وَالنَّقْمَةِ.
- ۹- اَللّٰهُ اِذْهَلَنِي عَنْ اِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابِعَ طَوْلِكَ.
- ۱۰- وَاعْجَزَنِي عَنْ احْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيَضُ فَضْلِكَ.
- ۱۱- وَشَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحامِدِكَ تَرادُفُ عَوَائِدِكَ.



۱۲- وَأَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَيَادِيكَ.

۱۳- وَهَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ.

۱۴- وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ.

ص: ۱۵۹

- این تویی خدای رؤوف و رحیم و کریم و با احسان که از در خانه‌ات کسی ناامید برنگشت. (۱)
- آرزومندان به احسانت هرگز از آستان قدست رانده نشدند. (۲)
- امیدواران بار امید در خانه تو می‌نهند. (۳)
- چشم به راهان در آستان کرمت به انتظار ایستاده‌اند. (۴)
- امیدمان را با یأس و نومیدی پاسخ مگو. (۵)
- لباس یأس و سرافکنندگی را به تمنان مپوش. (۶)
- خدای مهربانم
- شکر و سپاسم در برابر عظمت نعمت‌هایت ناچیز است. (۷)
- حمد و ثنایم در برابر اکرام و پذیراییت ناقابل است. (۸)
- الطاف خیر تو بر سرم خیمه‌ای از عزت به پا کرده. (۹)
- اعطاء نعمت‌هایی که بر من منت گذاشته‌ای چون گردنبندی زیبا برگردنم هرگز باز نمی‌شود. (۱۰)
- احسان و برکات تو چون طوقی بر گردن من افتاده که هرگز شکسته نشود. (۱۱)
- نعمت‌هایت آن‌چنان انبوه است که زبان از عهده شمارشش بر نیاید. (۱۲)
- فهم و ادراک من کوچک‌تر از دریافت فزونی نعمت‌های توست تا چه رسد به دریافت جزء جزء آن‌ها. (۱۳)
- من کجا و شکر این همه نعمت‌ها!! (۱۴)
- من کجا و سپاس این همه اکرام‌ها!!

- ۱- وَأَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ الْبَرُّ الْكَرِيمُ، الَّذِي يَخِيبُ قاصِدِيهِ.
- ۲- وَلَا يَطْرُدُ عَنْ فَنَائِهِ اِمْلِيهِ.
- ۳- بِسَاحَتِكَ تَحُطُّ رِحَالُ الرَّاجِيْنَ.
- ۴- وَبِعِزَّتِكَ تَقِفُ اِمَالُ الْمُسْتَرْفِدِيْنَ.
- ۵- فَلَا تُقَابِلُ اِمَالَنَا بِالْتَّخِيْبِ وَالْاِياسِ.
- ۶- وَلَا تَلْبِسْنَا سِرْبَالَ الْقُنُوْطِ وَالْاِيْلَاسِ.
- ۷- اَلْهِيَ تَصَاغِرْ عِنْدَ تَعَاظِمِ الْاِيْكَ شُكْرِيْ.
- ۸- وَتَضَاعِلْ فِيْ جَنْبِ اِكْرَامِكَ اِيَّايْ ثَنَائِيْ وَنَشْرِيْ.
- ۹- وَضَرَبْتَ عَلَيَّ لَطَائِفُ بَرَكَ مِنْ الْعِزِّ كَلِّمَا.
- ۱۰- وَقَلَّدْتَنِيْ مِنْكَ قَلَائِدَ لَا تُحْلُ.
- ۱۱- وَطَوَّقْتَنِيْ اَطْوَاقًا لَا تُفْلُ.
- ۱۲- فَالْاِيْكَ جَمَّةٌ ضَعْفَ لِسَانِيْ عَنْ اِحْصَائِهَا.
- ۱۳- وَنَعْمًا وَّوَكَّ كَثِيْرَةً قَصَرَ فَهْمِيْ عَنْ اِدْرَاكِهَا فَضْلًا عَنِ اسْتِقْصَائِهَا.
- ۱۴- فَكَيْفَ لِيْ بِتَحْصِيْلِ الشُّكْرِ.



ص: ۱۶۰

من کجا و حمد این همه انعام‌ها!!

اگر به شکر ت موفقم کنی، شکر دیگری را می طلبد این توفیق. (۱)

اگر به پاس نعمت‌هایت به حمد و ثنات موفقم شوم، حمد دیگری را می طلبد این توفیق. (۲)

خدای عزیز

آن گونه که در کودکی غذایم فرستادی و رشدم دادی، امروز هم نعمت‌هایت را بر من کامل کن. (۳)

بلاهای سخت ایمان سوز را از من دفع کن. (۴)

برترین و بهترین بهره‌ها و سعادت‌های دنیا و آخرت را اکنون و تا آخر عمر به ما عنایت کن. (۵)

برحسن امتحان و آزمایشت تو را سپاس می گویم، سپاسی که مطابق رضای تو باشد. (۶)

سپاسی که جواب گوی گوشه‌ای از احسان تو باشد. (۷)

سپاسی که بخشش‌های بزرگ تو را در برگیرد. (۸)

ما را ناسپاس نعمت‌هایت قرار مده.

یا ارحم الراحمین

## ۷. مناجات مطیعین

خدای من

در اطاعت لذتی است که با هیچ لذت مادی قابل مقایسه نیست.

در عبادت فرح و نشاطی است که برای مرده دلان قابل لمس نیست.

۱- وَشُكْرِي اِيَاكَ يَفْتَقِرُ اِلَى شُكْرِي.

۲- فَكُلَّمَا قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ، وَجَبَ عَلَيَّ لِدَلِيكَ اِنْ اَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ.

۳- اَللّٰهُ فِكَمَا غَذَيْتَنَا بِلُطْفِكَ، وَرَبَّيْتَنَا بِصُنْعِكَ، فَتَمِّمْ عَلَيْنَا سِوَايَ النَّعْمِ.

۴- وَادْفَعْ عَنَّا مَكَارَةَ النَّقْمِ.

۵- وَآتِنَا مِنْ حُطُوْطِ الدَّارِيْنَ اِزْفَعْهَا وَاجْلِّهَا، عَاجِلًا وَآجَلًا.

۶- وَلَكَ الْحَمْدُ عَلٰى حُسْنِ بَلَائِكَ وَسُبُوْغِ نَعْمَائِكَ.

۷- حَمْدًا يُوَافِقُ رِضَاكَ.

۸- الْعَظِيْمِ مِنْ بَرَكَ وَنَدَاكَ.

ص: ۱۶۱

در ذکر و یادت انبساطی است که در هیچ عشق مادی قابل ادراک نیست.  
 در راز و نیازت پروازی است که محبوسین در قفس دنیا از فکرش عاجزند.  
 نسیم خوش طاعت و فرمانبرداریت را بر من الهام کن. (۱)  
 هوای سوزان معصیت و نافرمانیت را از من دور کن. (۲)  
 رسیدن به آرزوهای قلبی‌ام که جلب رضای توست برآیم آسان کن. (۳)  
 به بهشت و رضوانت مرا جای ده. (۴)  
 ابر تیره شک و تردید را از فراز دید گانم پراکنده کن. (۵)  
 قلبم را از حجاب‌های کورکننده آزاد کن. (۶)  
 تار عنکبوت باطل اندیشی را از اندرونم پاک کن. (۷)  
 بنیان مرصوص حق را در دلم محکم تر کن. (۸)  
 خدای رؤوف  
 ما را در کشتی نجاتت سوار کن. (۹)  
 از امواج شکننده فتنه و بلا دست گیر.  
 ما را به لذت مناجات و ذکرت بهره‌مند کن. (۱۰)  
 قایق وجودم را در دریای بیکران محبتت راه ده. (۱۱)  
 شیرینی محبت و قربت را به ما بچشان. (۱۲)  
 تلاش و کوششمان را فقط در سمت و سوی خودت قرار ده. (۱۳)  
 همت و قصدمان را مصروف طاعت خودت گردان. (۱۴)  
 نیت‌هایمان را در کارها و عباداتمان از هر شک و شبهه‌ای خالص

۱- اللَّهُمَّ الْهِمْنَا طَاعَتَكَ.

۲- وَجَبْنَا مَعْصِيَتَكَ.

۳- وَيَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا نَتَمَنَّى مِنْ اِتِّبَاعِ رِضْوَانِكَ.

۴- وَاحْلِلْنَا بُحْبُوحَةَ جَنَّاتِكَ.

۵- وَاقْشَعْ عَن بَصَائِرِنَا سَحَابَ الْاِرْتِيَابِ.

۶- وَاكْشِفْ عَن قُلُوبِنَا اَغْشِيَةَ الْمُرِيهِ وَالْحِجَابِ.

۷- وَازْهِقِ الْبَاطِلَ عَن صَمَائِرِنَا.

۸- وَاثْبِتِ الْحَقَّ فِي سَرَائِرِنَا.

۹- اللَّهُمَّ احْمِلْنَا فِي سُنَنِ نَجَاتِكَ.

۱۰- وَمَتَّعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ.

۱۱- وَاورِدْنَا حِيَاضَ حُبِّكَ.

۱۲- وَادِقْنَا حَلَاوَهُ وَدِّكَ وَقُرْبِكَ.

۱۳- وَاجْعَلْ جِهَادَنَا فِيكَ.

۱۴- وَهَمَّنَّا فِي طَاعَتِكَ.

ص: ۱۶۲

کن. (۱)

ارزش‌ها را فقط از تو بجویم به غیر تو رو به سوی نکنیم.

من مال توام و برای توام و در حرکت به سوی توام. (۲)

مرا از بندگان برگزیده و نیکوکار قرار ده. (۳)

مرا به جمع صالحان شایسته‌ات که از ما سبقت گرفته‌اند ملحق کن. (۴)

به آن شایستگی که به سوی ارزش‌ها سبقت گرفتند، باقیات الصالحات را عمل کردند، به درجات عالی سرعت داشتند. (۵)

مرا به آن‌ها برسان، ای عزیز.

## ۸. مناجات مریدین

خدای رؤوف

سرگشته این سرایم.

شب تاریک و خوف دشمن است اینجا.

چه کنم؟ بی چراغ راه به جایی نمی‌برم.

بی دستگیری تو جز در جا زدن چاره‌ای نیست.

چراغ هدایت بالای سرم روشن کنی راه هدایت چقدر تنگ و سخت است. (۶)

به کسی که راه را نشان دادی چقدر حقایق آشکار و واضح است. (۷)

ما را به راه‌هایی ببر که به وصال تو منتهی شود. (۸)

ما را به نزدیک‌ترین راه‌هایی هدایت کن که به میهمانی تو منتهی

۱- وَأَخْلِصْ نِيَاتِنَا فِي مُعَامَلَتِكَ.

۲- فَأَنَا بِكَ وَلَكَ.

۳- اَللّٰهُ اَجْعَلْنِي مِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْاٰخِيَارِ.

۴- وَالْحَقْنِي بِالصّٰلِحِيْنَ الْاَبْرَارِ.

۵- السّٰبِقِيْنَ اِلَى الْمَمِّ

۶- سُبْحَانَكَ مَا اَضِيقُ الطَّرِيقَ عَلٰى مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيْلَهُ.

۷- وَمَا اَوْضَحَ الْحَقَّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيْلَهُ.

۸- اَللّٰهُ فَاسْلُكْ بِنَا سُبُلَ الْوُصُوْلِ اِلَيْكَ.

ص: ۱۶۳

شود. (۱)

مسافت‌های دور وصال را بر ما نزدیک کن. (۲)

سختی‌های کمر شکن راه آخرت را بر ما آسان کن. (۳)

ما را به قافله بندگان خوبت که به سرعت به سویت شتاب می‌کنند برسان. (۴)

ما را به کاروان شایستگانِ راحت که در خانه‌ات را می‌کوبند ملحق کن. (۵)

ما را همراه و همراز آنان قرار ده که شب و روز به عبادت تو می‌کوشند. (۶)

و از هیبت تو می‌ترسند. (۷)

آنان که صاف و زلالند. (۸)

آنان که تو بر مرکب آرزوهایشان نشاندی. (۹)

آنان که به خواسته‌های ارزشمندشان نائل آمدند. (۱۰)

آنان که حوائجشان را تو امضا کردی. (۱۱)

آنان که دلشان را از مهر و محبت پر کردی. (۱۲)

آنان که از آب زلال معرفت سیرابشان کردی. (۱۳)

آنان که با کمک و عنایت تو به لذت مناجات رساندی. (۱۴)

آنان که تحت لطف تو به منتهای مقاصدشان نائل ساختی. (۱۵)

ای عزیزی که هر کس به تو رو کند، به سویش رو می‌کنی. (۱۶)

با مهر و رحمت به آغوششان می‌گیری. (۱۷)

حتی با غافلان از یادت هم باب مهربانی را نبسته‌ای. (۱۸)

۱- وَسَيُرِنَا فِي اقْرَبِ الطَّرِيقِ لِلْوُفُودِ عَلَيْكَ.

۲- قَرُبْ عَلَيْنَا الْبَعِيدَ.

۳- وَسَهِّلْ عَلَيْنَا الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ.

۴- وَالْحَقِّقْنَا بِعِبَادِكَ الَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْكَ يَسَارِعُونَ.

۵- وَبَابِكَ عَلَى الدَّوَامِ يَطْرُقُونَ.

۶- وَآيَاكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَعْبُدُونَ.

۷- وَهُمْ مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ.

۸- الَّذِينَ صَفَّيْتَ لَهُمُ الْمَشَارِبَ.

۹- وَبَلَّغْتَهُمُ الرِّغَابَ.

۱۰- وَأَنْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطْلَبَ.

۱۱- وَقَضَيْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ الْمَأْرِبَ.

۱۲- وَمَلَأْتَ لَهُمْ ضَمَائِرَهُمْ مِنْ حُبِّكَ.



- ۱۳- وَرَوَّيْتَهُمْ مِنْ صَافِي شَرِبِكَ.
- ۱۴- فَبِكَ الی لَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ وَصَلُّوا.
- ۱۵- وَمِنْكَ أَقْصَى مَقَاصِدِهِمْ حَصَلُوا.
- ۱۶- يَا مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ.
- ۱۷- وَبِالْعَطْفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُفْضِلٌ.
- ۱۸- وَبِالْغَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَوْفٌ.

ص: ۱۶۴

به جذب غافلان به بارگاه قربت اصرار و عنایت داری. (۱)

مرا از آن‌ها قرار ده که در بارگاه قربت بهره‌ای عالی از کمالات دارد. (۲)

از آن‌ها قرارم ده که از محبت و لطف نصیب بیشتری دارد. (۳)

از آن‌ها قرارم ده که از معرفت دریای دلش موج می‌زند. (۴)

خدای من

دل از غیر تو بریدم. (۵)

پرنده دلم به سوی تو پر گشوده. (۶)

تو قبله عشق منی و لا غیر. (۷)

تو نقطه ثقل دلی و لا غیر.

تو عشق شب زنده داری منی و لا غیر. (۸)

دیدار تو روشنی چشم منست و لا غیر. (۹)

وصال کوی تو آرزوی منست و لا غیر. (۱۰)

شیفته محبت توام و لا غیر. (۱۱)

دل‌باخته هوای توام و لا غیر. (۱۲)

رضای تو اوج مطلوب من است و لا غیر. (۱۳)

دیدار تو نیاز جان من است و لا غیر. (۱۴)

جوار تو مطلوب من است و لا غیر. (۱۵)

وصال قربت همه خواست و آرزوی من است و لا غیر. (۱۶)

مناجات با تو اوج سرور و راحتی جان من است و لا غیر. (۱۷)

خدای عزیز

۱- وَبِجَذْبِهِمْ إِلَىٰ بَابِهِ وَدَوْدُ عَطُوفٌ.

۲- اسئَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظًّا.

۳- وَاجْزَلِيهِمْ مِنْ وُدِّكَ قِسْمًا.

۴- وَأَفْضَلِيهِمْ فِي مَعْرِفَتِكَ نَصِيبًا.

۵- فَقَدْ انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ هَمَّتِي.

۶- وَأَنْصَرَفَتْ نَحْوَكَ رَغْبَتِي.

۷- فَأَنْتَ لَا غَيْرُكَ مُرَادِي.

۸- وَلَكَ لَا لِسِوَاكَ سَهْرِي وَسَهَارِي.

۹- وَلِقَاؤُكَ قُرَّةُ عَيْنِي.

۱۰- وَوَضْلُكَ مُنَىٰ نَفْسِي.

- ۱۱- وَالْيَكْ شَوْقِي، وَفِي مَحَبَّتِكَ وَلَهِي.
- ۱۲- وَالِي هَوَاكَ صَبَابَتِي.
- ۱۳- وَرِضَاكَ بُغْيَتِي.
- ۱۴- وَرُؤْيَتِكَ حَاجَتِي.
- ۱۵- وَجِوَارُكَ طَلْبِي.
- ۱۶- وَقُزْبُكَ غَايَةُ سُؤْلِي.
- ۱۷- وَفِي مُنَاجَاةِكَ رَوْحِي وَرَاحَتِي.

ص: ۱۶۵

- دوای دردم پیش توست. (۱)
- شفای قلبم نزد توست. (۲)
- خنکی قلبم از آتش گناه پیش توست. (۳)
- رفع غم و سختی‌ام پیش توست. (۴)
- مونس‌م باش در وحشت. (۵)
- دستگیرم باش در لغزش. (۶)
- آمرزنده‌ام باش در گناه. (۷)
- قبولم کن در توبه. (۸)
- اجابتم کن در دعا. (۹)
- بی‌نیازم کن در فقر. (۱۰)
- جدایم مکن از خودت. (۱۱)
- رهایم مکن از کرم‌ت. (۱۲)

### ۹. مناجات محبین

خدای عزیز

- وصال کویت را به عالم نمی‌دهم.
- شیرینی یادت را به لذات دنیا نمی‌دهم.
- لذت نامت را با لذت‌های دنیا عوض نمی‌کنم.
- خدا خدایم را هرگز به بیگانه نشان نمی‌دهم.
- کیست که شیرینی محبت تو را چشید و به غیر تو روی آورد؟ (۱۳)
- کیست که به قرب تو انس پیدا کرد و لحظه‌ای تو را رها کرد؟ (۱۴)

۱- وَعِنْدَكَ دَوَاءٌ عَلَيَّ.

۲- وَشِفَاءٌ عَلَيَّ.

۳- وَبَرْدٌ لَوْعَتِي.

۴- وَكَشْفٌ كُرْبَتِي.

۵- فَكُنْ انِيسِي فِي وَحْشَتِي.

۶- وَمُقِيلَ عَثْرَتِي.

۷- وَغَافِرَ زَلَّتِي.

۸- وَقَابِلَ تَوْبَتِي.

- ۹- وَمُجِيبَ دَعْوَتِي.
- ۱۰- وَمُعْنِي فَاقْتِي.
- ۱۱- وَلَا تَقْطَعْنِي عَنْكَ.
- ۱۲- وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ.
- ۱۳- اَلْهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا.
- ۱۴- وَمَنْ ذَا الَّذِي اِنْسَ بِقُرْبِكَ فَاَبْتَغِي عَنْكَ حَوْلًا.

ص: ۱۶۶

- کیست که همنشینی تو را درک کرد و تو را با دیگری عوض کرد؟  
 کیست که لذت نجوی خلوت با تو را چشید و به غیر تو تمایل یافت؟  
 خدایا، مرا در زمره افرادی قرار ده که مقرب در گاهت کردی. (۱)  
 مرا از آن‌ها قرار ده که برای مهر و دوستی خودت خالصشان کردی. (۲)  
 از آن‌ها قرارم ده که در ملاقات را به رویشان گشودی و به دیدارت تشویقشان کردی. (۳)  
 از آن‌ها قرارم ده که به قضای خودت راضیشان کردی و در برابر نقشه‌ها و اوامرت ساکتشان کردی. (۴)  
 از آن‌ها قرارم ده که نگاه رحمت را به آن‌ها هدیه دادی. (۵)  
 از آن‌ها قرارم ده که در لحظه مرگ رضایت را اعلامشان کردی. (۶)  
 از آن‌ها قرارم ده که از دوری و هجران، پناهشان دادی و به خود نزدیکشان کردی. (۷)  
 از آن‌ها قرارم ده که در جایگاه صدق و راستی نزد خودت جایشان دادی. (۸)  
 از آن‌ها قرارم ده که به معرفت خود نگاه صمیمانه و خصوصیشان کردی. (۹)  
 از آن‌ها قرارم ده که برای عبادت و کرنش و اطاعت حضرت اهل و خودی نگاهشان کردی. (۱۰)

۱- اَللهِی فَاَجْعَلْنَا مِمَّنِ اصْطَفَیْتَهُ لِقُرْبِکَ وَوِلَایَتِکَ.

۲- وَاخْلَصْتَهُ لُوْدُکَ وَمَحَبَّتِکَ.

۳- وَشَوَّقْتَهُ الِی لِقَائِکَ.

۴- وَرَضَّیْتَهُ بِقَضَائِکَ.

۵- وَمَنَحْتَهُ بِالنَّظْرِ الِی وَجْهِکَ.

۶- وَحَبَّوْتَهُ بِرِضَاکَ.

۷- وَاعْدْتَهُ مِنْ هَجْرِکَ وَقِلَاقَکَ.

۸- وَبَوَّأْتَهُ مَقْعَدَ الصَّدَقِ فِی جِوَارِکَ.

۹- وَحَصَصْتَهُ بِمَعْرِفَتِکَ.

۱۰- وَاهْلَيْتَهُ لِعِبَادَتِکَ.

ص: ۱۶۷

- از آنها قرارم ده که دلش را برای خودت بردی. (۱)
- از آنها قرارم ده که برای مشاهده جمالت آنها را برگزیدی. (۲)
- از آنها قرارم ده که رویشان را به سوی خودت و برای خودت قرار دادی. (۳)
- از آنها قرارم ده که دلشان را برای محبت و دوستی‌ات از بیگانه فارغ کردی. (۴)
- از آنها قرارم ده که به انعام و اکرامی که نزد توست تشویقشان کردی. (۵)
- از آنها قرارم ده که ذکر و یادت را به آنها الهام کردی تا لحظه‌ای فراموشت نکنند. (۶)
- از آنها قرارم ده که شکر را نصیبشان کردی تا ناسپاس نباشند. (۷)
- از آنها قرارم ده که به طاعت و بندگی‌ات مشغولشان کردی تا بیهوده ره نسپارند. (۸)
- از آنها قرارم ده که شایستگانند و سرآمد مخلوقات تواند. (۹)
- از آنها قرارم ده که برای مناجات با خودت آنها را برگزیدی و انتخاب نمودی. (۱۰)
- از آنها قرارم ده که هر چیزی که مانع وصال تو شود از آنها دور کردی. (۱۱)
- از آنها قرارم ده که دلخوشیشان تویی، نشاط و فرح زندگیشان توست. (۱۲)

۱- وَهَيْمَتَ قَلْبِهِ لِإِرَادَتِكَ.

۲- وَاجْتَبَيْتَهُ لِمُشَاهَدَتِكَ.

۳- وَاخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ.

۴- وَفَرَعْتَ فُؤَادَهُ لِحُبِّكَ.

۵- وَرَغَّبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ.

۶- وَالْهَمَمْتَ ذِكْرَكَ.

۷- وَأَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ.

۸- وَشَغَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ.

۹- وَصَيَّرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِيَّتِكَ.

۱۰- وَاخْتَرْتَهُ لِمُنَاجَاتِكَ.

۱۱- وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَيْءٍ يَقْطَعُهُ عَنْكَ.

۱۲- اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ دَأَبُهُمُ الْإِرْتِيَاخَ إِلَيْكَ وَالْحَنِينَ.

ص: ۱۶۸

از آن‌ها قرارم ده که زندگیشان آکنده از ناله شوق توست. (۱)

از آن‌ها قرارم ده که پیشانی عزت بر خاک ذلت، در آستان عظمت تو می‌سایند. (۲)

از آن‌ها قرارم ده که چشمانشان در خدمت تو بی‌خوابی می‌کشند. (۳)

از آن‌ها قرارم ده که اشکشان از خوف و خشیت تو روان است. (۴)

از آن‌ها قرارم ده که دلشان به دوستی و محبت تو آویخته است. (۵)

از آن‌ها قرارم ده که قلبشان از هیبت تو بی‌قرار است. (۶)

خدای رؤوف

تو آنی که انوار مقدست در چشم دوستانت سرور و خرمی می‌آفریند. (۷)

تو آنی که جلوه‌های پاکت، قلوب عارفان را شیفته می‌کند. (۸)

تو آنی که نهایت آرزوی مشتاقانی. (۹)

تو آنی که اوج امال دوستانت هستی. (۱۰)

محبتت را می‌خواهم. (۱۱)

از تو محبت دوستانت را می‌طلبم. (۱۲)

از تو محبت هر کاری که مرا به وصال رساند، می‌جویم. (۱۳)

خدای عزیز

از تو می‌خواهم خودت را محبوبم قرار دهی. (۱۴)

از تو می‌خواهم دوستم بداری و این دوستی مرا به رضوان و بهشت

۱- وَدَهْرُهُمُ الزَّفْرَةُ وَالْأَيْنُ.

۲- جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ لِعَظَمَتِكَ.

۳- وَعُيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ.

۴- وَدُمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ خَشِيَّتِكَ.

۵- وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ.

۶- وَافْتَدَتْهُمْ مُنْخَلَعَةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ.

۷- يَا مَنْ أَنْوَارُ قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُجِيبِهِ رَاقِعَةٌ.

۸- وَسُبْحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ عَارِفِيهِ شَائِفَةٌ.

۹- يَا مَنْى قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ.

۱۰- وَيَا غَايَةَ أَمَالِ الْمُجِيبِينَ.

۱۱- اسْأَلُكَ حُبَّكَ.

۱۲- وَحُبَّ مَنْ يَحُبُّكَ.

۱۳- وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصلُنِي إِلَى قُرْبِكَ.



۱۴- وَأَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ سِوَاكَ.

ص: ۱۶۹

رهنما باشد. (۱)

از تو می‌خواهم که اشتیاقم به تو مرا از نافرمانیت باز دارد. (۲)

از تو می‌خواهم بر من منت نهی نگاهم کنی. (۳)

از تو می‌خواهم به چشم محبت و عاطفه نگاهم کنی. (۴)

از تو می‌خواهم رویت را از من بر نگردانی.

از تو می‌خواهم مرا اهل سعادت قرار دهی.

از تو می‌خواهم بهره‌هایم را نزد خودت محفوظ داری.

**۱۰. مناجات متوسلین**

خدای رؤوف

فطرتم بوی محبت می‌دهد. (۵)

دلم رو سوی جمال جمیل تو می‌کند. (۶)

قلبم به شیرینی یادت گواهی می‌دهد. (۷)

زیر در گاهت وسیله‌ای جز عواطف و مه‌رت برای وصل تو ندارم. (۸)

زیر در گاهت دستاویزی جز معرفت رحمت ندارم. (۹)

نجوای عشق ؛ ؛ ص ۱۶۹

ر در گاهت چشمم به شفاعت نبی مکرم توست. (۱۰)

رحمت بیکرانت و شفاعت حبیب را وسیله‌آمزش و تطهیرم از آلودگی‌ها قرار ده. (۱۱)

این دو را نردبانی برای رضوان و بهشت برابم مقرر کن. (۱۲)

شتر امیدم در خانه کرمت بار انداخته. (۱۳)

مرغ طمعم بر دیوار جود و سخایت نشسته. (۱۴)

ای خدای ودود، مرا به آرزوهایم برسان، مرغ دلم را از آستانت مران. (۱۵)

۱- وَأَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِيَّاكَ قَائِدًا إِلَى رِضْوَانِكَ.

۲- وَشَوْقِي إِلَيْكَ ذَائِدًا عَنْ عِضْيَانِكَ.

۳- وَأَمِّنْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ عَلَيَّ.

۴- وَأَنْظُرْ بِعَيْنِ الْوُدِّ وَالْعَطْفِ إِلَيَّ.

۵- وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ.

۶- وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْأَسْعَادِ.

۷- وَالْحِظْوَةَ عِنْدَكَ.

- ۸- الهی لیس لی وسیله الیک اأ عواطف رأفتک.
- ۹- ولا لی ذریعه الیک الا عوارف رحمتک.
- ۱۰- وشفاعه نبیک نبی الرحمه، ومنتقذ الامه من العمه.
- ۱۱- فاجعلهما لی سبباً الی نیل غفرانک.
- ۱۲- وصیرهما لی واصله الی الفوز برضوانک.
- ۱۳- وقد حل رجائی بحرم کرمک.
- ۱۴- وخط طمعی بفتاء جودک.
- ۱۵- فحقق فیک املی.

ص: ۱۷۰

عاقبتم را ختم به خیر گردان. (۱)

مرا پاک و با صفا کن تا شایستگی ورود به بهشت جاودانهات را پیدا کنم. (۲)

مرا از غیر بریده، باوفا کن تا لیاقت حضور در دار کرامت را پیدا کنم. (۳)

چشمم روشن اگر قیامت نگاه لطفی به من کنی. (۴)

چشمم روشن اگر قیامت مشمول شفاعت خوبان قرارم دهی.

چشمم روشن اگر با ستاریت، زشتی‌هایم را محو اغماضت قرار دهی.

چشمم روشن اگر با فضل و انعامت، بهشت و رضوانت را ضمانتم کنی.

مرا در زمره خوبان در منازل صدق و راستی درجوارت جای ده. (۵)

خدای رؤوف

کریم‌تر از تو را هیچ کس پیدا نمی‌کند. (۶)

رحیم‌تر از تو را هیچ کس نمی‌یابد. (۷)

ای بهترینی که می‌توان با تو خلوت کرد. (۸)

ای مهربانی که آواره‌ها می‌توانند به تو مأوا گیرند. (۹)

هیچ کس راهم نمی‌دهد، آواره و سرگردانم، سر کوی تو پناهنده‌ام، به عفو و اسعاهات پناه جسته‌ام.

دستم به سوی تو دراز است، مرا از کرم محروم مکن، چوب خسران و حرمان بر من مزن. (۱۰)

۱- وَاخْتِمِ بِالْخَيْرِ عَمَلِي.

۲- وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَتِكَ الَّذِينَ اخْلَلْتَهُمْ بِحُبُوحَةِ جَنَّتِكَ.

۳- وَبَوِّأْتَهُمْ دَارَ كَرَامَتِكَ.

۴- وَاقْرُرْتَ اعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ يَوْمَ لِقَائِكَ.

۵- وَأَوْرَثْتَهُمْ مَنَازِلَ الصَّدَقِ فِي جِوَارِكَ.

۶- يَا مَنْ لَا يَفِدُ الْوَأْفِدُونَ عَلَى الْكَرَمِ مِنْهُ.

۷- وَلَا يَجِدُ الْقَاصِدُونَ أَرْحَمَ مِنْهُ.

۸- يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا بِهِ وَحِيدٌ.

۹- وَيَا اعْطَفَ مَنْ أَوَى إِلَيْهِ طَرِيدٌ إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ.

۱۰- مَدَدْتُ يَدِي، وَبَدَيْلِ كَرَمِكَ اغْلَقْتُ كَفِّي، فَلَا تُؤَلِّنِي الْجُرْمَانَ وَلَا تُبَلِّنِي بِالْخَبِيئَةِ وَالْخُسْرَانَ.

ص: ۱۷۱

ای که شنوای دعای بندگانی. (۱)

دعای مرا بشنو.

**۱۱. مناجات مفتقرین**

خدای مهربانم

- شکستگی‌ام جز با لطف و مرحمت جبران نشود. (۲)
- فقر و بیچارگی‌م جز با احسان و توجّهت بر طرف نشود. (۳)
- ترس و هراسم جز با امن و امانت تسکین نشود. (۴)
- ذلت و خواری‌م جز با سلطنت تو بدل به عزت نشود. (۵)
- آرزوهایم جز با فضلت به هدف نرسد. (۶)
- نیازهایم جز با بخشش‌ها و مواهبت مرتفع نشود. (۷)
- حوادثم جز در خانه تو بر آورده نشود. (۸)
- گرفتاری‌هایم جز با رحمت تو گره‌گشایی نشود. (۹)
- در ماندگی‌م جز با مهر تو رفع نگردد. (۱۰)
- سوز سینه‌ام جز با وصل تو خنک نگردد. (۱۱)
- آتش دلم جز با دیدارت خاموش نگردد. (۱۲)
- اشتیاقم را جز نگاه به جمال جمیلت سیراب نکند. (۱۳)
- دل بی‌قرارم جز با نزدیکی به تو آرام نگیرد. (۱۴)
- تأسف و افسوسم جز با روی گشاده تو بر طرف نگردد. (۱۵)
- دردم را جز طبابت تو درمان نکند. (۱۶)
- غم و اندوهم جز با قرب و نزدیکی به تو بر طرف نگردد. (۱۷)

۱- اَسْمِعِ الدُّعَاءِ.

۲- اَللّٰهُمَّ كَسْرِيْ لَا يَجْزِيْهُ اِلَّا لَطْفُكَ وَحَنَانُكَ.

۳- وَفَقْرِيْ لَا يَغْنِيْهِ اِلَّا عَطْفُكَ وَاحْسَانُكَ.

۴- وَرَوْعَتِيْ لَا يَسْكُنُهَا اِلَّا اَمَانُكَ.

۵- وَذِلَّتِيْ لَا يَعْزُّهَا اِلَّا سُلْطَانُكَ.

۶- وَاَمْنِيَّتِيْ لَا يَبْلُغُنِيَّهَا اِلَّا فَضْلُكَ.

۷- وَخَلَّتِيْ لَا يَسُدُّهَا اِلَّا طَوْلُكَ.

۸- وَحَاجَّتِيْ لَا يَقْضِيْهَا غَيْرُكَ.

- ۹- وَكَرْبِي لَا يَفْرِجُهُ سِوَى رَحْمَتِكَ.
- ۱۰- وَضُرِّي لَا يَكْشِفُهُ غَيْرُ رَأْفَتِكَ.
- ۱۱- وَعَلَّتِي لَا يَبْرِدُهَا إِلَّا وَضْلُكَ.
- ۱۲- وَلَوْعَتِي لَا يَطْفِئُهَا إِلَّا لِقَاؤُكَ.
- ۱۳- وَشَوْقِي إِلَيْكَ لَا يُبُلِّغُنِي إِلَّا النَّظَرُ إِلَى وَجْهِكَ.
- ۱۴- وَقَرَارِي لَا يَقِرُّ دُونَ دُنُوِّي مِنْكَ.
- ۱۵- وَلَهْفَتِي لَا يَرُدُّهَا إِلَّا رَوْحُكَ.
- ۱۶- وَسُقْمِي لَا يَشْفِيهِ إِلَّا طِبُّكَ.
- ۱۷- وَعَمِّي لَا يَزِيلُهُ إِلَّا قُرْبُكَ.

ص: ۱۷۲

- زخم دلم (از گناه) جز با گذشت و عفو تو بهبودی نیابد. (۱)
- زنگار دلم جز با اغماضت جلا پیدا نکند. (۲)
- وسوسه و پریشانی قلبم جز با اطاعت اوامرت برطرف نشود. (۳)
- ای همه آرزوی دلدادگان. (۴)
- ای همه خواسته گدایان. (۵)
- ای همه درخواست نیازمندان. (۶)
- ای همه شوق عاشقان. (۷)
- ای دوست با صفای صالحان. (۸)
- ای همه امن و امان دل خائفان. (۹)
- ای اجابت دعوت بیچارگان. (۱۰)
- ای ذخیره دستان خالی. (۱۱)
- ای گنج درماندگان. (۱۲)
- ای پناه و دادرس عاجزان. (۱۳)
- ای امضا کننده برگ حاجت فقرا. (۱۴)
- ای کریم تر از هر میهمان نواز. (۱۵)
- ای مهربان تر از هر مهربان. (۱۶)
- گدای توام، خاضع کوی توام. (۱۷)
- تضرعم برای توست. (۱۸)
- نالهام برای توست. (۱۹)
- خدای رؤوف
- نسیم روح بخش رضوانت را به من برسان. (۲۰)
- تداوم نعمت‌هایت را از من دریغ مدار. (۲۱)

۱- وَجُرْحِي لَا يَبْرِئُهُ إِلَّا صَفْحُكَ.

۲- وَرَيْنُ قَلْبِي لَا يَجْلُوهُ إِلَّا عَفْوُكَ.

۳- وَوَسْوَاسُ صَدْرِي لَا يَزِيحُهُ إِلَّا أَمْرُكَ.

۴- فَيَا مُنْتَهَى أَمَلِ الْأَمَلِينَ.

۵- وَيَا غَايَةَ سُؤْلِ السَّآئِلِينَ.

۶- وَيَا أَقْصَى طَلْبَةِ الطَّالِبِينَ.

۷- وَيَا أَعْلَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ.

۸- وَيَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ.

- ۹- وَيَا اَمَانَ الْخَائِفِينَ.
- ۱۰- وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ.
- ۱۱- وَيَا ذُخْرَ الْمُعْدِمِينَ.
- ۱۲- وَيَا كَنْزَ الْبَائِسِينَ.
- ۱۳- وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ.
- ۱۴- وَيَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ.
- ۱۵- وَيَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ.
- ۱۶- وَيَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
- ۱۷- لَكَ تَخَضُّعِي وَسُؤَالِي.
- ۱۸- وَالْيَكَّ تَضَرُّعِي.
- ۱۹- وَابْتِهَالِي.
- ۲۰- اسئلك ان تُنيلني من رُوحِ رِضوانِكَ.
- ۲۱- وَتُدِيمَ عَلَيَّ نِعَمَ امْتِنَانِكَ.



ص: ۱۷۳

- در خانه کرمت ایستاده‌ام. (۱)
- نسیم خیر نیکی‌هایت را تنها می‌کنم. (۲)
- به ریسمان محکمت چنگ زده‌ام. (۳)
- به عروه الوثقی تو بند شده‌ام. (۴)
- خدایا بنده‌ای را ببخش که زبانی الکن (۵) و عملی ناچیز دارد. (۶)
- با بخشش وسیعت بر من منت نه. (۷)
- تحت سایه لطف پناهم ده. (۸)

ی

ا کریم و یا جمیل

## ۱۲. مناجات عارفین

خدای مهربانم

- زبانم از بیان حمد و ثنایی که شایسته بزرگیت باشد سخت ناتوان است.
- عقلم از دریافت عمق جمال و عظمت عاجز است. (۹)
- چشم دلم از نگاه به جلوه‌های جمالت تاریک است. (۱۰)
- تنها راه معرفت تو اذعان و اعتراف به عجز از معرفت و شناخت توست. (۱۱)
- خدای رؤوف (۱۲)
- درخت تنومند عشق به خودت را در باغ سینه‌ام ریشه دار کن. (۱۳)
- سوز محبت را در جای جای قلبم آن‌گونه ایجاد کن تا اندیشه‌ام به نور محبت روشن شود. (۱۴)
- خدایا در گلزار قربت و نزدیکی و مکاشفه حقایق مستورت، واردم کن. (۱۵)

۱- وَهَا أَنَا بِيَابِ كَرَمِكَ وَقِفْ.

۲- وَلِنَفْحَاتِ بَرِّكَ مُتَعَرِّضٌ.

۳- وَبِحَبْلِكَ الشَّدِيدِ مُعْتَصِمٌ.

۴- وَبِعُزَّتِكَ الْوُثْقَى مُتَمَسِّكٌ.

۵- اَللّٰهُ اِرْحَمْ عَبْدَكَ الدَّلِيْلَ، ذَا اللِّسَانِ الْكَلِيْلِ.

۶- وَالْعَمَلِ الْقَلِيْلِ.

۷- وَامْنُنْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ الْجَزِيْلِ

۸- وَاَكْنُفُهُ تَحْتَ ظِلِّكَ الظَّلِيْلِ.

۹- اَللّٰهُ قَصِّرَتِ الْاَلْسُنُ عَنْ بُلُوغِ ثَنَائِكَ كَمَا يَلِيْقُ بِجَلَالِكَ.

- ۱۰- وَعَجَزَتِ الْعُقُولُ عَنْ ادْرَاكِ كُنْهِ جَمَالِكَ.
- ۱۱- وَأَنْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ دُونَ النَّظَرِ إِلَى سُبْحَاتِ وَجْهِكَ.
- ۱۲- وَلَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَرِيقًا إِلَى مَعْرِفَتِكَ إِلَّا بِالْعَجْزِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ.
- ۱۳- اَللّٰهُ فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِيْنَ تَرَسَّخَتْ اَشْجَارُ السُّوقِ اِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُوْرِهِمْ.
- ۱۴- وَاخَذَتْ لَوْعَهُ مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوْبِهِمْ.
- ۱۵- وَفِي رِيَاضِ الْقُرْبِ وَالْمُكَاشَفَةِ يَزْعُوْنَ.

ص: ۱۷۴

- از دریای محبت جامی مالا مال از لطف و احسانت را در کامم بریز. (۱)
- در چشمه سار صفا و خلوص واردم کن. (۲)
- برده‌های پر زرق و برق فریبنده دنیا را از مقابل دیدگانم بر کنار کن. (۳)
- ظلمت و تاریکی و شک و تردید را از صفحه عقاید و نهادم برطرف کن. (۴)
- راه‌های نفوذ شک را به درون و اعماق قلبم کور کن. (۵)
- رودخانه موج معرفت را به سینهام سرازیر کن. (۶)
- برای نائل شدن به سعادت دنیا و آخرت در زمینه زهد و ترک دنیا همتم را عالی کن. (۷)
- اعمالم را چون چشمه‌ساری جوشان و گوارا قرار ده. (۸)
- مرا به اسرار محفل انس با حضرتت نائل کن. (۹)
- مواقف ترسناک را بر من ایمن کن. (۱۰)
- دل‌م را به رجعت به سوی خودت به بلندای **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** مطمئن کن. (۱۱)
- روحم را به فلاح و رستگاری زیر چتر یقین خودت آرامش ده. (۱۲)
- چشمم را به دیدار محبوبم که ذات اقدس توست روشن کن. (۱۳)
- در فروش دنیا به آخرت، معامله‌ام را پر سود و تجارت‌م را پر ثمر گردان. (۱۴)
- خدای رؤوف
- چقدر لذت بخش است وقتی ذکر تو به خاطرم الهام می‌شود. (۱۵)

۱- وَمِنْ حِيَاضِ الْمَحَبَّةِ كَأْسِ الْمَلَاظَفَةِ يَكْرَعُونَ.

۲- وَشَرَائِعِ الْمُصَافَاتِ يِرْدُونَ.

۳- قَدْ كُشِفَ الْغَطَاءُ عَنْ ابْصَارِهِمْ.

۴- وَأَنْجَلَتْ ظُلْمَةَ الرَّيْبِ عَنْ عَقَائِدِهِمْ وَضَمَّائِرِهِمْ.

۵- وَأَنْتَفَتْ مُخَالَجَةُ الشَّكِّ عَنْ قُلُوبِهِمْ وَسَرَائِرِهِمْ.

۶- وَأَنْسَرَحَتْ بِتَحْقِيقِ الْمَعْرِفَةِ صُدُورُهُمْ.

۷- وَعَلَّتْ لِسَبْقِ السَّعَادَةِ فِي الرَّهَادَةِ هِمْمُهُمْ.

۸- وَعَدَّبَ فِي مَعِينِ الْمُعَامَلَةِ شَرُّهُمْ.

۹- وَطَابَ فِي مَجْلِسِ الْأَنْسِ سِرُّهُمْ.

۱۰- وَأَمِنَ فِي مَوْطِنِ الْمَخَافَةِ سِرُّهُمْ.

۱۱- وَأَطْمَأَنَّتْ بِالرُّجُوعِ إِلَى رَبِّ الْأَرْيَابِ أَنْفُسُهُمْ.

۱۲- وَتَيَقَّنَتْ بِالْفَوْزِ وَالْفَلَاحِ أَرْوَاحُهُمْ.

۱۳- وَقَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَى مَحْبُوبِهِمْ أَعْيُنُهُمْ.

۱۴- وَرَبِحَتْ فِي بَيْعِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ.

۱۵- الهی ما الذَّ خَوَاطِرَ الْإِلْهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَي الْقُلُوبِ.

ص: ۱۷۵

چقدر شیرین است حرکت به سوی تو در راه‌هایی که دیگران نمی‌روند. (۱)  
 خدایا، طعم محبت و نوازشت چه زیبا و دلپذیرست. (۲)  
 نوشیدن جام قرب و وصالت چه گواراست. (۳) فَأَعِدْنَا مِنْ طَرْدِكَ وَاب  
 از بندگان ویژه‌ات که به مقام عرفان و معرفت رسیده‌اند، قرارم ده. (۴)  
 مرا از شایسته‌ترین و خالص‌ترین بندگانت و صادق‌ترین رهروان راهت قرار ده. (۵)  
 یا عظیم یا جلیل یا کریم

### ۱۳. مناجات‌ذاکرین

خدای مهربانم

من کجا و یاد تو؟

من کجا و نام تو؟

من کجا و کوی تو؟

من کجا و روی تو؟

من کجا و مهر تو؟

من کجا و لطف تو؟

اگر اطاعتت واجب نبود، تو را بلند مرتبه‌تر از آن می‌دانستم که نامت بر زبانم جاری شود. (۶)  
 تو را به قد فهم و اندیشه‌ام یاد می‌کنم نه به قدر مقام و

۱- وَمَا اخْلَى الْمَسِيرَ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ.

۲- وَمَا اطِيبَ طَعْمَ حُبِّكَ.

۳- وَمَا اعْدَبَ شَرِبَ قُرْ

اگر گناه‌ها از در خانه‌ات طردم می‌کند، تو دورم مکن، جذبم نما.

۴- وَاجْعَلْنَا مِنْ اخْصَّ عَارِفِيكَ.

۵- وَاصْلِحْ عِبَادِكَ، وَاصْدَقِ طَائِعِيكَ، وَاخْلَصْ عُبَادِكَ.

۶- اَللّٰهُمَّ لَوْ لَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ امْرِكَ، لَنَزَّهْتُكَ مِنْ ذِكْرِي اِيَّاكَ.

ص: ۱۷۶

عظمت. (۱)

عزیز دل‌ها،

من کجا با همه بی‌ارزشیم و یاد تو در اوج عظمت‌ها و شایستگی‌ها؟ (۲)

محبوب دل‌ها، بزرگ‌ترین نعمتی که بر من ارزانی داشتی این که یادت را بر زبانم جاری کردی. (۳)

بزرگ‌ترین لطفی که در حقم روا داشتی این که اجازه دادی دستم به دعا و زبانم به تسبیح و نیایش باز شود. (۴)  
به خود می‌بالم که مدال پر افتخار ذکر و عبادت آگاهانه را به گردن من انداختی.

معبود محبوبم

یادت را در خلوت و جلوت، در شب و روز، در پیدا و نهان در خوشی و سختی به دلم الهام کن. (۵)

دلم را فرودگاه الهام ذکر زیباییت قرار ده.

ذکر مخفی خود را مانوس دلم کن. (۶)

عمل پاک و بی‌شبهه را در صحنه حیاتم جاری کن. (۷)

تلاش مورد رضایت را در جوارحم قرار ده. (۸)

جزای کامل در میزان عمل برایم در نظر گیر. (۹)

خدای رؤوف

دل‌های زنده همه به تو شیفته و عاشقند. (۱۰)

پای معرفت تو همه عقل‌ها زانوی عجز به زمین زده‌اند. (۱۱)

دل‌ها جز به یاد تو آرامش نگیرند. (۱۲)

۱- عَلِيَّ اِنَّ ذِكْرِي لَكَ بِقَدْرِي لَا بِقَدْرِكَ.

۲- وَمَا عَسَى اَنْ يَبْلُغَ مِقْدَارِي حَتَّى اجْعَلَ مَحَلًّا لِتُقَدِّسِكَ.

۳- وَمِنْ اعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلَيَّ اَلْسِنَتِنَا.

۴- وَاذْنُكَ لَنَا بِدُعَائِكَ وَتَنْزِيهِكَ وَتَسْبِيحِكَ.

۵- اَللّٰهُمَّ فَالْهَمَّنَا ذِكْرَكَ فِي الْخَلَاءِ وَالْمَلَأِ، وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَالْاِعْلَانِ وَالْاِسْرَارِ، وَفِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ.

۶- وَانْسِنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ.

۷- وَاسْتَعْمِلْنَا بِالْعَمَلِ الرَّكِيِّ.

۸- وَالسَّعْيِ الْمُرْضِيِّ.

۹- وَجَازِنَا بِالْمِيزَانِ الْوَفِيِّ.

۱۰- اَللّٰهُمَّ بِكَ هَامَتِ الْقُلُوبُ الْوَالِهَةُ.

۱۱- وَعَلَى مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبَايِنَةُ.

۱۲- فَلَا تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ اِلَّا بِذِكْرِكَ.

ص: ۱۷۷

- قلب‌ها بی‌یقین تو در تشویش و اضطرابند. (۱)
- توئی که همه عالم به تسبیح تو مفتخر است. (۲)
- توئی که نسیم عبادت همیشه زمان‌ها، مخلوق را نوازش داده. (۳)
- توئی که در لحظه لحظه وجود بوده‌ای. (۴)
- توئی که صنوف به هر زبانی خدا خدات می‌کنند. (۵)
- توئی که در همه دل‌ها عزیز و بزرگی. (۶)
- خدای ودود

- از هر لذتی که دلم به یاد تو نبوده استغفار می‌کنم. (۷)
- از هر لحظه‌ای که بی‌تو سپری کرده‌ام استغفار می‌کنم. (۸)
- از هر آسایشی که دلم مأنوس تو نبوده استغفار می‌کنم. (۹)
- از هر خوشی که قرب تو را تأمین نکند استغفار می‌کنم. (۱۰)
- از هر مشغله‌ای که اطاعت تو در آن نباشد استغفار می‌کنم.
- هر لذتی که مرا از تو غافل کند، مصیبت است.
- هر آسایشی که مرا از تو جدا کند، خسارت است.
- هر خوشی که مرا از تو دور کند، ناکامی است.
- هر کاری که مرا از تو محروم کند، لغو و تباهی است.

خدای عزیز

- تو در قرآن فرمودی اذْكُرُوا اللَّهَ ... فراوان ذکر خدا کنید، صبح و شام تسبیح او کنید. (۱۱)
- باز فرمودی: مرا یاد کنید، شما را یاد می‌کنم. (۱۲)
- به من امر کردی یادت کنم، تو را ذکر کنم و وعده کردی مرا یاد کنی. (۱۳)

۱- وَلَا تَسْكُنُ النَّفْسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ.

۲- أَنْتَ الْمَسْبُوحُ فِي كُلِّ مَكَانٍ.

۳- وَالْمَعْبُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ.

۴- وَالْمَوْجُودُ فِي كُلِّ آوَانٍ.

۵- وَالْمَدْعُوُّ بِكُلِّ لِسَانٍ.

۶- وَالْمَعْظَمُ فِي كُلِّ جَنَانٍ.

۷- وَاسْتَعْمُرَكَ مِنْ كُلِّ لَدَّةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ.

۸- وَمِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَغَيْرِ انْسِكَ.

۹- وَمِنْ كُلِّ سُرُورٍ بَغَيْرِ قُرْبِكَ.

۱۰- وَمِنْ كُلِّ شُغْلٍ بَغَيْرِ طَاعَتِكَ.

- ۱۱- الهی اَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا، وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا.
- ۱۲- وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ فَادْكُرُونِي اذْكُرْكُمْ.
- ۱۳- فَأَمَرْنَا بِذِكْرِكَ، وَوَعَدْنَا عَلَيْهِ أَنْ تَذُكُرَنَا.



ص: ۱۷۸

اگر یادم کنی، افتخار من است، عزت من است، شرف و سربلندی من است.  
 من اکنون ذکر و یاد تو می‌کنم. (۱)  
 ذکرم را بپذیر.  
 اوامرت را اجرا می‌کنم، قبولم کن.  
 به وعده‌هایت وفا کن. (۲)  
 تو هم یادم کن.  
 ای ذاکر بندگان.

#### ۱۴. مناجات معتمضین

خدای رؤوف (۳)  
 تو پناه بی‌پناهی. (۴)  
 تو پایگاه نجات از دست‌رفتگانی. (۵)  
 تو تکیه‌گاه بیچارگانی. (۶)  
 تو مهربان به مساکینی. (۷)  
 تو سرمایه و گنج فقرائی. (۸)  
 تو هر شکسته دل و ورشکسته‌ای را پشت و پناهی. (۹)  
 تو ضعیفان را یآوری. (۱۰)  
 تو خائفان را آغوش می‌گیری. (۱۱)  
 تو دادرس گرفتارانی. (۱۲)  
 تو دژ و حصن آوارگانی. (۱۳)

- ۱- تَشْرِيفًا لَنَا وَتَفْخِيمًا وَاعْظَامًا.
- ۲- وَهَا نَحْنُ ذَاكِرُوكَ كَمَا اَمَرْتَنَا.
- ۳- فَاَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا، يَا ذَاكِرَ الدَّاكِرِينَ.
- ۴- اَللّٰهُمَّ يَا مَلَاذَ اللّٰئِيْنِ.
- ۵- وَيَا مُنْجِيَ الْهَالِكِيْنَ.
- ۶- وَيَا عَاصِمَ الْبَاْسِيْنَ.
- ۷- وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِيْنَ.
- ۸- وَيَا كَنْزَ الْمُفْتَقِرِيْنَ.
- ۹- وَيَا جَابِرَ الْمُتَكْسِرِيْنَ.

۱۰- وَيَا نَاصِرَ الْمُسْتَضْعَفِينَ.

۱۱- وَيَا مُجِيرَ الْخَائِفِينَ.

۱۲- وَيَا مُغِيثَ الْمُكْرُوبِينَ.

۱۳- وَيَا حِصْنَ اللَّاجِينَ.

ص: ۱۷۹

- اگر به عزت تو پناه نبرم، به کی رو آورم؟ (۱)
- اگر به قدرت و نیروی لا یزال متوسل نشوم، به کی پناه آورم؟ (۲)
- کثرت گناهم مرا وادار کرده دامن عفت را بچسبم. (۳)
- کثرت خطایم مرا نیازمند کرده در چشم پوشی و گذشتت را بگویم. (۴)
- بی ادبی و اسائت‌هایم مرا دعوت می‌کند در آستان عزت بار اندازم. (۵)
- ترس از عذاب دوزخ مرا واداشته تا به رشته مهر و رأفت بیاویزم. (۶)
- خدای مهربانم
- حق نیست کسی که به ریسمان محبت چنگ زده او را رها کنی. (۷)
- سزاوار نیست کسی که به عزتت پناه آورده او را از خود برانی. (۸)
- عزیز دلم، مرا از حمایت خود محروم مکن. (۹)
- مرا از رعایت و مواظبت خارج مساز. (۱۰)
- مرا از پرتگاه هلاکت دستگیر. (۱۱)
- خدای رؤوف، من در دید توام، در پناه توام و مال توام. (۱۲)
- به فرشتگان مقرب و شایستگان از بندگان قسم، سپر نجاتی از هلاکت بر سرمان قرار ده. (۱۳)
- از آفت‌های ایمان سوزی که آخرت را تباه می‌کند، دورمان کن. (۱۴)
- از بلاها و مصایب بزرگ، ایمان ما را حفظ کن. (۱۵)

- ۱- اِنْ لَمْ اَعُدْ بِعِزَّتِكَ فَبِمَنْ اَعُوذُ.
- ۲- وَاِنْ لَمْ اَلِدْ بِقُدْرَتِكَ فَبِمَنْ اَلُوذُ.
- ۳- وَقَدْ اَلَجَّاتِنِي الدُّنُوبُ اِلَى التَّشْتِثِ بِاَذْيَالِ عَفْوِكَ.
- ۴- وَاخْوَجْتِنِي الْاَخْطَايَا اِلَى اسْتِفْتَاْحِ ابْوَابِ صَفْحِكَ.
- ۵- وَدَعْنِي الْاِسَاءَةَ اِلَى الْاِنَاخَةِ بِفِنَاءِ عِزِّكَ.
- ۶- وَحَمَلْتِنِي الْمَخَافَةَ مِنْ نِقْمَتِكَ عَلَي التَّمْسُكِ بِعُرْوَةِ عَطْفِكَ.
- ۷- وَمَا حَقُّ مَنْ اِعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ اَنْ يَخْذَلَ.
- ۸- وَلَا يَلِيقُ بِمَنْ اسْتَجَارَ بِعِزِّكَ اَنْ يَسْلَمَ اَوْ يَهْمَلَ.
- ۹- اَلٰهِي فَلَا تُخَلِّنَا مِنْ حِمَايَتِكَ.
- ۱۰- وَلَا تُغْرِنَا مِنْ رِعَايَتِكَ.
- ۱۱- وَدُزْنَا عَنْ مَوَارِدِ الْهَلَاكَةِ.
- ۱۲- فَاِنَّا بِعَيْنِكَ وَفِي كَفِّكَ وَلَكَ.
- ۱۳- اَسْئَلُكَ بِاَهْلِ خَاصَّتِكَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَالصَّالِحِينَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، اَنْ تَجْعَلَ عَلَيْنَا وَاقِيَهُ تُنَجِّنَا مِنَ الْهَلَاكَاتِ.
- ۱۴- وَتُجَبِّئَنَا مِنَ الْاَفَاتِ.

۱۵- وَتُكِنُّنَا مِنْ دَوَاهِي الْمُصِيبَاتِ.

ص: ۱۸۰

از سکینه و آرامش خودت بهره‌ای بر ما نازل نما. (۱)

چهره ما را در هاله‌ای از انوار محبتت قرار ده. (۲)

دلمان را به رکن محکم خودت تکیه ده. (۳)

ما را در حصن عصمت حفظ کن. (۴)

ی

ا ارحم الراحمین

**۱۵. مناجات زاهدین**

خدای عزیز

یا رباہ!

سراب دنیا چشمکم می‌زند.

لذات دنیا برق نگاه مرا می‌برد.

نیرنگ دنیا صفای فطرتم را اسیر می‌کند.

هوای دنیا عقل و دینم را به زنجیر می‌کشد.

در دنیایی مرا ساکن کردی که چالش‌های مکر و نیرنگ را برایم گسترده‌اند. (۵)

دنیایی که با چنگال‌های آرزو مرا به دام خود انداخته‌اند. (۶)

پناه می‌برم به تو از دام‌های رنگارنگش. (۷)

به تو تکیه می‌کنم از فریب زیورها و آرایش‌هایش. (۸)

به تو پناه می‌برم از بهلاکت رساندن شیفتگانش.

خدایا، دنیا پر از آفت و بلا و رنج و نکبت است. (۹)

خدایا، وارستگی از دنیا به ما عطا کن. (۱۰)

ما را با توفیقات از آفات دنیاگرانی سالم دار. (۱۱)

۱- وَأَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا مِنْ سَكِينَتِكَ.

۲- وَأَنْ تُعَشِّيَ وُجُوهَنَا بِأَنْوَارِ مَحَبَّتِكَ.

۳- وَأَنْ تُؤْوِيَنَا إِلَى شَدِيدِ رُكْنِكَ.

۴- وَأَنْ تُخَوِّنَا فِي أَكْنَافِ عِصْمَتِكَ.

۵- اَللّٰهُمَّ اَسْكِنْنَا دَارًا حَفَرَتْ لَنَا حُفَرُ مَكْرِهَاتِهَا.

۶- وَعَلَّقَتْهَا بِاَيْدِي الْمُنَايَافِي حَبَائِلِ غَدْرِهَا.

۷- فَالْيَكِّ نَلْتَجِيْ مِنْ مَّكَائِدِ خُدَعِهَا.

۸- وَبِكَ نَعْتَصِمُ مِنَ الْأَعْتِرَارِ بِزَخَارِفِ زِينَتِهَا، فَإِنَّهَا الْمُهْلِكَةُ طُلَّابَهَا.

۹- الْمَحْشُوءَةُ بِالْأَفَاتِ، الْمَشْحُونَةُ بِالنَّكَبَاتِ.

۱۰- الْهَى فَرَّهْدُنَا فِيهَا.

۱۱- وَسَلَّمْنَا مِنْهَا بِتَوْفِيقِكَ وَعِصْمَتِكَ.

ص: ۱۸۱

- لباس مخالفتِ اوامرت را از ما خارج کن. (۱)
- خدای عزیز، با حُسن کفایتت امور ما را متولی باش. (۲)
- رحمت و اسعادت را بر ما فراوان کن. (۳)
- زیباترین جایزه‌هایت را از فیوضات و مواهبیت بر ما ارزانی دار. (۴)
- در سرزمین دلمان درختان محبت را کشت کن. (۵)
- انوار محبت را در قلوبمان تماماً بتابان. (۶)
- شیرینی عفو و بخشش را به ما بچشان. (۷)
- کام ما را از لذت آمرزش بهره‌مند کن. (۸)
- در روز دیدار با حضرتت چشم ما را روشن کن. (۹)
- محبت دنیا را از دلمان خارج کن. (۱۰)
- ما را به اقتدای صالحین در گاهت و خوبان و خاصان بندگانت، دلمان از حب دنیا پاک و مبرا کن. (۱۱)
- فضای دلمان را از محبت خودت پر کن.
- سرای دلمان را از سوز مسموم محبت دنیا ننگه دار.

ی

ا اکرم الاکرمین

- ۱- وَأَنْزِعْ عَنَّا جَلَابِيبَ مُخَالَفَتِكَ.
- ۲- وَتَوَلَّ أُمُورَنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ.
- ۳- وَأَوْفِرْ مَزِيدَنَا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ.
- ۴- وَاجْمِلْ صَلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ مَوَاهِبِكَ.
- ۵- وَاغْرِسْ فِي أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ مَحَبَّتِكَ.
- ۶- وَاتِمِّمْ لَنَا أَنْوَارَ مَعْرِفَتِكَ.
- ۷- وَادِقْنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ.
- ۸- وَلَذَّةَ مَغْفِرَتِكَ.
- ۹- وَاقْرِرْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيَتِكَ.
- ۱۰- وَاخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا.
- ۱۱- كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ، وَالْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ.

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه  
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶  
 وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور  
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی  
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل  
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق  
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۰۰۰  
 به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده  
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار  
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،  
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی  
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از  
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال،  
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی  
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش  
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند  
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

